



مستندات قرآنی و روایی
معیارهای دولتمرد تراز
در نگاه امامین انقلاب



موسسه علمی و فرهنگی فوج



فهرست مطالب

۵	اعتقاد نظری و عملی به ارزشهای اسلام، انقلاب و اهداف ملت.....
۵	کلام امام خمینی:.....
۶	کلام امام خامنه ای:.....
۸	مستندات قرآنی:.....
۱۰	مستندات روایی:.....
۱۱	ولایت مداری.....
۱۱	کلام امام خمینی:.....
۱۲	مستندات قرآنی:.....
۱۳	مستندات روایی:.....
۱۵	استکبار ستیز، شجاع و مقاوم در برابر فشار های دشمن باشد.....
۱۵	کلام امام خمینی:.....
۱۶	کلام امام خامنه ای:.....
۱۶	مستندات قرآنی:.....
۱۷	مستندات روایی:.....
۱۸	حافظ عزت و استقلال کشور باشد.....
۱۸	کلام امام خمینی:.....
۲۰	استقلال فرهنگی:.....
۲۱	استقلال علمی:.....
۲۱	استقلال سیاسی:.....
۲۲	استقلال اقتصادی:.....
۲۲	استقلال کشاورزی:.....
۲۲	استقلال صنعتی:.....
۲۳	کلام امام خامنه ای:.....
۲۴	استقلال فرهنگی:.....
۲۴	استقلال علمی:.....
۲۵	استقلال سیاسی:.....
۲۶	استقلال اقتصادی:.....
۲۶	استقلال کشاورزی:.....
۲۶	استقلال صنعتی:.....
۲۷	مستندات قرآنی:.....
۳۲	مستندات روایی:.....
۳۳	مرز بندی روشن با دشمن.....
۳۳	کلام امام خمینی:.....
۳۳	کلام امام خامنه ای:.....
۳۴	مستندات قرآنی:.....
۳۵	مستندات روایی:.....
۳۵	پایبند به اقتصاد مقاومتی باشد و نگاهش برای پیشرفت به بیرون از مرز ها نباشد.....
۳۶	کلام امام خمینی:.....
۳۶	کلام امام خامنه ای:.....
۳۶	مستندات قرآنی:.....
۳۷	مستندات روایی:.....
۳۹	دوری از منفعت های شخصی و جزئی و تلاش برای منافع عمومی.....
۳۹	کلام امام خمینی:.....

۳۹	کلام امام خامنه ای:.....
۳۹	مستندات قرآنی:
۴۰	مستندات روایی:
۴۰	جوانگرا و به جوانان اعتقاد داشته باشد.....
۴۰	کلام امام خمینی:.....
۴۱	کلام امام خامنه ای:.....
۴۱	مستندات قرآنی:
۴۳	مستندات روایی:
۴۶	طرفدار مستضعفین و ضعفا باشد.....
۴۶	کلام امام خمینی:.....
۴۷	کلام امام خامنه ای:.....
۴۸	مستندات قرآنی:
۴۹	مستندات روایی:
۴۹	خستگی ناپذیر و دارای همت جهادی باشد.....
۴۹	کلام امام خمینی:.....
۵۰	کلام امام خامنه ای:.....
۵۰	مستندات قرآنی:
۵۱	مستندات روایی:
۵۲	ساده زیست باشد و از اشرافی گری اجتناب کند و متصل به مراکز ثروت و قدرت نباشد.....
۵۲	کلام امام خمینی:.....
۵۳	کلام امام خامنه ای:.....
۵۴	مستندات قرآنی:
۵۶	مستندات روایی:
۵۷	با مردم صمیمی باشد و خود را خدمتگزار مردم بداند و دنبال تصاحب قدرت و اندوختن ثروت نباشد.....
۵۷	کلام امام خمینی:.....
۶۰	کلام امام خامنه ای:.....
۶۱	مستندات قرآنی:
۶۳	مستندات روایی:
۶۷	از شیوه های تبلیغاتی صحیح استفاده نماید.....
۶۷	ا. رعایت مَرّ قانون
۶۷	کلام امام خمینی:.....
۶۷	کلام امام خامنه ای:.....
۶۷	مستندات قرآنی:
۶۹	مستندات روایی:
۷۲	ب. اهانت نکردن
۷۲	کلام امام خمینی:.....
۷۲	کلام امام خامنه ای:.....
۷۲	مستندات قرآنی:
۷۳	مستندات روایی:
۷۳	ت. برخورد صادقانه با مردم
۷۳	کلام امام خامنه ای:.....
۷۴	مستندات قرآنی:
۷۴	مستندات روایی:
۷۵	د. خود داری از اسراف و پرداخت رشوه های تبلیغاتی.....

۷۵	کلام امام خمینی:
۷۵	کلام امام خامنه ای:
۷۵	مستندات قرآنی:
۷۷	مستندات روایی:
۷۹	با مسئولان دیگر وحدت را حفظ کنند و با هم خوب باشند:
۷۹	کلام امام خمینی:
۷۹	کلام امام خامنه ای:
۸۰	مستندات قرآنی:
۸۰	مستندات روایی:
۸۰	وحدت:
۸۰	کلام امام خمینی:
۸۳	کلام امام خامنه ای:
۸۴	مستندات قرآنی:
۸۷	مستندات روایی:
۹۱	از متخصصین متعهد مسلمان استفاده کند:
۹۱	کلام امام خمینی:
۹۱	کلام امام خامنه ای:
۹۱	مستندات قرآنی:
۹۳	مستندات روایی:
۹۴	دارای مدیریت و کفایت:
۹۵	کلام امام خامنه ای:
۹۵	مستندات قرآنی:
۹۶	مستندات روایی:
۹۷	عدالتخواه و ضد فساد:
۹۷	کلام امام خمینی:
۹۸	کلام امام خامنه ای:
۹۸	مستندات قرآنی:
۱۰۰	مستندات روایی:
۱۰۱	امیدوار:
۱۰۱	کلام امام خمینی:
۱۰۲	کلام امام خامنه ای:
۱۰۲	مستندات قرآنی:
۱۰۳	مستندات روایی:
۱۰۹	طرح اجرایی:

اعتقاد نظری و عملی به ارزشهای اسلام، انقلاب و اهداف ملت

کلام امام خمینی:

در آتیه هم چنانچه ان شاء الله این ملت به همین طور در صحنه حاضر باشند با تعیین وکلایی که متعهد بر همه جهات اسلام و مصالح کشور هستند، تعیین کنند، امید است که در آتیه هر سال بهتر از سال قبل بشود^۱

آنهايي که در آنجا هستند، در دبیرستانها هستند، در دبستانها هستند، بعد هم در دانشگاهها وارد می شوند، اینهايي هستند که آتیه یک کشور در دست آنهاست و اگر آنها به طور تعهد اسلامی، اخلاق اسلامی، تربیت شدند و به جامعه تحویل داده آنها می توانند یک کشور را اصلاح کنند و از استقلال کشور دفاع کنند. تمام این اموری که فاسد است، چه اموری که در رژیم سابق واقع می شد از حیث وابستگی به قدرتهای اجنبی و چه آنهايي که خودشان طرفدار بودند که وابسته کنند این ملت را و این کشور را به کشورهای ابرقدرت، اینها تمام برای این است که تعهدهای اسلامی اینها نداشتند.^۲

جمهوری اسلامی که ملت ما می خواهد این است که محتوای این جمهوری احکام اسلام باشد و تمام مملکت روی احکام اسلامی اداره بشود، و آنچه که خدای تبارک و تعالی فرموده است به وسیله پیغمبر اکرم و به ما رسیده است به وسیله ائمه اطهار آنها باید تحقق پیدا بکند.^۳

در این نهضتی که شما ملت ایران- زن و مرد- همه قائم به آن هستید، این نهضت برای خداست. می خواهید که طاغوت را از بین ببرید، می خواهید که کسانی که ملت شما را تضعیف کرده اند و ملت شما را در تحت اختناق و فشار و چپاول درآورده اند نجات بدهید، می خواهید که حکومت خدا را در ایران ایجاد کنید، چه شکست بخورید و چه شکست بدهید پیروز هستید^۴

^۱ در جمع مسئولان جهاد سازندگی قم ۵۸/۸/۶- صحیفه امام ج ۱۷ ص ۴۷۰

^۲ در جمع نمایندگان انجمنهای اسلامی دانش آموزان ۱۳۶۰/۱/۱۱- صحیفه امام ج ۱۴ ص ۲۴۵

^۳ در جمع اهالی مسجد ارباب تهران ۱۳۵۸/۸/۱

^۴ در جمع معلمان ۵۷/۱۱/۱۹- صحیفه امام ج ۶ ص ۱۰۶

کلام امام خامنه ای:

رئیس جمهور مطلوب باید با کفایت، با ایمان، عدالت خواه و ضد فساد، دارای عملکرد انقلابی و جهادی، معتقد به توانمندی های داخلی، معتقد به جوانان به عنوان پیشران حرکت عمومی کشور و امیدوار به آینده باشد.^۵

انتخاب صالح - در درجه اول - یعنی انتخاب نماینده متدین. برای نماینده، آگاهی سیاسی لازم است؛ جرأت و جسارت در برخورد با مسائل لازم است؛ آگاهی از مسائل کشور لازم است؛ آگاهی از مسائل جهان لازم است. همه اینها لازم است. لکن رکن اصلی، تدین است؛ یعنی اعتقاد به اسلام و به اصول و پایه های دینی و عامل بودن به اینها. این، اساس قضیه است. نماینده ای که متدین باشد، شما خاطرتان جمع است که خیانت نخواهد کرد؛ کار خلاف نخواهد کرد؛ حتی کوتاهی و سستی نخواهد کرد. نماینده متدین، هر یک ساعتی را که بخواهد غیبت کند و در مجلس نباشد، احساس می کند این خلاف شرع است و چون متدین است، این خلاف شرع را انجام نمی دهد. نماینده متدین، از تربیون مجلس برای گفتن سخن ناحق، استفاده نمی کند. نماینده متدین، مصالح انقلاب و کشور را بر مسائل شخصی یا گروهی، مقدم می داند. تدین، این خصوصیات و این خواص مهم را دارد. اگر این شرط را بتوانید تأمین کنید و نماینده متدین را ان شاء الله پیدا و انتخاب کنید، آن جهات بعدی قابل تأمین تر است.^۶

«علاوه بر همه این ها - و شاید بتوانم عرض کنم مهم تر از همه این ها - این است که متدین باشد. نماینده ای متدین است که برای مردم کار می کند. نیتش را خدایی می کند؛ مردم فهمیدند، فهمیدند؛ نفهمیدند، نفهمیدند. آن کس که بخواهد کار نکرده ای را به رخ مردم بکشد، متدین نیست. نماینده ای که متدین است، برای مردم کار می کند، جان می کند، نفس می زند، در تنظیم قوانین، در حفظ اکثریت مجلس و کمیسیون ها و برای حضور در کمیسیون ها تلاش می کند. کسی فهمید، فهمید؛ نفهمید، نفهمید. اهمیت نمی دهد. می خواهد کار کند. این، فایده تدین نماینده است؛ نماینده متدین و معتقد به انقلاب، معتقد و پایبند به اصول انقلاب.^۷»

«کسی که می آید به مجلس، باید باتقوا باشد. اولین شرط تقواست: (انّ اکرمکم عندالله اتقاکم).^۸»

«مجلس شورای اسلامی، مهم است. مجلس شورای اسلامی، به اعتباری، حسّاس ترین و مؤثرترین نهاد قانونی کشور است. اگر نماینده ای بی علاقه به انقلاب و کشور و بی اعتقاد به قانون اساسی به مجلس راه پیدا کند که مصالح این کشور برایش مهم نباشد؛ دشمنی های استکبار جهانی را نفهمد، دلش بخواهد که از استکبار جهانی تملّق بگوید و در

۵ - سخنرانی نوروزی - ۱ فروردین ۱۴۰۰

۶ - مصاحبه رادیو- تلویزیونی در پایان بازدید از پنجمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران - ۱۳۷۱/۰۲/۱۷

۷ - بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران - ۱۳۷۱/۰۱/۰۷

۸ - بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم - ۱۳۸۲/۱۰/۱۸

روزنامه‌ها و مجلات وابسته به صهیونیست‌ها اسمش را درشت بنویسند و بگویند فلانی با سیاست نظام جمهوری اسلامی مخالفت کرد؛ چنین نماینده‌ای مجلس را خراب می‌کند، ملت را خراب می‌کند، کشور را هم خراب می‌کند؛ پس به درد نمی‌خورد.^۹

«بینید و بفهمید چه کسی را به مجلس می‌فرستید. آن کسی که به عنوان وکیل این ملت انقلابی و مؤمن و شجاع به مجلس می‌رود، باید انقلابی و مؤمن و شجاع باشد. اگر نگوییم شجاع‌ترین و مؤمن‌ترین و انقلابی‌ترین؛ لااقل در سطح این توده عظیم مردم که این‌گونه از خود درخشش نشان می‌دهند، باشد. آن کسی که اسلام را نمی‌پسندد و مقررات اسلامی را قبول نمی‌کند و برای خاطر دل بیگانگان و خوشامد دیگران، به انقلاب و ارزش‌های انقلابی اهانت می‌کند و یا به خاطر ترس از دیگران، به جای این که به ملت گرایش نشان دهد، به دشمن گرایش نشان می‌دهد و آن کسی که تقوای لازم را ندارد و اهل معنویات نیست و اهل دنیاست و فقط برای نام و نشان و استفاده شخصی، این مسئولیت را می‌خواهد، او لایق و شایسته این کار نیست. دنبال آدم‌های مؤمن و شجاع و انقلابی و کسانی که بتوانند قدرت این ملت را - که در سایه ارزش‌های انقلابی است - حفظ کنند، باشید. کسانی که وقتی قوانینی می‌گذارند و موضعی می‌گیرند و نطقی می‌کنند، همه در این جهت باشد. این طور آدمی، شایسته آن است که به عنوان وکیل این ملت، به مجلس شورای اسلامی برود؛ آن کسی که بفهمد امام چه می‌گفت، چه می‌خواست و چرا می‌خروشید. وکیل آینده مجلس، باید دنبال راه امام و در خط او باشد. . . خط امام و ارزش‌ها و وصیت‌نامه او را فراموش نکنید. آنچه را که این ارزش‌ها به شما می‌آموزد، آنها را در آدمی سراغ کنید و وقتی پیدا کردید؛ قربه الی الله و محض رضای خدا، نام او را در صندوق رأی بیندازید. این، مجلس شورای اسلامی لایق شما و این ملت می‌شود. کار را این طور دنبال کنید.»^{۱۰}

«عزیزان من! وابستگی از لابلای گری دینی حاصل می‌شود. نه این که هر کس متدین نیست، وابسته است؛ نه. بالاخره انگیزه‌های گوناگونی وجود دارد. اما کسی که متدین است، یک مانع اضافه برای وابسته شدن دارد. این خیلی مهم است. شنیده‌ام بعضی در حول و حوش مرحله اول انتخابات، گفته بودند «فلانی - شاید اسم ما را هم نیاورده بودند- یا برخی دیگر این قدر روی تدین تکیه می‌کنند، چه اهمیتی دارد؟ باید آدم‌های متخصص به مجلس راه پیدا کنند. دکترها و مهندس‌ها به مجلس بروند و مملکت را اداره کنند!» این، اشتباه است. نه این که برای مجلس، متخصص لازم نیست. چرا؛ برای مجلس، متخصص لازم است. ولی ما امروز تخصص کم نداریم. عرض من این است که: ای ملت ایران! بین همین مهندس‌ها و دکترها، میان همین متخصص‌ها و کارشناس‌ها، بگردید متدین‌ها را انتخاب کنید! به صرف ادعا، اکتفا نکنید. فردی را که می‌خواهید برگزینید، باید متدین باشد. متدین که شد، آن وقت انسان احساس خاطر جمعی

^۹ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (۱۹ رمضان ۱۴۱۶) - ۱۳۷۴/۱۱/۲۰

^{۱۰} - بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر - ۱۳۷۴/۱۲/۰۱

می‌کند. من در بعضی تبلیغات انتخاباتی، در بعضی جاها مشاهده کردم که فلان نامزد انتخاباتی، حتی این قدر به خودش زحمت نداده است که عکسی را برای تبلیغات منتشر کند که اقلأً در آن عکس، ظواهر مذهبی را رعایت کرده باشد! خوب؛ چنین مواردی انسان را متنبه به خطر می‌کند. این که عده‌ای خیال کنند دیگر وقت این حرف‌ها گذشت و امروز مردم دنبال دین و آخوند و ریش و از این قبیل نیستند، اشتباه است. امروز هم اعتماد مردم به افراد متدین، نمایندگان متدین و علمای دین است. مردم به اینها اعتماد و اطمینان دارند. سزاوار هم هست که به اینها اطمینان داشته باشند؛ زیرا دین مانع وابستگی می‌شود. وقتی دین‌داری نبود، وابستگی آسان می‌شود. آیا کسی که در تبلیغات انتخاباتی اش شعارهایی مطرح می‌کند که نه فقط رنگ و بوی دینی و انقلابی ندارد، بلکه ضد مسائل دینی، ملی و انقلابی است، خطرناک نیست که به مجلس برود؟! البته ما به هشیاری مردمان خیلی مطمئنیم. بنده به هشیاری مردم کاملاً مطمئنم. مردم ما هشیارند؛ اما معنایش این نیست که آدم دغلی نخواهد توانست با پشت هم اندازی و تبلیغات گوناگون، فضا را غبارآلود کند و از آب گل‌آلود ماهی بگیرد.^{۱۱}

«نماینده باید متدین باشد؛ انسان‌های متدین می‌توانند مورد اعتماد قرار گیرند. نماینده باید انقلابی باشد؛ روحیه و نشاط و امید و قوت و روحیه انقلابی در او وجود داشته باشد تا بتواند راه‌هایی را که به نظر بن‌بست می‌رسد، بشکافد و پیش برود.»^{۱۲}

«کارآمدی تنها هم کافی نیست؛ باید متدین هم باشد. آدم متدین، احتمال خیانتش کم است. آن متدین‌هایی که یک وقت دچار لغزش می‌شوند، اول تقوای خودشان را از دست می‌دهند؛ بعد این لغزش به سراغ آنها می‌آید. پس، باید متدین و باتقوا هم باشند تا بتوانید برای کارهای این کشور به آنها اعتماد کنید.»^{۱۳}

مستندات قرآنی:

الحشر، الجزء ۲۸، الصفحة: ۵۴۶، الآية: ۷

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۷﴾

^{۱۱} - یانات در دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش - ۱۳۷۵/۰۱/۲۸

^{۱۲} - بیانات در اجتماع بزرگ مردم قزوین - ۱۳۸۲/۰۹/۲۵

^{۱۳} - بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم - ۱۳۷۸/۱۱/۱۳

آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا پرهیزید که خداوند کیفرش شدید است! (۷)

آل عمران ، الجزء ۳، الصفحة: ۵۲، الآية: ۱۹

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا نَبِيَّهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا) به حساب او می‌رسد؛ زیرا) خداوند، سریع الحساب است. (۱۹)

البقرة ، الجزء ۳، الصفحة: ۴۹، الآية: ۲۸۵

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ آمَنَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَكُتِبَ عَلَيْهِ وَرُسُلُهُ لَا نَقْرُقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می‌باشد). و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند؛ (و می‌گویند:) ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظار) آمرزش تو را (داریم)؛ و بازگشت (ما) به سوی توست.» (۲۸۵)

الأنفال ، الجزء ۹، الصفحة: ۱۸۰، الآية: ۲۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد؛ (روشن بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت؛) و گناهانتان را می‌پوشاند؛ و شما را می‌آمرزد؛ و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است! (۲۹)

الطلاق، الجزء ۲۸، الصفحة: ۵۵۸، الآية: ۲

فَإِذَا بَلَغَنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوْغِطُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿٢﴾

و چون عده آنها سرآمد، آنها را بطرز شایسته‌ای نگه دارید یا بطرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید؛ و شهادت را برای خدا برپا دارید؛ این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، (۲)

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴿٣﴾

و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است! (۳)

يونس، الجزء ۱۱، الصفحة: ۲۱۳، الآية: ۳۵

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾

بگو: «آیا هیچ يك از معبودهای شما، به سوی حق هدایت می‌کند؟! بگو: «تنها خدا به حق هدایت می‌کند! آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟!» (۳۵)

مستندات روایی:

علل الشرائع، ج ۱، ص: ۲۵۲

حَدَّثَنِي عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ دُوسِ النَّسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّسَابُورِيُّ قَالَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ النَّسَابُورِيُّ

فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ لَمْ أَمَرَ الْخَلْقُ بِالْإِقْرَارِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَحُجَّتِهِ وَبِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ قِيلَ لَعَلَّ كَثِيرَةً مِنْهَا أَنْ مَنْ لَمْ يُقِرَّ بِاللَّهِ لَمْ يَتَجَنَّبْ مَعَاصِيهِ وَلَمْ يَنْتَهَ عَنْ ارْتِكَابِ الْكِبَائِرِ وَلَمْ يُرَاقِبْ أَحَدًا فِيمَا يَشْتَهِي وَيَسْتَلِدُّ مِنَ الْفُسَادِ وَالظُّلْمِ

علل الشرائع، ج ۱، ص: ۲۵۲

حَدَّثَنِي عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ دُوسٍ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ قَتِيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ النَّيْسَابُورِيُّ

وَلَا يَكُونُ حُظْرُ الْفُسَادِ وَالْأَمْرِ بِالصَّلَاحِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْفَوَاحِشِ إِلَّا بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِاللَّهِ وَمَعْرِفَةِ الْأَمْرِ وَالنَّاهِي وَمِنْهَا أَنَا قَدْ وَجَدْنَا الْخَلْقَ قَدْ يُفْسِدُونَ بِأُمُورٍ بَاطِنَةٍ مَسْتُورَةٍ عَنِ الْخَلْقِ فَلَوْ لَا الْإِقْرَارُ بِاللَّهِ وَخَشْيَتُهُ بِالْغَيْبِ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ إِذَا خَلَا بِشَهْوَتِهِ وَإِرَادَتِهِ يُرَاقِبُ أَحَدًا فِي تَرْكِ مَعْصِيَةٍ وَأَنْتَهَاكِ حُرْمَةٍ وَارْتِكَابِ كَبِيرٍ إِذَا كَانَ فَعَلُهُ ذَلِكَ مَسْتُورًا عَنِ الْخَلْقِ بَغَيْرِ مُرَاقِبٍ لِأَحَدٍ فَكَانَ يَكُونُ فِي ذَلِكَ هَلَاكُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ.

بحار الانوار، ج ۹، باب ۱، ص ۱۴۳

یا عم والله لو وضعت الشمس فی یمینی و القمر فی شمالی ما ترکت هذا القول حتی انفضه او اقتل دونه. عموجان، به خدا سوگند! اگر آفتاب را در دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهند، از آیین خود دست بر نمیدارم تا این که آن را برپا دارم یا در راه آن کشته شوم.

ولایت مداری

کلام امام خمینی:

ملت ما اگر وکلاشان خواستند بر خلاف اسلام عمل بکنند، مردم مختارند که وکلا را عزلشان بکنند، بریزندشان دور. آنها خیال می کنند که نه، این خلاف آزادی است. شما دارید دیکتاتوری می کنید! شما دارید در مقابل ملت می ایستید. ملت اسلام را می خواهد، شما می گوئید لازم نیست! ملت ولایت فقیه را می خواهد، که خدا فرموده است، شما می گوئید خیر، لازم نیست!^{۱۴}

^{۱۴} در جمع نمایندگان مجلس خبرگان ۵۸/۷/۱۳-صحیفه امام ج ۱۰ ص ۲۲۳

اسلام اطاعت فقيه را واجب دانسته است، و من امر می کنم به شما که اطاعت کنید از ما فوقه‌های خود، و حفظ نظام را بکنید و من سفارش می کنم به افسرها، افسرهای ارشد و دیگر افسرها که مراعات اسلامی خودشان را بکنند؛ با زیردستان همان کنند که پیغمبر اسلام با زیردستان می فرمود و امیر المؤمنین - سلام الله علیه^{۱۵}.
اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولی منتخب مردم می شود و حکمش نافذ است^{۱۶}.

مستندات قرآنی:

النساء، الجزء ۵، الصفحة: ۸۸، الآية: ۶۵

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند. (۶۵)

الأحزاب، الجزء ۲۲، الصفحة: ۴۲۳، الآية: ۳۶

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا ﴿٣٦﴾

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است! (۳۶)

النساء، الجزء ۵، الصفحة: ۸۷، الآية: ۵۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾

^{۱۵} در جمع افسران دانشکده افسری ۱۳۵۸/۸/۱ - صحیفه امام ج ۱۰ ص ۳۲۷

^{۱۶} نامه به رئیس مجلس خبرگان ۱۳۶۸/۲/۹ - صحیفه امام ۲۱ ص ۳۷۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [اوصیای پیامبر] را! و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است. (۵۹)

مستندات روایی:

الأمالی (للمفید)؛ النص؛ ص ۱۴

قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو الْجَعَابِي قَالَ حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ الْمَعْدِلِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمْرِو عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَرِيبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: اسْمَعُوا وَاطِيعُوا لِمَنْ وَلَّاهُ اللَّهُ الْأَمْرَ فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ.

نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲

قال الامام على (عليه السلام):

فرض الله الإمامة، نظاما للأمة و الطاعة تعظيما للإمامة.

امامت، موجب نظم و هماهنگی مردم و اطاعت، برای عظمت رهبری است.

عبد الواحد بن محمد بن عبدوس النيسابوري العطار، قال: حدثني أبو الحسن علي بن محمد بن قتيبة النيسابوري، قال قال أبو محمد الفضل بن شاذان النيسابوري:

إِنْ سَأَلَ سَائِلٌ فَقَالَ: أَخْبِرْنِي هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُكَلَّفَ الْحَكِيمُ.... فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ: وَلَمْ جَعَلَ أُولَى الْأَمْرِ وَأَمَرَ بِطَاعَتِهِمْ؟ قِيلَ لَعَلَّ كَثِيرَةً مِنْهَا، أَنْ الْخَلْقَ لَمَّا وَفَّقُوا عَلَى حَدِّ مَحْدُودٍ وَآمَرُوا أَنْ لَا يَتَعَدَّوْا تِلْكَ الْحُدُودَ لِمَا فِيهِ مِنْ فُسَادِهِمْ لَمْ يَكُنْ يَثْبُتُ ذَلِكَ وَلَا يَقُومُ إِلَّا بِأَنْ يَجْعَلَ عَلَيْهِمْ فِيهِ أَمِينًا يَأْخُذُهُمْ بِالْوَقْفِ عِنْدَ مَا أُبِيحَ لَهُمْ وَيَمْنَعُهُمْ مِنَ التَّعَدْيِ عَلَى مَا حَظَرَ عَلَيْهِمْ، لَأَنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لَكَانَ أَحَدٌ لَا يَتْرُكُ لَدَنَّهُ وَتَنْفَعَتَهُ لِفُسَادٍ غَيْرِهِ. فَجُعِلَ عَلَيْهِمْ قِيَمٌ يَمْنَعُهُمْ مِنَ الْفُسَادِ وَيُقِيمُ فِيهِمْ الْحُدُودَ وَالْأَحْكَامَ. وَمِنْهَا أَنَا لَا نَجِدُ فَرْقَةً مِنَ الْفِرْقِ وَلَا مَلَّةً مِنَ الْمَلَلِ بَقَوْا وَعَاشُوا إِلَّا بِقِيَمٍ وَرئيسٍ لِمَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا. فَلَمْ يَجْزُ فِي حِكْمَةِ الْحَكِيمِ أَنْ يَتْرُكَ الْخَلْقَ مِمَّا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ وَلَا قِوَامَ لَهُمْ إِلَّا بِهِ فَيَقِ تِلْكَ بِهْ عَدُوَّهُمْ وَيَقْسِمُونَ بِهِ فَيَتَّهِمُونَ بِهِ جَمْعَهُمْ وَجَمَّاعَتَهُمْ وَيَمْنَعُ ظَلَمَهُمْ مِنْ مَظْلُومِهِمْ. وَمِنْهُ أَلَا أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ إِمَامًا قِيَمًا أَمِينًا حَافِظًا مُسْتَوْدَعًا،

لَدَرَسَتْ أَلْمَلَّةُ وَذَهَبَ الدِّينُ وَغَيَّرَتِ السُّنَنُ وَالْأَحْكَامُ، وَلَزَادَ فِيهِ الْمُبْتَدِعُونَ وَنَقَصَ مِنْهُ الْمُلْحِدُونَ وَشَبَّهُوا ذَلِكَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ. أَذْكَدُ وَجَدْنَا الْخَلْقَ مَنْقُوصِينَ مُحْتَجِّينَ غَيْرَكَ أَمَلِينَ، مَعَ اخْتِلَافِهِمْ وَاخْتِلَافِ أَهْوَائِهِمْ وَتَشْتِجِ حَالَاتِهِمْ، فَلَوْ لَمْ يَجْعَلْ قِيَمًا حَافِظًا لَمْ يَجِءَ بِهِ الرَّسُولُ الْأَوَّلُ، لَفَسَدُوا عَلَى نَحْوِ مَا بَيَّنَّاهُ وَغَيَّرَتِ الشَّرَائِعُ وَالسُّنَنُ وَالْأَحْكَامُ وَالْإِيمَانُ. وَكَأَنَّ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ. ١٧

تقریب: قسمت اول حدیث را که مربوط به نبوت است و الان مورد بحث ما نیست نیاوردیم. مورد بحث ما قسمت اخیر است که امام می فرماید: اگر کسی پرسد چرا خدای حکیم «اولی الامر» قرار داده و به اطاعت آنان امر کرده است، جواب داده خواهد شد که به علل و دلایل بسیار چنین کرده است. از آن جمله، این که چون مردم بر طریقه مشخص و معینی نگهداشته شده، و دستور یافته اند که از این طریقه تجاوز نمایند و از حدود و قوانین مقرر در نگذرند، زیرا که با این تجاوز و تخطی دچار فساد خواهند شد، و از طرفی این امر به تحقق نمی پیوندد و مردم بر طریقه معین نمی روند و نمی مانند و قوانین الهی را بر پا نمی دارند، **مگر در صورتی که فرد (یا قدرت) امین و پاسداری بر ایشان گماشته شود که عهده دار این امر باشد و نگذارد پا از دایره حشاشان بیرون نهند، یا به حقوق دیگران تعدی کنند** زیرا اگر چنین نباشد و شخص یا قدرت بازدارنده ای گماشته نباشد، هیچ کس لذت و منفعت خویش را که با فساد دیگران ملازمه دارد فرو نمی گذارد و در راه تأمین لذت و نفع شخصی به ستم و تباهی دیگران می پردازد و علت و دلیل دیگر این که ما هیچ یک از فرقه ها یا هیچ یک از ملتها و پیروان مذاهب مختلف را نمی بینیم که **جز به وجود یک بر پا نگهدارنده نظم و قانون و یک رئیس و رهبر توانسته باشد به حیات خود ادامه داده باقی بماند**، زیرا برای گذران امر دین و دنیای خویش ناگزیر از چنین شخص هستند؛ بنا بر این، در حکمت خدای حکیم روا نیست که مردم، یعنی آفریده گان خویش را، بی رهبر و بی سرپرست رها کند؛ زیرا خدا می داند که به وجود چنین شخصی نیاز دارند و موجودیتشان جز به وجود وی قوام و استحکام نمی یابد؛ و به رهبری اوست که با دشمنانشان می جنگند؛ و درآمد عمومی را میانشان تقسیم می کنند؛ و نماز جمعه و جماعت را برگزار می کنند؛ و دست ستمگران جامعه را از حریم حقوق مظلومان کوتاه می دارند.

فی کتاب إكمال الدین و إتمام النعمة «١» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ، قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعُمَرِيَّ أَنْ يُوَصِّلَ لِي كِتَابًا قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ اشْكَلْتُ عَلَى. فَوَرَدَ التَّوْقِيعُ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ (ع): أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ. أَرَشَدَكَ اللَّهُ وَتَبَتَكَ (إِلَى أَنْ قَالَ) وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ، فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثِنَا. فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ، وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ. وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعُمَرِيَّ، فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَنْ أَبِيهِ، فَإِنَّهُ ثَقَّتِي وَكِتَابُهُ كِتَابِي. «٢» اسحاق بن یعقوب، «٣» نامه ای برای حضرت ولی عصر (عج) می نویسد و از مشکلاتی که برایش رخ داده سؤال می کند. و محمد بن عثمان عمری نماینده آن حضرت، نامه را می رساند. جواب نامه به خط مبارک صادر می شود که «... در حوادث و پیشامدها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجت من بر شماست و من حجت خدایم...»

کلام امام خمینی:

از اظهارات پوچ دولت امریکا و انگلیس و شوروی مبنی بر پشتیبانی از شاه برای حفظ منافع خودشان نهراسید؛ که نمی‌هراسید. به شهادت تاریخ، هیچ قدرتی نمی‌تواند آتش قلب ملت مظلومی را که برای رسیدن به آزادی و استقلال قیام کرده است فرو نشاند.^{۱۸}

علمای بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطره قدرت حکومت‌های جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر بپردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه‌ها را سپر کنند و جلوی تهاجم فرهنگ‌های مبتذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملت‌ها منتهی شده است را بگیرند، و به مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج خود باختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو کنند و به مردم و به دولت‌ها خطر استعمار نو و شیطنت ابرقدرتها که جنگ و مسلمان‌کشی در جهان به راه انداخته‌اند، گوشزد کنند.^{۱۹}

تمام کشورهای اسلامی چون ایران بنا به وظیفه اسلامی خویش باید از کشورهای در حال رشد و مبارزه با استعمار مادی و معنوی پشتیبانی کنند.^{۲۰}

پیغمبر هم شهید داد، انبیا هم همین طور. سیره انبیا بر این معنا بوده است، سیره بزرگان بر این معنا بوده است که معارضه می‌کردند با طاغوت و لو اینکه زمین بخورند، و لو اینکه کشته بشوند و لو کشته بدهند. ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند، و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد.^{۲۱}

امروز همه انقلابی و آماده شهادت هستند. من جداً اعلام می‌کنم که ما می‌توانیم به آسانی در برابر تجاوز امریکا بایستیم. امریکا ممکن است ما را شکست دهد ولی نه انقلاب ما را و به همین دلیل است که من به پیروزی خودمان اطمینان دارم. دولت امریکا مفهوم شهادت را نمی‌فهمد. ما با چنین روحیه‌ای است که همه مشکلات ایران را حل می‌کنیم. به شعارهای مردم نگاه کنید که می‌گویند، «کارتر نمی‌داند منطق شهادت چیست»^{۲۲}.

^{۱۸} پیام به ملت ایران ۱۳۵۷/۸/۴ - صحیفه امام، ج ۴، ص: ۱۵۵

^{۱۹} پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام ۱۳۶۶/۵/۶ - صحیفه امام ج ۲۰ ص ۳۳۷

^{۲۰} پیام به ملت الجزایر - صحیفه امام ج ۱۰ ص ۳۹۶

^{۲۱} در جمع مردم و مسئولان نظام ۱۳۶۲/۱۰/۱ - صحیفه امام ۱۸ ص ۲۶۹

^{۲۲} مصاحبه با مجله تایم ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ - صحیفه امام ج ۱۲ ص ۳۶

کلام امام خامنه ای:

کسانی با رأی ملت سر کار نیایند که در مقابل دشمنان بخواهند دست تسلیم بالا ببرند و آبروی ملت ایران را ببرند. کسانی سر کار نیایند که بخواهند با تملق گوئی به غرب، به دولتهای غربی، به دولتهای زورگو و مستکبر، به خیال خودشان بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین المللی دست و پا کنند. اینها برای ملت ایران ارزشی ندارد. کسانی سر کار نیایند که دشمنان ملت ایران طمع بورزند که به وسیله آنها بتوانند صفوف ملت را از هم جدا کنند، مردم را از دینشان، از اصولشان، از ارزشهای انقلابی شان دور کنند. ملت باید آگاه باشد. اگر کسانی بر سر کار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به جای اینکه به فکر ادامه ی راه امام و ارزشها و اصول ترسیم شده ی به وسیله ی امام باشند، به فکر به دست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود. این آگاهی برای ملت لازم است.^{۲۳}

انتخاب که میخواهید بکنید، بشناسید و انتخاب کنید؛ بشناسید. به دینشان، به تعهدشان، به وفاداری شان به انقلاب، به ایستادگی شان در راه انقلاب، به عزم و اراده شان، به شجاعتشان و به مرعوب نشدنشان خاطر جمع بشوید، [آنوقت] رأی بدهید.^{۲۴}

دارای روحیه ی مقاوم باشد. این ملت اهداف بلندی دارد، کارهای بزرگی دارد، تسلیم نیست، کسی نمیتواند با این ملت با زبان زور حرف بزند. کسانی که در رأس قوه ی اجرائی قرار میگیرند، باید کسانی باشند که در مقابل فشارهای دشمنان مقاوم باشند؛ زود نترسند، زود از میدان خارج نشوند؛ این یکی از شرطهای لازم است.^{۲۵}

مستندات قرآنی:

الفتح، الجزء ۲۶، الصفحة: ۵۱۵، الآية: ۲۹

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجِدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكُمْ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

محمد(ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به

۲۳ - بیانات در دیدار مردم بیجار ۲۸ اردیبهشت ۸۸

۲۴ - بیانات در دیدار مردم نجف آباد ۵ اسفند ۹۴

۲۵ - بیانات در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور - ۷ اردیبهشت ۹۲

شگفتی وامی دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعدهٔ آمرزش و اجر عظیمی داده است. (۲۹)

النساء، الجزء ۵، الصفحة: ۱۰۱، الآية: ۱۴۱

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿١٤١﴾

منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب شما هستند؛ اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنائیم شریکیم!) «و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، به آنان می‌گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی‌کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!)» خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. (۱۴۱)

التوبة، الجزء ۱۰، الصفحة: ۱۸۸، الآية: ۱۲

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلِئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ﴿١٢﴾

و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آنها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند! (۱۲)

البقرة، الجزء ۲، الصفحة: ۲۹، الآية: ۱۹۰

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾

و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد! (۱۹۰)

مستندات روایی:

غرر الحکم ص ۶۱

و قال أمير المؤمنين عليه السلام:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَثَتِي عِلْمُهُ وَعِلْمُ النَّبِيِّينَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَثَلَّثْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مِثْلَ سَفِينَةِ نُوحٍ: مِنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ وَثَلَّثْنَا الْفَتِيَّةَ الَّذِينَ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ فَرَادَهُمْ هَدًى، فَالْسَّعِيدُ مِنْ اسْتِقَامٍ عَلَى أَمْرِنَا وَتَوَلَّانَا وَنَصَرْنَا وَانْتَظَرَ قَائِمَنَا وَبَرٍّ مِنْ عَدُوِّنَا، وَالشَّقِيُّ مِنْ أَبْغَضْنَا؛ وَمِنْ أَحَبَّنَا أَجْزَاهُ اللَّهُ عَلَى حَبْنَا الْجَنَّةَ، وَمِنْ أَبْغَضْنَا أَخْزَاهُ اللَّهُ تَعَالَى فَأَدْخَلَهُ النَّارَ» ٢٦.

نهج البلاغه للصبحی صالح ص ٤٢١

وصیت امیرالمومنین علیه السلام به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام:

كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا

تقریب: تولی و تبری یعنی دوستان خدا را دوست داشتن و دشمنان خداوند را دشمن داشتن که این دوتا از اصول تغییر ناپذیر است. دوستی با دشمنان اسلام و پیامبر صلوات الله علیه و مسلمانان، بنابر دستور قرآن کریم حرام است. خداوند در سوره آل عمران می فرماید: لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (آیه ٢٨) و همچنین در سوره ممتحنه می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَّ وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (١)

حافظ عزت و استقلال کشور باشد.

کلام امام خمینی:

اینکه شخصیت‌های بسیار ارجمندی از دستان رفت نباید ما را از آن مسائلی که همان شهدای ما مورد نظرشان بود و اساس خدمتشان بود، ما فراموش کنیم. ما بیشتر باید توجه بکنیم به آن چیزی که این شهدای ما در مجلس، این شهدای ما در دولت، شهدای ما در قوه قضایی، آنها را ما از دست دادیم، باید طریقه آنها را که همه این مسأله بود که جنگ را ما ببریم و تفاله‌های امریکا و شوروی را از کشور خودمان پاکسازی کنیم و کشور خودمان یک کشور اسلامی مستقل، آزاد باشد باید ما آن طریقه را فراموش نکنیم ٢٧.

^{٢٦} (١) ورد حدیث السفینة الوارد ضمن هذه الرواية بطرق كثيرة في أمهات مصادر العامة، لمزيد الاطلاع، انظر: فضائل الخمسة من الصحاح الستة ٢: ٥٦-٥٩، باب في قول النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مثل أهل بيتي مثل سفينة نوح».

^{٢٧} در جمع خانواده هیا شهدای هفتم تیر ١٣٦٠/٤/١١- صحیفه امام، ج ١٥، ص: ٢٧

اگر یک مملکتی بخواهد مستقل باشد، اول شرط این است که احتیاج نداشته باشد به غیر، اگر احتیاج داشت که نمی‌تواند مستقل باشد. احتیاج، خودش یک بستگی [سیاسی] است. اگر یک روزی آن کسی که ما به او محتاج- فرض کنید- باشیم، یک روزی جلوی ما را بگیرد، خوب ما باید تسلیمش بشویم. ما باید کاری بکنیم که مستقل بشویم. کاری بکنیم که محتاج نباشیم؛ این هم به این است که دانشگاهی بنایش را بر این بگذارد که در دانشگاه خودش کاری بکند که آن مقداری که مملکت خودش محتاج [است] بتواند آن مقدار را درست بکند. عار است برای یک مملکتی که خارج از طب او استفاده کرده، حالا هر کس هر چه می‌شود از اینجا پا شود برود به لندن پیش دشمنهای ما. پیش آن که الآن دشمن ما را در آنجا دارد حفاظت می‌کند؛ امریکا. پیش آن که دشمن بزرگ ما را دارد حمایت می‌کند و پشتیبانی از او می‌کند و توطئه‌گری می‌کند. عار است برای ما که مریضهای ما برونند در یک چنین مملکتی که آن طور هستند. ما باید اطباءیمان در خود مملکت تربیت بشوند، مأیوس نباشند از اینکه ما نمی‌توانیم، این قدر خودشان را نبازند^{۲۸}.

آقایان توجه کنند که روابط زمان سابق نباشد که در زمان سابق روابط یک طرفه بود؛ آقای و نوکری، چه در زمان قاجار و چه زمان رضا خان و تا آخر. و شما دیدید که از اول این طور بود که وقتی سفیری از انگلستان یا امریکا می‌آمد، کسی جرأت نمی‌کرد حتی یک کلمه‌ای بر خلاف مصالح آنها بگوید. ولی ایران، امروز این طور نیست، و ما هیچ کشوری مثل ایران سراغ نداریم که این طور، دنیا و شرق و غرب به آن نظر داشته باشند، و مستقل بوده و بگوید ما نه با امریکا کار داریم و نه با شوروی و ما خودمان هستیم. و این که با همه دولت‌ها رابطه داشته باشیم یعنی، رابطه دوستانه، نه روابط بین ارباب و رعیت، و ما این روابط را نمی‌خواهیم مادامی که این طور هست. و ما استقلال خودمان را می‌خواهیم حفظ کنیم و در دنیا زندگی کنیم و اسلام را به پیش ببریم.

این روابط باید هر روز محکمتر بشود، و شما از اول باید به آنها بفهمانید این معنا را که ما نمی‌خواهیم روابطمان مثل روابط زمان شاه باشد، بلکه ما روابط خاص اسلامی داریم که اسلام نه ظالم بود و نه زیر بار ظلم می‌رفت، و ما هم می‌خواهیم این طور باشیم که نه ظلم کنیم، نه زیر بار ظلم برویم.

و شما این نکته را توجه داشته باشید که؛ آن قدرتی که شما را به استقلال و آزادی رساند، قدرت خدای تعالی بود، و تا وقتی که این عنایات الهی محفوظ باشد، هیچ قدرتی نمی‌تواند کاری بکند^{۲۹}.

وصیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمانهای بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است، چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه‌ها؛ و چه در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولتهایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند. و از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمایید. و باید بدانید که وابستگی در بعضی امور هر چند ممکن است ظاهر فریبنده‌ای داشته باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد، لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید^{۳۰}.

^{۲۸} در جم زندانیان سیاسی در رژیم پهلوی ۱۳۵۸/۸/۱۱-صحیفه امام ج ۱۰ ص ۴۴۳

^{۲۹} در جمع مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۶۳/۸/۶-صحیفه امام ج ۱۹ ص ۹۴

^{۳۰} وصیت نامه سیاسی-اللهی اما خمینی ره-صحیفه امام ج ۲۱ ص ۴۲۷

مجلس شورا را باید ملت خودش و کلا تعیین کنند. و کلا هم همین جوری که عرض کردم و کلا ملی؛ و کلائی که مردم در بلاد خودشان شناختند که اینها مردم صالحی هستند، اینها مردم اسلامی هستند، اینها گرایش به شرق و غرب، گرایش به مکتبهای فاسد ندارند، اینها را تعیین کنند. یک مجلس شورا داشته باشیم^{۳۱}.

بعض مسائل، مسائل اصلی است؛ مسائلی است که بنیاد مسائل دیگر است؛ مسائلی است که حفظ کیان اسلام و حفظ استقلال کشور به آنها بسته است و بعد از اینکه این مسائل اصلی تحقق پیدا کرد، مسائل دیگری است که آن مسائل باید دنبال بشود. ما الآن مبتلا هستیم به یک رشته از مسائل اصلی که اسلام به آن بسته است و استقلال کشور. باید همه ما تمام هممان را و تمام قدرتمان را صرف در این مسائل اصلی بکنیم و بعد از آنکه ایران مستقلی و اسلام پیاده شده‌ای داشتیم، دنبال مسائل فرعی برویم، و ان شاء الله آن مسائل را هم متحقق کنیم^{۳۲}.

من نمی‌خواهم در این روز مبارک اسباب افسردگی اشخاص بشوم، لکن می‌خواهم عرض کنم چرا این قدر ما عقب افتاده هستیم؟ چرا ما باید به واسطه اغراض نفسانیه این قدر خودمان را ببازیم؟ چرا باید وقتی که دنیا به تزلزل درآمده است برای این بی‌اعتنایی ایران به کاخ سفید و سیاه، چرا ما باید توجیه کنیم مسائل آنها را؟ چرا ما باید این قدر غریزه باشیم یا شیطانزده؟ من هیچ توقع نداشتم از بعض این اشخاص، و لو بعضیشان در نظر من پوچ‌اند، لکن از بعضی از این اشخاص که سابقه دارند هیچ توقع نداشتم که در این زمان که باید فریاد بزنند سر امریکا، فریاد می‌زنند سر مسئولین ما! چه شده است؟ شماها چه‌تان است؟ چه کردید شماها؟ شماها چرا باید تحت تأثیر تبلیغات خارجی واقع بشوید یا تحت تأثیرات نفسانیت خودتان؟ در یک همچون مسئله مهمی که باید همه شما دست به هم بدهید و ثابت کنید به دنیا که ما وحدت داریم، وحدت ما این طور شده است و در روزی که هفته وحدت است چرا شماها می‌خواهید تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید بین سران کشور تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید دو دستگی ایجاد کنید؟ چه شده است شما را؟ کجا دارید می‌روید؟ این تَذَهُبُونَ؟^{۳۳}

استقلال فرهنگی:

ایران امروز دیگر تحمل افکار غریزه و شرق‌زده مثنی خائن را ندارد. ما باید با تمام وجود به استقلال فرهنگی برسیم؛ که استقلال فرهنگی پایه و اساس کشوری آزاد و مستقل است. استادان عزیز باید خود این اعتقاد را بیابند که تنها فرهنگ ایران اسلامی است که نجاتبخش کشور و ملت ما می‌باشد.

معلم‌ان عزیز خود بهتر می‌دانند که فرهنگ استعماری در زمان این پسر و پدر چه به روز این کشور و ملت آورده است. به فرهنگ غنی ایران اسلامی تکیه کنید و مطمئن باشید که پیروزی از آن شماست. فرزندان عزیزتان را در

^{۳۱} در جمع کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی ۵۸/۴/۲۱-صحیفه امام ج ۹ ص ۵۵

^{۳۲} در جمع پرسنل نیروی هوایی ۱۳۵۸/۳/۲۵-صحیفه امام ج ۸ ص ۱۶۹

^{۳۳} در جمع خانواده‌های شهدا و مسئولان قضایی ارتش ۱۳۶۵/۸/۲۹-صحیفه امام ج ۲۰ ص ۱۶۲

سر کلاسها به صورتی تربیت نمایند که وقتی فارغ التحصیل می شوند جوانان برومندی تحویل جامعه گردند، که با تمام وجود معتقد باشند که آنچه بدبختی داشتند از ابرقدرتهای شرق و غرب و شرق زدگی و غرب زدگی است^{۳۴}.

استقلال علمی:

اسلام برای علم آن قدر اجر قائل است که شاید دیگر مسالک آن قدر قائل نباشند. اسلام دانشمندان را آن قدر ارج می گذارد که شاید سایر مسالک آن طور نباشد. در اسلام، دانش بزرگترین چیز است، لکن نه دانش آن طوری که ما را به تباهی بکشد، نه دانشمندان آن طوری که ملت ما را به آغوش غرب یا شرق ببرد. اسلام کوشش دارد که علم را در مغزهای مستقل، در مغزهایی که به طرف شرق و غرب نیستند، در مغزهایی که به اسلام فکر می کنند، بار بیاورد. و این استقلال است که می تواند کشور ما را مستقل کند.

استقلال کشور ما منوط به استقلال همین دانشگاهها و فیضیه هاست. دانشگاه و فیضیه دست به دست هم بدهند و استقلال کشور خودشان را حفظ کنند. و امید خودشان را از غیر دانشگاه اسلامی و غیر فیضیه اسلامی، امید خودشان را از دیگران ببرند^{۳۵}.

استقلال سیاسی:

ما حرفمان از اول تا حالا این بوده است که ما یک مملکتی داریم برای خودمان می خواهیم. ما نمی خواهیم امریکا سرپرست ما باشد. ما نمی خواهیم همه منافع این ملت را امریکا ببرد، همه منافع این مملکت را شوروی ببرد. گاز را شوروی ببرد و نفت را امریکا ببرد. مگر یک سفره بازی است، هر کس هر چه می خواهد بخورد؟ ما نمی خواهیم این طور باشد. ما می خواهیم خودمان، یک جمعیتی هستیم، هر چی هستیم به شما چه، ما هر چی هستیم، می خواهیم خودمان از زمین خودمان و از آب خودمان و از نفت خودمان و از مخازن خودمان که همه غنی اند اینها، ما می خواهیم از همینها استفاده کنیم و دزدها را هم کنار بگذاریم که هی می خوردند و می بردند. آنها را هم کنار بگذاریم و خودمان اداره کنیم مملکت خودمان را. ما سرپرست لازم نداریم. بد اداره کنیم خودمان کردیم، خوب هم اداره کنیم خودمان کردیم. ما حرفمان این است. کی می تواند بگوید که نخیر، باید حتماً یک کسی دیگر بیاید و شما را اداره کند؟ به شما چه ربط دارد؟ ما یک مملکتی داریم مال خودمان، مخازنش هم مال خودمان؛ خودمان می خواهیم اداره کنیم^{۳۶}.

^{۳۴} پیام به دانشجویان و فرهنگیان در آغاز سال تحصیلی ۱۳۶۱/۷/۱ - صحیفه امام ج ۱۷ ص ۲

^{۳۵} در جمع مسئولان دانشگاه ها ۱۳۶۰/۳/۲۳ - صحیفه امام ج ۱۴ ص ۴۳۱

^{۳۶} در جمع دانشجویان ۷۱۳۵۷/۱۷ - صحیفه امام، ج ۳، ص: ۴۹۵

ما منطقمان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما هم می‌خواهیم نرویم زیر سلطه. ما اصل گفتنمان این است که امریکا نباید باشد. نه امریکا تنها، شوروی هم نباید باشد؛ اجنبی نباید باشد. منطق ما این است و فریاد ما هم همین است. با این منطق اگر بحث کسی دارد، بکند^{۳۷}.

استقلال اقتصادی:

اگر اقتصادمان تابع خارج باشد آن وقت یک روز می‌بینید که خارجیها نمی‌خواهند به ما چیزی بدهند، و وقتی که در را بستند ما باید تسلیم آنها بشویم که هر چه می‌گویند عمل کنیم. و این شایسته یک مملکت اسلامی، یک جمهوری اسلامی نیست که پیوسته به غیر باشد در اقتصادش، در گندمش، در جوش، در برنجش، در اینها. این باید با همت کشاورزها، با همت قشرهای متوجه، با همت دولت که کمک بکند به کشاورزها، و با اینکه همه احساس یک وظیفه بکنند. یک وقت این است که انسان می‌خواهد برای منافعش یک کاری بکند، گندم زیاد بشود که منفعت ببرد، خوب، این یک مسئله‌ای است که یک قدری هم اختیارش با خودش [است] آن نمی‌خواهد نمی‌برد. یک وقت کشور شما در یک حالی واقع شده است که وظیفه شرعی الهی است که کارهایی بکنید که وابسته به غیر نباشید^{۳۸}.

استقلال کشاورزی:

ما اگر چنانچه زراعت خودمان، کشاورزی خودمان، نتواند کفاف برای خودمان باشد، و دستمان دراز باشد پیش امریکا و امثال امریکا برای ارزاقمان، خوب ما وابسته خواهیم بود؛ نمی‌توانیم کاری انجام بدهیم؛ آن وقت در جهات سیاسی هم باید وابسته بشویم. باید شماهایی که، مردمی که مشغول کشاورزی بودند، باز هم مشغول باشند. کسانی که پیشتر به واسطه مشکلاتی که برایشان ایجاد شده بود، نمی‌توانستند عمل بکنند، حالا عمل کنند، دولت هم لازم است که پشتیبانی کند از کشاورزها؛ همراهی کند با آنها؛ هم آنها مشغول باشند؛ و هم دولت تا اینکه راجع به کشاورزی - که یکی از امور مهمه مملکت ماست و ما باید صادر کنیم محصولات خودمان را به خارج - این طور نباشد که ما باز هم گرفتار باشیم، و دستمان پیش خارجیها دراز باشد برای اینکه نان به ما بدهید^{۳۹}.

استقلال صنعتی:

اگر در کارخانه‌های ما این معنا را متنبه بشوند که ما باید وابسته نباشیم و ما باید خودمان برای خودمان کار انجام بدهیم، آنها کوشش می‌کنند که کارخانه‌ها را بهتر راه ببرند. و اشخاصی که مغز تفکر صنعتی دارند این مغزها را به کار می‌اندازند. و بعد از اینکه فهمیدند که باید برای خودمان کار بکنیم و باید صنعت را هم - چه صنعت بزرگ،

^{۳۷} در جمع ایرانیان مقیم خارج ۱۳۵۷/۷/۲۹ - صحیفه امام ۴ ص ۹۱

^{۳۸} در جمع اعضای موسسه ی مبارزه با اعتیاد ۱۳۵۸/۸/۱۱ - صحیفه امام ۱۱ ص ۴۲۴

^{۳۹} در جمع پاسداران سمیرم و جهاد سازندگی اصفهان ۱۳۵۸/۸/۵ - صحیفه امام ۱۰ ص ۳۶۶

چه صنعت کوچک را- خودمان باید درست بکنیم، این مبدأ عمل می‌شود که بعد از آن بیداری و این اراده راه بیفتند، و مشغول بشوند و تفکر کنند و مغزها را به کار بیندازند و کار خودشان را خودشان انجام بدهند. شما متوقع نباشید که همین امروز بتوانید طیاره درست کنید. می‌گردد درست کنید. البته الآن نمی‌شود، اما مایوس نباشید از اینکه می‌توانیم درست کنیم. باید بیدار بشوید، بروید دنبال اینکه آن صنایع پیشرفته را خودتان درست بکنید. وقتی این فکر در یک ملتی پیدا شد و این اراده در یک ملتی پیدا شد، کوشش می‌کند و دنبال کوشش این مطلب حاصل می‌شود ۴۰.

کلام امام خامنه‌ای:

به نظر من اولین نعمتی که باید امروز ما خدا را به خاطر آن شکر کنیم، عزت و استقلال ملی است. یک روز در همین کشور، بالاترین مقام سیاسی آن برای تصمیم‌گیریهای اساسی، منتظر اشاره‌ی سفیران انگلیس و امریکا بود. یک روز در همین تهران، رؤسای سه کشور متفق در جنگ بین‌الملل دوم، برای این کشور رئیس معین کردند؛ یکی را برداشتند، یکی را گذاشتند. در همین تهران، رؤسای دولت بدون اجازه‌ی کاخ سفید، معین نمیشدند؛ امینی بیاید، اقبال برود؛ فلان کس بماند، فلان کس برود؛ فلان وزیر در فلان جا نصب بشود یا نشود؛ سرنوشت ملت ما این بود. نفت را به فلان کشور بفروشید، در فلان پیمان بین‌المللی یا منطقه‌ای وارد بشوید یا حق ندارید وارد بشوید. برای ملتی با یک چنین مسئولان و سردمدارانی، غرور و عزتی باقی میماند؟ بنابراین، اولین نعمت بزرگ الهی برای کشور، ملت و مسئولان ما، این است که عزت و استقلال ملی دارند. امروز هیچ قدرتی در دنیا نمیتواند ادعا کند که بر نظام سیاسی کشور ما حاکم است و اشاره، تصریح، نهیب یا تهدید او میتواند اثری بر روی تصمیم‌گیریهای ما بگذارد. ۴۱.

یک عده‌ای از غرب‌زده‌ها، از صد سال پیش تبلیغ کردند که اگر می‌خواهید کشورتان پیشرفته بشود و ایران جلو بیفتد، بایستی بروید در ذیل غرب تعریف بشوید - غرب‌زدگی؛ همان تعبیر غرب‌زدگی که مرحوم آل‌احمد مطرح کرد و نوشت - این فکر غلطی بود؛ حالا در مورد بعضی از آن کسانی که این فکر را القا میکردند، خائنانه هم بود، [اما] بعضی خائنانه نبود، جاهلانه بود. امروز هم هنوز کسانی از دنباله‌های آنها - و باید گفت تفاله‌های آنها - همین فکرها را ترویج میکنند که «ما در ذیل غرب بایستی پیشرفت کنیم»؛ نه، پنجاه سال، کشور در زمان دوران پهلوی در ذیل غرب زندگی کرد؛ پنجاه سال! یک مدتی در آن اواسط رضاخان در ذیل آلمان، بعد یک مدتی در ذیل آمریکا تا آخر؛ چه پیشرفتی برای کشور حاصل شد؟ جز بدبختی، جز عقب‌افتادگی، جز نابود شدن سرمایه‌های اساسی کشور، چه عاید کشور شد؟ نخیر، در ذیل غرب نمیشود، نمیتوان [پیشرفت کرد]؛ آن کسی که این حرف را

^{۴۰} در جمع اقشار مختلف مردم ۱۳۵۹/۱۰/۲۹ - صحیفه امام ۱۳ ص ۵۳۶

^{۴۱} - بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی - ۲۹ خرداد ۸۵

بزند که کشور در ذیل غرب ممکن است پیشرفت بکند، خائن به کشور است اگر بداند چه میگوید؛ ممکن هم هست جاهل باشد. ۴۲

استقلال فرهنگی:

فرهنگ ما، فرهنگ الهی است؛ این فرهنگ، استقلال ما را تضمین و تأمین میکند، آزادی ما را هم تأمین میکند. آن کسانی که به نام آزادی، ولنگاری را در جامعه ترویج میکنند، آزاد نیستند، اینها اسیر دست‌بسته‌ی فرهنگ غربی‌اند؛ فرهنگ غربی است که دارد اینها را هدایت میکند؛ این چه آزادی‌ای است؟ آزادی این است که شما نیت خودتان، ایمان خودتان، فکر خودتان، قرآن خودتان، الگوی اسلامی خودتان را داشته باشید و آن را دنبال بکنید؛ این، آزادی است، این، عظمت است، این، حریت است؛ این باید تأمین بشود. ۴۳

انقلاب یک مجموعه‌ای از ستاره‌های درخشان آرمانی را بالای سر ما قرار داده و ما را به حرکت و پرواز و جهش به سمت این نقاط نورانی دعوت کرده. ما هم امتحان کردیم، دیدیم میتوانیم پرواز کنیم؛ دیدیم این پرواز ممکن است. البته در دوره‌ی دفاع مقدس نمونه‌های بارزش دیده شد و دیدیم وقتی این ملت به سمت این آرمان‌ها پربگشاید، میتواند خوب حرکت بکند؛ اما بسیاری از این آرمانها هنوز بالای سرماست؛ ما باید حرکت کنیم: به سمت عدالت باید برویم، به سمت اخلاق باید برویم، به سمت استقلال به معنای حقیقی کلمه - شامل استقلال فرهنگی که از همه عمیقتر و دشوارتر است - باید برویم، به سمت بازیابی حقیقی هویت اسلامی - ایرانی خودمان باید برویم. ۴۴

یکی از عناوین مهم این انقلاب، انقلاب «نه شرقی، نه غربی» بود؛ امروز شرق وجود ندارد، [ولی] غرب وجود دارد با کمال قوت و قدرت. «نه غربی» یعنی چه؟ یعنی ما مجذوب غرب نباشیم، تحت تأثیر غرب نباشیم، پذیرای فرهنگ غربی نباشیم، پالوده‌سازی کنیم کشور را و فرهنگ را از آمیختگی با فرهنگ منحط غرب؛ در زمینه‌ی سیاسی تحت تأثیر غرب نباشیم، ملحق به غرب نباشیم، مطیع و مُقَدَّ نسبت به غرب نباشیم. «نه غربی» یعنی این؛ [البته] معنای «نه شرقی» هم همین است، لکن امروز دیگر [بلوک] شرقی نیست. غرب، کجا است؟ آمریکا است، اروپا است؛ [خب] دولتهای اروپایی یک فرهنگی دارند، یک سیاستی دارند، یک نقشه‌ی راه طولانی و کلانی دارند؛ و ما به‌عنوان جمهوری اسلامی وظیفه داریم خودمان را از اینکه بیفتیم در مسیر مورد خواست غرب نجات بدهیم؛ این یک وظیفه است. ۴۵

استقلال علمی:

تحقیق، منبع تغذیه‌ی آموزش است. ما اگر تحقیق را جدی نگیریم، باز سالهای متمادی بایستی چشم به منابع خارجی بدوزیم و منتظر بمانیم که یک نفر در یک گوشه‌ی دنیا تحقیقی بکند و ما از او یا از آثار تألیفی بر اساس تحقیق او استفاده کنیم و اینجا آموزش بدهیم. این نمی‌شود؛ این وابستگی است؛ این همان ترجمه‌گرایی و عدم استقلال شخصیت علمی برای یک

۴۲ - بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی - ۲۶ مهر ۹۶

۴۳ - بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۷ اسفند ۹۶

۴۴ - بیانات در دیدار جمعی از شعرا - ۱۴ شهریور ۸۸

۴۵ - بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری - ۳۰ شهریور ۹۶

کشور و برای یک مجموعه‌ی دانشگاهی است. دانشگاه یک کشور، محیط علمی یک کشور ضمن اینکه ارتباطات علمی خودش را با دنیا حفظ می‌کند، از تبادل علمی، از گرفتن علمی هیچ ابائی ندارد. من بارها گفته‌ام که ما از شاگردی ننگمان نمی‌کند که شاگردی کنیم؛ استاد پیدا بشود، ما پیش او شاگردی می‌کنیم؛ اما از این ننگمان می‌شود که همیشه و در همه‌ی موارد شاگرد باقی بمانیم؛ این که نمی‌شود. برای یک مجموعه‌ی علمی، این مایه‌ی منقصد است که در پژوهش و تحقیق که منشأ و منبع رویش علمی است، ضعیف باشد؛ باید بتواند از لحاظ علمی متکی به خود باشد. البته از دیگران هم استفاده کند، با دنیا هم تبادل کند، آن وقت در این صورت جایگاه شایسته‌ی خودش را هم در تبادلهای علمی در دنیا پیدا خواهد کرد؛ وقتی متکی است به دانش و تحقیق و کار کرد علمی خود. این در دنیا و در مبادلات علمی هم تأثیر خودش را می‌گذارد. این هم تأکید چندباره در باره‌ی تحقیق. ۴۶

استقلال سیاسی:

امروز مسئله‌ی اصلی کشور ما استقلال است برادران و خواهران عزیز! انقلاب برای ما استقلال سیاسی را به بار آورد؛ این جرأت را به این ملت داد که در مقابل نظام غیر عادلانه‌ی سلطه در دنیا بایستد. اما اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض اندام فرهنگی را در مقابل سلطه‌گران عالم حفظ کند، باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند؛ این، ریشه دواندن استقلال در کشور است؛ و این وابسته است به تولید، به کار، به شکوفائی کار، به نوآوری در بخشهای مختلف کار. از مرکز تحقیقات و آزمایشگاه گرفته، تا توی محیط کارگاه‌ها، تا توی محیط مزرعه، در همه جا بایستی این نوآوری وجود داشته باشد. آن وقت است که دشمنان خونخوار و هتاک استقلال ملت ایران با ناکامی دهانهای خودشان را خواهند بست و کناری خواهند نشست. ۴۷

من توصیه می‌کنم به همه‌ی این آقایان محترمی که نامزدهای انتخاباتی هستند و به آنها می‌گویم -آنچه را به مردم باید عرض بکنیم، عرض کردیم- به آنها من عرض می‌کنم که در وعده‌های خود، در اظهارات خود، در برنامه‌هایی که به مردم می‌دهند، توجه کنند که دو سه چیز را حتماً رعایت بکنند:

... نکته‌ی دومی که در برنامه‌ریزی‌هایشان، در اظهاراتشان، در وعده‌هایی که به مردم می‌دهند، باید خودنمایی کند، مسئله‌ی عزت ملی و استقلال ملت ایران است. آقایان! ملت ایران، یک ملت انقلابی است، ملت ایران یک ملت سرافراز است، ملت ایران ملتی است که از نهایت ضعف و وابستگی توانست خودش را به اوج اقتدار و عزت بین‌المللی برساند؛ این ملت را نباید تضعیف کرد، این ملت را نباید سرشکسته کرد، این ملت را نباید در مقابل ملتهای دیگر، در مقابل قدرتهای بزرگ به تسلیم واداشت؛ این ملت، با اقتدار زنده است؛ اگر چنانچه این اقتداری که این ملت دارد نشان می‌دهد نمی‌باید، دشمن اکتفا نمی‌کرد به اینکه بخواهد بیاید یک دستوری را به فلان رئیس‌جمهور ما یا به فلان مأمور ما بدهد؛ می‌آمد مسلط میشد بر این کشور. همان کاری را اینها با جمهوری اسلامی می‌خواهند بکنند و در آن صورت می‌کردند که با این کشورهای وابسته‌ی مزدور بی‌آبروی بعضی از مناطق عالم از جمله در منطقه‌ی ما دارند انجام می‌دهند؛ همان رفتار را با ملت ما می‌خواستند انجام بدهند. باید عزت

۴۶ - بیانات در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها - ۹ مهر ۸۶

۴۷ - بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان - ۴ اردیبهشت ۸۷

ملی، سربلندی ملت و عظمت ملت در مقابل استکبار حفظ بشود؛ [نامزدهای انتخاباتی] نشان بدهند که در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا، در مقابل خباثت‌های صهیونیست‌ها ایستاده‌اند. ۴۸

استقلال اقتصادی:

ما دنبال عدالت اجتماعی هستیم؛ ما دنبال حضور مردمی در حوادث گوناگون کشور هستیم؛ ما دنبال اسلام هستیم؛ ما سعادت کشور را در عمل به تعالیم اسلامی میدانیم؛ ما دنبال اقتصاد مستقل هستیم؛ دنبال فرهنگ غیر وابسته به بیگانگان و فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی خودمان هستیم. ۴۹

استقلال کشاورزی:

بنده از کشاورزان، از مدیران بخش کشاورزی، از جوانان عالمی که در این کار کمک کردند، از اعماق دل متشکر شدم، مطمئناً ملت هم متشکر شد؛ این حادثه‌ی بزرگی بود. مردان و جوانانی همت کردند که این کار بشود، و شد. ما همان کشوری هستیم که در دوران طاغوت، پایه‌ی کشاورزی ما را متزلزل کردند، برای این که ما را وابسته کنند؛ برای این که بازار برای گندم خودشان و بقیه‌ی محصولات کشاورزی دیگران - بیگانگان - درست کنند. با این افزایش جمعیت - امروز کشورمان بیش از دو برابر اول انقلاب جمعیت دارد - اگر بنا بود ما مثل آن روز آنها از نظر گندم محتاج بیگانگان باشیم، برای هر تن گندمی که به ما میدادند، یک منت سنگین، یک بار سنگین تحقیر بر روی دوش این ملت سوار میشد؛ هر وقت هم که مایل بودند، میتوانستند این را قطع کنند؛ اما ملت ما در گندم به خود کفایی رسید. عین همین قضیه باید در بقیه‌ی محصولات مهم و اساسی غذایی به وجود بیاید؛ در برنج، در روغن، در گوشت، در لبنیات، که نیازهای کشور است. باید کشور به دیگران اصلاً محتاج نباشد و مردم کشور بدانند که شما قشر کشاورز و دامدار با غیرت خود، با ایمان خود، با همت خود، غذای آنها را تأمین میکنید و مردم محتاج این نیستند که از دیگران درخواست کنند؛ هم پول بدهند، هم منت بکشند، هم دایم ته دلشان نگران باشد که اگر یک مشکلی به خاطر یک مسأله‌ی سیاسی و غیره پیش آوردند، چه کنیم. کشاورز ایرانی برای ملت ایران امنیت غذایی را تأمین میکند؛ این، افتخار بزرگی است؛ قدر خودتان را بدانید. من این را عرض میکنم برای این که در سرتاسر کشور، جوانان مناطق کشاورزی که گاهی جاذبه‌ی مشاغل دیگر آنها را به خود جذب میکند، بدانند که ارزش و کرامت و تأثیر این شغل از اکثر مشاغل دیگر، در زندگی جمعی ملت‌شان، بالاتر است و جای گسترش هم دارد. ۵۰

استقلال صنعتی:

یکی از شرایط توسعه‌ی یک کشور، استقلال صنعتی آن است. ما باید بتوانیم در همه‌ی زمینه‌های صنعتی بر پای خودمان بایستیم؛ به فکر خودمان تکیه کنیم؛ تواناییهای خودمان را به کار بگیریم. البته دنیا، دنیای تبادل است؛ اما تبادل دوجانبه. تبادل دادن و ستاندن. آن وقتی شما میتوانید در بازار تبادل صنعتی حرفی برای گفتن داشته باشید که خودتان روی پای خودتان در زمینه‌ی صنعت بایستید. ما این را میخواهیم؛ ما این را لازم داریم. ایران اسلامی شایسته‌ی این است؛ با این تاریخمان، با این

۴۸ - بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام) - ۲۰ اردیبهشت ۹۶

۴۹ - بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی - ۲۸ بهمن ۹۲

۵۰ - بیانات در دیدار کشاورزان - ۱۴ دی ۸۴

میراث عظیم تمدنیمان، با این حرکت مردمی، با این آمادگی جوانها، با این استعداد فراوان که در کشور ما هست؛ ما این را لازم داریم. باید بتوانیم در بخش صنعت در دنیای اسلام یک پرچم برافراشته به حساب بیایم. و دنیای اسلام استقبال خواهد کرد. ۵۱.

مستندات قرآنی:

النساء، الجزء ۵، الصفحة: ۱۰۰، الآية: ۱۳۸

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣٨﴾

به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آنهاست! (۱۳۸)

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِيتُوا عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿١٣٩﴾

همانها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می جویند؟ با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست؟! (۱۳۹)

هود، الجزء ۱۲، الصفحة: ۲۳۴، الآية: ۱۱۳

وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾

و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد؛ و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ و یاری نمی شوید! (۱۱۳)

المائدة، الجزء ۶، الصفحة: ۱۱۷، الآية: ۵۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زیانی نمی رساند؛ خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان(نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آنها در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد(و شایسته ببیند) می دهد؛ و(فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست. (۵۴)

النساء، الجزء ٥، الصفحة: ١٠١، الآية: ١٤١

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمُ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿١٤١﴾

منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب شما هستند؛ اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنائیم شریکیم!) «و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، به آنان می‌گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی‌کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!)» خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. (١٤١)

التوبة، الجزء ١٠، الصفحة: ١٩١، الآية: ٢٨

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هر گاه بخواهد، شما را به کرمش بی‌نیاز می‌سازد؛ (و از راه دیگر جبران می‌کند؛) خداوند دانا و حکیم است. (٢٨)

تقریب:

خواستار قطع رابطه اقتصادی با دشمنان اسلام و مسلمانان می‌شود که از آئین مسلمانی است که با دشمنان قطع ارتباط کنید. سپس به مسلمانان نسبت به تحریم اقتصادی و قطع رابطه با دشمنان دلگرمی می‌دهد و می‌فرماید که اگر رابطه اقتصادی با دشمنان قطع شود شما ضرر و زیانی نخواهید کرد؛ زیرا خداوند از فضل خویش شما را کمک می‌کند و مشکلات اقتصادی شما را حل و فصل می‌کند؛ چنانکه می‌فرماید: وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ و اگر در این قطع رابطه از فقر بیمناکید، پس بزودی خدا- اگر بخواهد- شما را به فضل خویش بی‌نیاز می‌گرداند، که خدا دانا و حکیم است.

اینکه خداوند در آیات قرآن خواستار استقلال همه‌جانبه بویژه اقتصادی است، از آن روست که اقتصاد، قوام بخش جامعه و ستون آن است؛ و استقلال و خودکفایی به معنای استقلال در زمینه‌های دیگر نیز خواهد بود؛ اما وابستگی اقتصادی موجب می‌شود تا جامعه فاقد ستون اصلی باشد و نتواند بر ساق خود استوار و محکم بایستد و هماره نیازمند تکیه گاهی است که بر آن تکیه دهد.

این خود کفایی و استقلال اقتصادی است که زمینه و بستر استقلال سیاسی و نظامی را فراهم می آورد؛ زیرا اگر جامعه اسلامی بخواهد دارای استقلال سیاسی باشد باید از توان نظامی نیز برخوردار باشد و وابستگی به دیگران نداشته و یا اجازه ندهد تا دیگران بر آنان سلطه یافته و چیره گردند.

این گونه است که اگر بخواهیم به مفاد آیه ۶۰ سوره انفال عمل کنیم و در حد استطاعت از نفرات و تجهیزات جنگی و دفاعی برخوردار باشیم باید استقلال اقتصادی داشته و بتوانیم همه قوت و توان نظامی را از این راه به دست آوریم.

پس، از آنجا که استقلال سیاسی و نظامی در گرو استقلال اقتصادی است، لازم است تا به عنوان امت اسلام و یک هویت مستقل در عرصه جامعه جهانی و در میان امت های دیگر، از استقلال اقتصادی برخوردار بوده و از هر گونه وابستگی اقتصادی رهایی یافته و بر پا و ساق خود استوار بوده و تکیه و اعتمادی به دیگران نداشته باشیم؛ چرا که خداوند در آیه ۵ سوره نساء و به صراحت کامل در آیه ۲۸ سوره توبه بیان می کند که وابستگی اقتصادی مهم ترین عامل وابستگی جامعه به بیگانگان خواهد بود؛ از همین روست که در توصیف مسلمانی و آئین آن در آیه ۲۹ سوره فتح می فرماید که خود کفایی و استقلال و اعتماد بر خود و برپای خود ایستادن، از آئین مسلمانی است

الفتح ، الجزء ۲۶، الصفحة: ۵۱۵، الآية: ۲۹

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجِدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

محمد(ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد(ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است. (۲۹)

تقریب:

۱. وضعیت مسلمانی و جامعه اسلامی را همانند گیاهی دانسته که بر ساق خود استوار است و به جایی تکیه ندارد. خداوند می فرماید: «محمد پیامبر خدا و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیرند و با یکدیگر مهربان؛ آنان را می بینی که رکوع می کنند، به سجده می آیند و جویای فضل و خشنودی خدا هستند، نشانشان اثر سجده ای است که بر چهره آنهاست، این است وصفشان در تورات و در انجیل، که چون کشته ای هستند که جوانه بزند و آن جوانه محکم شود و بر پاهای خود بایستد و کشاورزان را به شگفتی وادارد، تا آنجا که کافران را به خشم آورد،

خدا از میان آنها کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند به آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.»

در این آیه خداوند می‌فرماید امت اسلام، امتی است که با خودشان مهربان و نسبت به دشمنان سختگیر هستند. اهل عبادت و بندگی بوده و آثار سجود در پیشانی‌شان دیده می‌شود. همچنین آنان همانند گیاهی هستند که جوان و محکم روی پای خود ایستاده‌اند و تکیه‌ای به کسی و چیزی ندارند.

در این عبارت آئین مسلمانی توضیح داده شده که شامل امور زیر است: همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، شدت و سختگیری نسبت به کفار، مهربانی نسبت به یکدیگر، اهل رکوع و سجود دائمی و اقامه نماز، جست‌وجوگر فضل و ثواب خداوندی و رضوان و خشنودی الهی، دارندگان چهره و سیمای اهل عبادت و آثار و نشانه سجده‌های بسیار، مفید چون گیاه، همواره در حال رشد و جوانی، استحکام داخلی، استواری بیرونی، موجب شادمانی خداوند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان کشاورز و زارع، موجب خشم دشمنان.

در تفسیر مجمع‌البیان در ذیل آیه آمده است: در آیه شریفه خدای فرزانه در قالب این مثال به وصف پیامبر و ایمان‌آوردگان پرداخته که منظور از کشت و زراعت، وجود گرانباه پیامبر است و جوانه‌ها یاران فداکار و پراخلاص آن حضرت که بر گرد خورشید وجود او هستند. آنان در آغاز طلوع اسلام ناتوان و بی‌یار و یاور بودند، همان‌گونه که هر نهال و زراعتی در آغاز ضعیف است و آنگاه بتدریج قوت و توان می‌یابد و رشد می‌کند، مردم توحیدگرا و با ایمان نیز دست‌یاری بر دست یکدیگر نهادند و رفته رفته با ایمان و اخلاص و خودسازی و تقوا و دانش و بینش و مدیریت درست، به قدرتی شکست‌ناپذیر تبدیل شده و بر کارها تسلط یافتند.

مفسران تفسیر نمونه نیز می‌نویسند: در توصیف دوم که در انجیل آمده نیز پنج وصف عمده برای مؤمنان و یاران محمد (صلی الله علیه و آله) ذکر شده است: جوانه زدن، کمک کردن برای پرورش، محکم شدن، بر پای خود ایستادن، و نمو چشمگیر اعجاب‌انگیز.

در حقیقت اوصافی که در تورات برای آنها ذکر شده اوصافی است که ابعاد وجودی آنها را از نظر عواطف و اهداف و اعمال و صورت ظاهر بیان می‌کند و اما اوصافی که در انجیل آمده بیانگر حرکت و نمو و رشد آنها در جنبه‌های مختلف است. آری آنها انسان‌هایی هستند با صفات والا که آنی از «حرکت» باز نمی‌ایستند، همواره جوانه می‌زنند و جوانه‌ها پرورش می‌یابد و بارور می‌شود. همواره اسلام را با گفتار و اعمال خود در جهان نشر می‌دهند و روز به روز خیل تازه‌ای بر جامعه اسلامی می‌افزایند.

آنها هرگز از پای نمی‌نشینند و دائماً رو به جلو حرکت می‌کنند، در عین عابد بودن مجاهدند، و در عین جهاد عابدند، ظاهری آراسته، باطنی پیراسته، عواطفی نیرومند و نیاتی پاک دارند، در برابر دشمنان حق مظهر خشم خدایند و در برابر دوستان حق، نمایانگر لطف و رحمت او.

سپس در دنباله آیه می‌افزاید: این اوصاف عالی، این نمو و رشد سریع و این حرکت پربرت، به همان اندازه که دوستان را به شوق و نشاط می‌آورد سبب خشم کفار می‌شود. (تفسیر نمونه ذیل آیه).

در این آیه به صراحت با عباراتی چون «فَاسْتَعْلَظْ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» از جامعه اسلامی خواسته شده تا به عنوان آئین مسلمانی به استقلال و خودکفایی برسند. لذا از آئین مسلمانی یکی این است که جامعه و امت اسلامی باید خودکفا، مستحکم و مستقل باشد و روی پای خود بایستد و هیچ نیازی به دشمنان نداشته باشد، بلکه باید چنان در حالت سرزندگی و جوانی و کوشش و تلاش و رشد و نمو باشد و از همه جهات مستقل و خودکفا که دشمنان را به خشم آورد و موجبات نومیدی آنان را فراهم آورد؛ به طوری که اگر تحریم کردند نه تنها اندوهگین نشود، بلکه آن را عاملی برای افزایش قدرت و رشد و شکوفایی خود بداند و گمان نبرد که با تحریم اقتصادی، اقتصادش فرو می‌پاشد و جامعه بی‌ستون قوام بخشی به نام اقتصاد خواهد ماند.

المتحنة ، الجزء ٢٨ ، الصفحة: ٥٤٩ ، الآية: ١

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید؛ (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید از همه دانانترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است! (۱)

إِنْ يَنْقُضْكُمْ يَكُونُوا أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُم بِالسُّوءِ وَدُوَالُو تَكْفُرُونَ ﴿٢﴾

اگر آنها بر شما مسلط شوند، دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خود را به بدی کردن نسبت به شما می‌گشایند، و دوست دارند شما به کفر بازگردید! (۲)

النساء ، الجزء ٤ ، الصفحة: ٧٧ ، الآية: ٥

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا الْحَقَّ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٥﴾

اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آنها روزی دهید! و لباس بر آنان بپوشانید و با آنها سخن شایسته بگویید! (۵)

تقریب: خداوند در آیات قرآنی بر استقلال همه‌جانبه امت اسلام از جوامع دیگر تاکید می‌کند. برخی از آیات «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء، آیه ۵) به‌صراحت هر گونه وابستگی به ویژه در حوزه اقتصادی را مردود شمرده و از مسلمانان خواسته تا به گونه‌ای اقتصاد جامعه را بنیاد گذاشته و استوار سازند که نیازی به بیگانگان وجود نداشته باشد؛ زیرا اقتصاد، قوام جامعه است و همانند ستون میانی خیمه عمل می‌کند. پس اگر اقتصاد خود کفا و مستقل وجود نداشته باشد، جامعه فاقد ستون اصلی و میانی خواهد بود و توان ایستادگی و مقاومت نخواهد داشت.

مستندات روایی:

۵۲-۱۶- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:
 إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا أَوْ مَا تَسْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ- وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ ۵۳ فَأَلْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ لِأَنَّ الْجَبَلَ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَ الْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ.

[۱۷۱۴] ۵۴- وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْكَالَ نَفْسِهِ. (امام صادق علیه السلام)

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۳۴

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

۵۲ (۳۶۷) - الكافي ج ۱ ص ۳۴۵.

۵۳ (۲) سورة المنافقون الآية: ۸.

۵۴ ۲- الوسائل، نفس المصدر.

الجدید، ۱۶: ۱۵۷/۳ [۲۱۲۳۴]؛ القديم، ۱۱: ۴۲۴/۳.

نقله عن الكافي: ۵: ۶۳/۳.

فی الوسائل: إن الله تبارك و تعالی

الاسلام يعلو و لا يُعلی علیه

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۴۷

امام علی علیه السلام:

العلم سلطان من وجده صال به و من لم يجده صيل عليه (صال یعنی بر او حمله کرد و او را مغلوب کرد)

نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۴۰۱

لا تكن عبد غيرك فقد جعلك الله حرا

غرر الحکم: ص ۱۲۶

وعنه علیه السلام من تعزز بالله لم يذله سلطان'

و نیز علی علیه السلام فرموده است: آنکس که در پرتو اتکاء بخداوند عزت و بزرگی یابد هیچ سلطان قدرتمندی نمی تواند او را ذلیل و خوار نماید.

مرزبندی روشن با دشمن

کلام امام خمینی:

ملت که اکنون رشد پیدا کرده و خیانتها و جنایتهایی که در این پنجاه سال در ایران شده ملاحظه کرده است، خدعه‌ها را نمی پذیرد. و اینکه ما نپذیرفتیم، برای اینکه ملت نمی پذیرد ما هم نمی پذیریم، و تمام اینها خدعه است. ۵۵

کلام امام خامنه ای:

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به ضرورت مرزبندی روشن مجموعه‌های سیاسی با بیگانگان خاطرنشان کردند: خوشبختانه به جز اقلیتی کوچک، مجموعه‌های سیاسی کشور درباره‌ی مبانی اسلام و انقلاب اتفاق نظر دارند، اما در مقابل دشمن، باید روبرایستی و ملاحظه را کاملاً کنار گذاشت و با روشن کردن مرزها، فقط ملاحظه‌ی خدا و ملت را کرد و این یک شاخص است. ۵۶

۵۵ مصاحبه با خبرنگاران ۵۷/۸/۱۹ - صحیفه امام ج ۴ ص ۴۳۰

۵۶ - دیدار اقشار مختلف مردم با رهبر انقلاب - ۲۲ اسفند ۸۶

مستندات قرآنی:

الکافرون ، الجزء ۳۰ ، الصفحة: ۶۰۳ ، الآية: ۶

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾

(حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم! (۶)

الشعراء ، الجزء ۱۹ ، الصفحة: ۳۷۰ ، الآية: ۷۵

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾

گفت: «آیا دیدید (این) چیزهایی را که پیوسته پرستش می کردید... (۷۵)

أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾

شما و پدران پیشین شما، (۷۶)

فَأْتِهِمْ عَدُوِّي إِلَى الرَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾

همه آنها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار عالمیان! (۷۷)

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾

همان کسی که مرا آفرید، و پیوسته راهنمایم می کند، (۷۸)

المتحنة ، الجزء ۲۸ ، الصفحة: ۵۴۹ ، الآية: ۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ
الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا
أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می کنید، در
حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه
شماست از شهر و دیارتان بیرون می رانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده اید؛ (پیوند دوستی

با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید از همه دانانترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است! (۱)

المتحنة ، الجزء ٢٨ ، الصفحة: ٥٤٩ ، الآية: ٤

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا الْقَوْمِ مِنْكُمْ إِنَّا بَرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَا تُغْفِرَ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْنَا نَوَكِلُنَا وَإِلَيْكَ إِنَّا بَرَاءٌ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٤﴾

برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم؛ و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید! - جز آن سخن ابراهیم که به پدرش [عمویش آزر] گفت (و وعده داد) که برای تو آمرزش طلب می‌کنم، و در عین حال در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم)! - پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و همه فرجامها بسوی تو است! (۴)

مستندات روایی:

نهج البلاغة؛ ص: ٣٨٠

الْحَذَرُ كُلُّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ ﴿٤﴾ فَخُذْ بِالْحَزْمِ وَ أَتِهِمْ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ

نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۴۴

وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) نُقَاتِلُ ابْنَانَا وَ ابْنَانَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا ، مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ أَلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقْمِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْإِلْمِ وَ جَدًّا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ

پایبند به اقتصاد مقاومتی باشد و نگاهی برای پیشرفت

به بیرون از مرزها نباشد.

کلام امام خمینی:

اقتصاد ما یک اقتصاد مستقل و سالم و ملی است، براساس تأمین اساسیترین نیازهای مردم محروم و ستمدیده ایران، نه فقط یک اقتصاد مصرفی.^{۵۷}

کلام امام خامنه ای:

در حال حاضر، اقتصاد و فرهنگ در صدر فهرست اولویتهای کشور است. در باب اقتصاد، علاوه بر مشکلات عمده‌ی مشهود، باید اذعان کنیم که در دهه‌ی پیشرفت و عدالت، نمره‌ی مطلوبی درباب عدالت به دست نیاورده‌ایم. این واقعیت ناخواسته باید همه را به تلاش فکری و عملی در باب معیشت طبقات ضعیف، به مثابه‌ی اولویت، وادار سازد. توصیه‌ی صاحب‌نظران به ما میگوید که راه درست برای این مقصود اصلاح خطوط اصلی اقتصاد ملی یعنی: اشتغال، تولید، ارزش پول ملی، تورم، اسراف و امثال آن است. سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی در این زمینه، راهنمای معتبری است.^{۵۸}

به نظر ما طرحهای «اقتصاد مقاومتی» جواب میدهد. همین مسئله‌ی سهمیه‌بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر چنانچه بنزین سهمیه‌بندی نمیشد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر میرفت. توانستند این را کنترل کنند؛ که خوب، امروز در یک حد خیلی خوبی هست. حتی باید جوری باشد که هیچ به بیرون نیازی نباشد، که الحمدلله نیست. تحریم بنزین را در برنامه داشتند؛ اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد. و بقیه‌ی چیزهایی که مورد نیاز کشور است.^{۵۹}

مستندات قرآنی:

التوبة، الجزء ۱۰، الصفحة: ۱۹۱، الآية: ۲۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِن شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾

^{۵۷} - مصاحبه با روزنامه استریت تایمز سنگاپور - ۲۵ دی ۵۷

^{۵۸} - پیام به مناسبت آغاز به کار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی - ۷ خرداد ۹۹

^{۵۹} - ۳ مرداد ۹۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هر گاه بخواهد، شما را به کرمش بی‌نیاز می‌سازد؛ (و از راه دیگر جبران می‌کند؛) خداوند دانا و حکیم است. (۲۸)

تقریب: وقتی به این آیه نگاه می‌شود نگرانی برخی از دولتمردان امروز معنای جالبی می‌یابد. در حقیقت برخی از دولتمردان امروز نگران آن هستند که عدم آمد و شد غربی‌ها که دشمنان قسم‌خورده کشور هستند، می‌تواند موجب فقر اقتصادی جامعه اسلامی شده و مردم از نظر اقتصادی با مشکل مواجه شوند. در حالی که آیه می‌فرماید پیش از آنکه دشمنان شما تهدید به تحریم کنند یا شما را تحریم نمایند شما پیشگام شوید و آنان را تحریم کنید تا با خوداتکایی و توکل به خداوند از فضل الهی بهره‌مند شوید. بی‌گمان خداوند به همه ریز و درشت زندگی شما عالم است و حکیمانه و خردمندانه حکم می‌کند و به شما دستور می‌دهد و این گونه، هدف‌های متعالی شما که همان غنای اقتصادی و استقلال است فراهم می‌آید.

سوره یوسف

تمام آیاتی که در مورد قحطی مصر و نحوه عملکرد حضرت یوسف علیه السلام وارد شده است، به همراه روایات ذیل آن، بیانگر اقتصاد مقاومتی است، البته در این روایات امر مقاومتی کردن اقتصاد نشده، که البته در خیلی از موارد نیاز به امر نیست و همینکه راه برون رفت از آن قحطی و مشکلات پیش آمده را حضرت یوسف علیه السلام در به کارگیری اقتصاد مقاومتی دانستند، خود حائز اهمیت است.

مستندات روایی:

بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۲۱ (چاپ کمپانی)

نرخ گندم و نان روز به روز در مدینه بالا می‌رفت. نگرانی و وحشت بر همه مردم مستولی شده بود. آن کس که آذوقه سال را تهیه نکرده بود در تلاش بود که تهیه کند در این میان مردمی هم بودند که به واسطه تنگدستی... مجبور بودند روز به روز آذوقه خود را از بازار بخرند.

- امام صادق (علیه السلام) از معتب وکیل خرج خانه خود پرسید: امسال در خانه گندم داریم؟
- بلی یا ابن رسول الله، به قدری که چندین ماه را کفایت می‌کند، گندم ذخیره داریم.
- آنها را به بازار ببر و در اختیار مردم بگذار و به فروش.
- یا ابن رسول الله گندم در مدینه نایاب است. اگر اینها را بفروشیم، دیگر خریدن گندم برای ما میسر نخواهد شد. همین است که گفتم. همه اینها را ببر و در اختیار مردم بگذار و به فروش.
- معتب دستور امام را اطاعت کرد، گندم ها را فروخت و نتیجه را گزارش داد.

- امام به او دستور داد: بعد از این نان خانه را روز به روز از بازار بخر. نان خانه من نباید با نانی که در حال حاضر توده مردم مصرف می کنند تفاوت داشته باشد. نان خانه من باید از این پس نیمی گندم و نیمی جو باشد من به حمدالله توانایی دارم که تا آخر سال خانه خود را با نان گندم به بهترین وجهی اداره کنم، ولی این کار را نمی کنم تا در پیشگاه الهی، مسأله اندازه گیری معیشت را رعایت کرده باشم.

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۵؛ ص ۱۶۶

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:
أَصَابَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ غَلَاءٌ وَقَحْطٌ حَتَّى أَقْبَلَ الرَّجُلُ الْمُسْرُ يَخْلُطُ الْحِنْطَةَ بِالشَّعِيرِ وَيَأْكُلُهُ وَيَشْتَرِي بَبْعِضِ الطَّعَامِ وَكَانَ عِنْدَ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَعَامٌ جَيِّدٌ قَدْ اشْتَرَاهُ أَوَّلَ السَّنَةِ فَقَالَ لِبَعْضِ مَوَالِيهِ اشْتَرِ لَنَا شَعِيرًا فَاخْلُطْ بِهَذَا الطَّعَامِ أَوْ بَعْهُ فَإِنَّا نَكْرَهُ أَنْ نَأْكُلَ
جَيِّدًا وَيَأْكُلُ النَّاسُ رَدِيًّا ٦٠.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ جَهْمِ بْنِ أَبِي جَهْمَةَ عَنْ مُعْتَبِرٍ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ تَزَيَّدَ السَّعْرُ بِالْمَدِينَةِ كَمْ عِنْدَنَا مِنْ طَعَامٍ قَالَ قُلْتُ عِنْدَنَا مَا يَكْفِيكَ أَشْهُرًا
كَثِيرَةً قَالَ أَخْرِجْهُ وَبَعْهُ قَالَ قُلْتُ لَهُ وَلَيْسَ بِالْمَدِينَةِ طَعَامٌ قَالَ بَعْهُ فَلَمَّا بَعْتُهُ قَالَ اشْتَرِ مَعَ النَّاسِ يَوْمَ يَوْمٍ وَقَالَ يَا
مُعْتَبِرُ اجْعَلْ قُوْتَ عِيَالِي نِصْفًا شَعِيرًا وَنِصْفًا حِنْطَةً فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أَنِّي وَاجِدٌ أَنْ أُطْعِمَهُمُ الْحِنْطَةَ عَلَى وَجْهِهَا وَ
لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ قَدْ أَحْسَنْتُ تَقْدِيرَ الْمَعِيشَةِ ٦١.

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مُعْتَبِرٍ قَالَ:

كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْمُرُنَا إِذَا أَدْرَكَتِ الثَّمَرَةُ أَنْ نُخْرِجَهَا فَنَبِيعَهَا وَنَشْتَرِيَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ يَوْمَ يَوْمٍ ٦٢.

(١) يدل على استحباب مشاركة الناس فيما يطعمون مع القدرة على الجيد. (آت) ٦٠

(٢) لعل هذا محمول على الاستحباب و ما تقدم من احراز القوت على الجواز ، أو هذا على من قوى توكله و لم يضطرب عند التقنير و تلك على عامة ٦١

الخلق. (آت)

كلینی، محمد بن یعقوب، الكافي (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ٦٢

دوری از منفعت های شخصی و جزئی و تلاش برای منافع عمومی

کلام امام خمینی:

من از همه ارگانهای دولتی و ملی و همه گروهها می خواهم که از گروهگرایی و دسته بندی و فرصت طلبی و هواهای نفسانی احتراز کنند و خود را در راه خدمت به ملت و خلق مستضعف قرار دهند، و از راهی که ملت می رود منحرف نشوند، و خداوند عالم را حاضر و ناظر ببینند و از اختلاف و نفاق دست بردارند و مصالح کشور را بر مصلحت خویش مقدم دارند، و در صدد تضعیف یکدیگر برنمایند و با ملت رزمنده به پیش روند که خدا با آنان است و پیروزی نهایی نصیب آنان است.^{۶۳}

کلام امام خامنه ای:

نظامی که پیغمبر ساخت، شاخصهای گوناگونی دارد که در بین آنها هفت شاخص از همه مهمتر و برجسته تر است: ... شاخص چهارم، صفا و اخوت است. در نظام نبوی، درگیریهای برخاسته از انگیزه های خرافی، شخصی، سودطلبی و منفعت طلبی مبعوض است و با آن مبارزه میشود. فضا، فضای صمیمیت و اخوت و برادری و همدلی است.^{۶۴}

مستندات قرآنی:

الإنسان ، الجزء ۲۹، الصفحة: ۵۷۹، الآية: ۸

و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾

و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند! (۸)

التوبة ، الجزء ۱۱، الصفحة: ۲۰۷، الآية: ۱۲۸

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٨﴾

^{۶۳} پیام به ملت ایران و پاسداران ۱۳۵۹/۳/۲۶ - صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۴۴۳

^{۶۴} - بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران - ۲۸ اردیبهشت ۸۰

به یقین، رسولی از خود شما بسویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است! (۱۲۸)

مستندات روایی:

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۳۷۸

وَمِنْ أَلْفَاظِ رَسُولِ اللَّهِ ص الْمَوْجَزَةِ الَّتِي لَمْ يُسَبِّقْ إِلَيْهَا..... سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ

نهج البلاغه / ن ۵۳

إِيَّاكَ وَالْأَسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ وَالتَّغَابِيَ عَمَّا تُعْنَى بِهِ مِمَّا قَدْ وَضَحَ لِلْعُيُونِ فَإِنَّهُ مَا خُوذُ مِنْكَ لَغَيْرِكَ وَ عَمَّا قَلِيلٍ تَتَكَشَّفُ عَنْكَ أَعْطِيَهُ الْأُمُورَ وَيُنْتَصَفُ مِنْكَ لِلْمَظْلُومِ أَمْلِكُ حَمِيَّةَ أَنْفِكَ وَ سُوْرَةَ حَدِّكَ وَ سَطْوَةَ يَدِكَ وَ غَرْبَ لِسَانِكَ وَ احْتِرْسَ مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِكَفِّ الْبَادِرَةِ وَ تَأْخِيرِ السَّطْوَةِ حَتَّى يَسْكُنَ غَضَبُكَ فَتَمْلِكَ الْإِخْتِيَارَ وَ لَنْ تَحْكُمَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى تُكْثِرَ هُمُومَكَ بِذِكْرِ الْمَعَادِ إِلَى رَبِّكَ.

یعنی، «مبادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی، امتیازی خواهی، از اموری که بر همه روشن است، غفلت کنی؛ زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئول هستی و به زودی پرده از کارها یک سو رود و انتقام ستمدیده را از تو باز می گیرند.

جوانگرا و به جوانان اعتقاد داشته باشد.

کلام امام خمینی:

این روز روز مبارکی است که ما نزدیک به او می شویم، و روز نویدی است که بشر را نوید داد به استقامت و راهنمایی به صراط مستقیم انسانیت. و پیروان آن حضرت کسانی هستند که همان راه را و همان خط را تعقیب می کنند و از خود شروع می کنند و به دیگران سرایت می دهند. شما جوانان دانشجو و جوانان عزیزی که از هر جا آمده اید، امید این ملت هستید که باید این راهی را که فرا راه شما گذاشته شده است به آخر برسانید. و این نهضتی را که در راه او آن همه جانفشانی شده است، ادامه بدهید. و این صراط مستقیمی را که انبیا جلو راه بشر گذاشتند و نبی اکرم آخرین انبیا و اشرف همه، آن راه را جلو مردم گذاشتند، و مردم را دعوت به این صراط مستقیم کردند و هدایت کردند به راه انسانیت و خروج از همه انحای کفر و الحاد و خروج از همه ظلمات به نور مطلق، باید شما جوانها همان راه را ادامه دهید تا اینکه پیرو رسول اکرم و در مکتب حضرت صادق پیروانی شایسته باشید^{۶۵}.

^{۶۵} در جمع اقشار مختلف مردم ۱۳۵۹/۱۱/۲ - صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۱

شما جوانان تا کنون در این نهضت شرکت داشتید؛ من به شما درود می‌فرستم! لکن نیمه راه است؛ راه باز باقی مانده است. شما جوانها، شما نیروهای جوان باید این نیمه راه دیگر را هم با قدرت پیش ببرید. باید با وحدت کلمه، با اسلام، با ایمان، از این نهضت تا اینجا که آمده‌اید، از اینجا به بعد هم جلو بروید. باید همه ریشه‌های استبداد و ریشه‌ای استعمار را از این مملکت بکنید؛ باید این مملکت را پاکسازی کنید. این مملکت عقب مانده است، این مملکت اقتصادش ورشکسته است، این مملکت الآن آشفته است [و] به نیروی شما جوانها باید این مملکت اصلاح بشود. ما همه مسئول هستیم؛ ما همه باید دنبال این کار را بگیریم تا به آخر برسانیم.^{۶۶}

کلام امام خامنه‌ای:

رئیس‌جمهور مطلوب باید با کفایت، با ایمان، عدالت‌خواه و ضد فساد، دارای عملکرد انقلابی و جهادی، معتقد به توانمندی‌های داخلی، معتقد به جوانان به‌عنوان پیشران حرکت عمومی کشور و امیدوار به آینده باشد.^{۶۷}

مستندات قرآنی:

با مراجعه به آیات کریمه قرآن آیاتی گویای این نکته هستند که برخی پیامبران و اولیای الهی در سن جوانی کارهای بزرگی انجام داده و در برخی موارد مناصب حکومتی نیز داشته‌اند که خود بهترین شاهد بر جوانگرایی می‌باشد.

۱. إِذَاوَى الْفُتَيْةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (کهف: ۱۰)

قرآن کریم در هنگام ذکر جریان اصحاب کهف، در دو آیه آنان را با واژه جوان (فتی) یاد می‌کند.

۲. وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غَلَامٌ وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (یوسف: ۱۹)

نمونه دیگر حضرت یوسف علی نبینا و آله و علیه السلام بود که در سن جوانی عزیز کشور پهناور و متمدن مصر شد.

^{۶۶} در جمع افسران نیروی زمینی ۱۳۵۸/۱/۱۹ - صحیفه امام ج ۴ ص ۴۴۹

^{۶۷} - سخنرانی نوروزی - ۱ فروردین ۱۴۰۰

۳. وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ (۵۱ انبیاء)

حضرت ابراهیم علیه السلام نمونه دیگری است که در جوانی به رشد رسید و به سبب آن رشد به مخالفت بابت پرستی پرداخت و در نتیجه دست به نابودی آن هازد. مَا آمَنْتُ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ (انبیاء ۶)

۴. فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲ صافات)

یکی دیگر از موارد، حضرت اسماعیل علیه السلام است که به خوبی نشان می دهد که یک جوان می تواند در اوج فرمانبرداری و روحیه ایثار در سخت ترین شرائط به راحتی تصمیمی سخت بگیرد و امکان وقوعی جمع جوانی و ولایت و ایثار و فرمان برداری و تقوی را به رخ بکشد.

نکته: استدلال به این آیات متوقف بر این است که معنای واژه «فتیه» در آیه، جوان باشد و الا اشکال برخی از مفسرین بر چنین استدلالی مطرح خواهد شد. [برخی مفسرین مثل عیاشی فتیه را به معنای جوانمرد می دانند و به حدیث امام صادق علیه السلام مبنی بر کهن سال بودن اصحاب کهف استناد می کنند].

"فتیه" جمع "فتی" در اصل به معنی "جوان نوجوان و شاداب" است، ولی گاهی به افراد صاحب سن و سالی که روحی جوان و شاداب دارند نیز گفته می شود، و معمولاً این کلمه با یک نوع مدح بخاطر صفات جوانمردی و مقاومت و شهامت و تسلیم در مقابل حق همراه است.

شاهد این سخن حدیثی است که از امام صادق ع نقل شده است: امام ع از یکی از یاران خود پرسید "فتی" به چه کسی میگویند؟ او در پاسخ عرض کرد: "فتی" را به جوان می گوئیم، امام ع فرمود:

أما علمت أن أصحاب الكهف كانوا كلهم كهولاً، فسماهم الله فتيةً بآيمانهم:

"آیا تو نمیدانی که اصحاب کهف همگی کامل مرد بودند، اما خدا از آنها به عنوان "فتیه" نام برده چون ایمان به پروردگار داشتند."

سپس اضافه فرمود

"من آمن بالله و اتقى فهو الفتى"

:"هر کس به خدا ایمان داشته باشد و تقوا پیشه کند جوانمرد است."

عن سليمان بن جعفر النهدي قال: قال جعفر بن محمد: يا سليمان من الفتى؟ قال: قلت: جعلت فداك الفتى عندنا الشاب، قال لي: أما علمت ان أصحاب الكهف كانوا كلهم كهولا فسماهم الله فتية بايمانهم، يا سليمان من آمن بالله و اتقى هو الفتى.

في روضة الكافي على بن إبراهيم رفعه قال: قال أبو عبد الله عليه السلام لرجل: ما الفتى عندكم؟ فقال له: الشاب، فقال: لا، الفتى المؤمن، ان أصحاب الكهف كانوا شيوخا فسماهم الله عز و جل فتية بايمانهم. «نور الثقلين ج ٣ ص ٢٤٤ و ٢٤٥».

مستندات روایی:

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري، ص: ٥٥٧

فلما حتم قضاء الله بفتح مكة استوسقت «٢» له - أمر عليهم عتاب بن أسيد فلما اتصل بهم خبره قالوا: إن محمدا لا يزال يستخف بنا حتى «٣» ولي علينا غلاما حديث السن - ابن ثمانى عشرة سنة، «٤» و نحن مشايخ ذو الأسنان، خدام بيت الله الحرام و جيران حرمه الأمن، و خير بقعة له على وجه «١» الأرض.

و كتب رسول الله ص لعتاب بن أسيد عهدا - على [أهل] مكة، و كتب في أوله: [بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ] من محمد رسول الله ص إلى جيران بيت الله و سكان حرم الله.

أما بعد، فمن كان منكم بالله مؤمنا، و بمحمد رسول الله في أقواله مصدقا، و في أفعاله مصوبا، و لعل أخى محمد رسوله و صفيه و وصيه - و خير خلق الله بعده مواليا، فهو منا و إلينا.

و من كان لذلك أو لشيء منه مخالفا، فسحقا و بعدا لأصحاب السعير، لا يقبل الله شيئا من أعماله و إن عظم و كثر «٢» و يصلية نار جهنم خالدا مخلدا أبدا، و قد قلد محمد رسول الله صلى الله عليه و آله عتاب بن أسيد أحكامكم و مصالحكم، [قد] فوض إليه تنبيه غافلکم، و تعليم جاهلکم، و تقويم أود [اعوجاج] مضطربکم، و تأديب من زال عن أدب الله منكم، لما علم من فضله عليكم من موالاة محمد رسول الله صلى الله عليه و آله - و من رجحانه في التعصب لعلی ولی الله فهو لنا خادم، و فی الله أخ، و لأوليائنا موال، و لأعدائنا معاد، و هو لكم سماء ظليلة و أرض زكية، و شمس مضيئة، و قمر منير، قد فضله الله تعالى على كافتكم بفضل موالاته، و محبته لمحمد و على و الطيبين من آلهما و حكمته عليكم، يعمل بما يريد الله - فلن يخليه من توفيقه - كما أكمل [من] موالاة محمد و على شرفه و حظه، لا يؤامر رسول الله ص و لا يطالعه، بل هو السديد «١» الأمين، فليعمل المطيع منكم، و ليف «٢» بحسن معاملته ليسر بشريف الجزاء، و عظيم الجباء، و ليوفر «٣» المخالف له بشديد العقاب، و غضب الملك العزيز الغلاب، و لا يحتج محتج منكم في مخالفته بصغر سنه، فليس الأكبر هو الأفضل بل الأفضل هو الأكبر، و هو الأكبر «٤» في موالاتنا - و موالاة أوليائنا، و معاداة أعدائنا فلذلك جعلناه الأمير لكم و الرئيس عليكم، فمن أطاعه فمرحبا به، و من خالفه فلا يبعد الله غيره.

قال: فلما وصل إليهم عتاب، و قرأ عهده، وقف فيهم موقفا ظاهرا، و نادى في جماعتهم حتى حضروه و قال لهم:

معاشر اهل مكه إن رسول الله صلى الله عليه و آله رمانى بكم - شهابا محرقا لمنافقيكم، و رحمه و بركه على مؤمنيكم، و إنى أعلم الناس بكم و بمنافقيكم، و سوف آمركم بالصلاة فيقام لها، ثم أتخلف [اى اتردد] أراعى الناس، فمن وجدته قد لزم الجماعة- التزمت له حق المؤمن على المؤمن، و من وجدته قد قعد عنها فتشته، فإن وجدت له عذرا أعذرتة، و إن لم أجد له عذرا ضربت عنقه حتما «٦» من الله- مقضيا على كافتكم لأطهر حرم الله من المنافقين.

فأما بعد، فإن الصدق أمانة، و الفجور خيانة، و لن تشيع الفاحشة فى قوم إلا ضربهم الله بالذل، قويمكم عندى ضعيف حتى آخذ الحق منه، و ضعيفكم عندى قوى حتى آخذ له الحق، اتقوا الله و شرفوا بطاعة الله أنفسكم، و لا تذلوها بمخالفة ربكم. ففعل و الله كما قال، و عدل و أنصف و أنفذ الأحكام، مهتديا بهدى الله، غير محتاج إلى مؤامرة و لا مراجعة «١».

نقد وبررسی روایت:

با توجه به اینکه بزرگان مکه بسبب شدت تکبری که داشتند، اسلام را با دل و جان نپذیرفته بودند؛ احتمال دارد دلیل انتصاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله صرفا جوان بودن نبوده است؛ بلکه این احتمال بسیار قوی است که دلیل انصاب ایشان غیر از جوان بودن باشد. این احتمال با قرائنی قابل تقویت است از جمله:

۱. حضرت به صراحت یکی از دلایل این انتصاب را ارادت و تعصب وی به امیرالمومنین علی علیه السلام بیان می کنند. «...و من رجحانه فى التعصب لعلی ولی الله...».

۲. در میان اهل مکه کسی در فضل و کمال وی وجود نداشته تا بتواند در این منصب قرار گیرد؛ چرا که از توصیفات حضرت در مورد او برمی آید که از خصائص و شخصیت منحصر به فردی در میان اهل مکه برخوردار بوده است. «... فهو لنا خادم، و فى الله أخ، و لأولائنا موال، و لأعدائنا معاد، و هو لكم سماء ظليلة و أرض زكية، و شمس مضيئة، و قمر منير، ...» همچنین از محبت و موالات به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرالمومنین (علیه السلام) معیاری بر برتری وی یاد شده است. از طرفی حکمت و توان فکری وی نیز از جمله معیارهای این انتخاب بیان می شود. «و حکمته علیکم»

۳. در انتهای فرمایشات حضرت، به اعتقاد و نگاهی که در نظر اهل مکه شادع بوده، پاسخ داده می شود و به صراحت دلیل انتصاب این شخصیت در جایگاه ریاست و امارت امت را تبیین می فرمایند: «ليس الأكبر هو الأفضل بل الأفضل هو الأكبر، و هو الأكبر فى موالاتنا- و موالاة أوليائنا، و معاداة أعدائنا فلذلك جعلناه الأمير لكم و الرئيس عليكم»

اشکالی دیگر:

با قطع نظر از قرائن موجود در روایت، توجه به این مطلب لازم است که استدلال به این دست از روایات زمانی می تواند مثبت مطلوب باشد^{۶۸} که انتصابات حضرات رسول اکرم صلی الله علیه و آله در صدر اسلام و همچنین انتصابات ائمه علیهم

۶۸. مدعا: انتصاب جوانان در مسئولیت های مدیریتی توسط انبیاء و ائمه علیهم السلام

السلام، غیر از جوانان نبوده باشد؛ این در حالی است که بیشتر انتصابات این بزرگواران از غیر جوانان بوده است. بنابراین جوان بودن نمی تواند به خودی خود ملاک انتصابات بوده باشد.

در قرآن کریم نیز ملاکات متعددی برای نصب حاکم شرعی بیان شده است. از جمله آن ها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. علم، تدبیر و قدرت جسمانی: آیه ۲۴۷ بقره (انتصاب طالوت به امارت)

نخست اینکه قدرت جسمانی در جوانان منحصر نمی شود و در ثانی سیاق آیات قبل نشانگر این است که نیازمندی بنی اسرائیل به امیر، به جهت امور جنگ و مسائل نظامی بوده است؛ لذا این احتمال وجود دارد که معیار قدرت جسمانی و علم بیشتر بر امور نظامی و جنگ نظارت داشته باشد و نسبت به مدیریت منابع و امور غیر نظامی آیه ساکت است.

۲. إذا احتجت إلى المشورة في أمر قد طرأ عليك فاستبد بهدأه الشبان فإنهم أحد أذهانا وأسرع حدسا ثم رده بعد ذلك إلى رأي الكهول و الشيوخ ليستعقبوه و يحسنوا الاختيار له فإن تجربتهم أكثر. **شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد؛ ج ۲۰؛ ص ۳۳۷**

حضرت در این روایت به ویژگی های مدیر در حد کلان جامعه می پردازند و تیزی و ذهن آماده جوان که لازمه مدیریت در عرصه های کلان است [به جهت اینکه از مهمترین مولفه های مدیر موفق در عرصه مدیریت کلان این است که در مواجهه با چالش ها بتواند در کوتاه ترین زمان، محتملات متعدد و راهکارهای مختلف را لیست کرده و بهترین و معقولترین آن ها را برگزیند]، اشاره می کند.

اشکالی که بر استدلال مذکور مطرح می شود که به اختصار بیان می شود:

این روایت تنها در این شرح از ابن ابی الحدید وجود دارد و در هیچ یک از نسخه های نهج البلاغه و حتی در منابع شیعه یافت نشده است. از سوی دیگر احتمال این وجود دارد که حضرت در جایگاه توصیه به مشورت مدیران با جوانان چنین فرموده باشند و این دلالتی بر توصیه بر بکارگیری جوانان در مناصب مدیریتی ندارد و هیچ گونه برتری برای جوانان نسبت به کهنسالان از این جهت بیان نفرموده است.

جوانگرایی نسبی

در برخی خطابات جوانگرایی مطرح می شود و از آن اراده نسبی و اضافی می شود؛ یعنی جوانگرایی از رده سنی کهنسالی به رده سنی میانسالی.

با توجه به واقعیت موجود که حدود چهل سال از ابتدای انقلاب می گذرد، نسل تجربه دیده انقلابی عموماً از رده سنی میانسالی عبور کرده و به سن کهنسالی رسیده اند و این ضرورت وجود دارد که جوانگرایی نسبی در رده مدیریتی جامعه اعمال شود چراکه با توجه به ملاک مدیریت در قرآن کریم (۲۴۷ بقره)، قدرت جسمانی یکی از مولفه های اساسی می باشد که این امر در مدیران پایه سن گذاشته، نوعاً وجود ندارد؛ لذا شایسته است مدیران کهنسال جای خود را به نسل پر انرژی و با تجربه پس از خود بدهند.

کلام امام خمینی:

بر خلاف تبلیغات مسموم شاه و بستگانش، دولت اسلامی، طرفدار سرمایه دارها و مالکین بزرگ نمی‌باشد؛ این حرفهای بی‌معنی برای انحراف از راه حق است. مطمئن باشند که اسلام طرفدار ضعفا و دهقانان و مستمندان است؛ این شاه است که به طرفداری از امریکا کشاورزی را به تباهی کشانده است، این شاه است که به طرفداری از سرمایه دارها ذخایر ملت ضعیف را به نفع آنان از بین برده است. شما آنان را مطمئن کنید که در دولت حق، از شما به بهترین وجه حمایت خواهد شد.^{۶۹}

امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می‌گیرد در رأس برنامه‌ها قرار گیرد، و در نخستین مجلس شورای اسلامی طرحهایی جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود، و از طرف دولت منتخب شما بدون مسامحه به مورد اجرا گذاشته شود تا در پیشگاه خداوند متعال، بعضی از دیون خودتان را به این طبقه عزیز - که جان خود را برای اسلام و آزادی و استقلال کشور در طبق اخلاص گذاشته و پیروزی را برای انقلاب اسلامی به ارمغان آوردند - ادا کرده باشید.^{۷۰}

طرحها و پیشنهادهایی که مربوط به عمران و رفاه حال ملت خصوصاً مستضعفین است انقلابی و با سرعت تصویب کنید، و از نکته‌سنجیها و تغییر عبارات غیر لازم که موجب تعویق امر است اجتناب کنید، و از وزارتخانه‌ها و مأموران اجرا بخواهید که از کاغذ بازیها و غلط کاریهای زمان طاغوت اجتناب کنند و رفاه ملت مظلوم و عقب افتادگیهای آنها را به طور ضربتی تحصیل و ترمیم کنند.^{۷۱}

تمام هم‌مان را صرف کنیم که این بیچاره‌هایی که توی این زاغه‌ها باز هم نشسته‌اند، اینها را از اینجا بیرون بیاوریم، جایی برایشان درست بکنیم، آب و برق این مملکت را درست بکنیم، خوب، الآن شما می‌دانید که در بعضی از جاها هیچ ندارند. هیچ. بعضی از جاهایی که دیروز یکی از آقایان که آمده بود از طرف بختیاری و آنجاها، می‌گفت مردم همه اخلاص دارند، اما هیچ ندارند. بعضی جاهاست هیچ ندارند. برای این «هیچ ندارها» یک فکری بکنید، هی ننشینید دعوا بکنید، هی هم دنبال این نروید که همان طوری که در طاغوت می‌کرد، شهرها را خیلی مزین کنید و شهرها را خیلی بزرگ بکنید و همه هم دولت و همه بودجه مملکت خرج شهرها

^{۶۹} خطاب به ملت شجاع ایران به مناسبت فرارسیدن ماه محرم ۱۳۵۷/۹/۱ - صحیفه امام ج ۵ ص ۷۷

^{۷۰} پیام به نمایندگان مجلس به مناسبت افتتاح مجلس شورای اسلامی ۱۳۵۹/۳/۷ - صحیفه امام ج ۱۲ ص ۳۶۲

^{۷۱} پیام به نمایندگان مجلس به مناسبت افتتاح مجلس شورای اسلامی ۱۳۵۹/۳/۷ - صحیفه امام ج ۱۲ ص ۳۶۴

بشود و خرج شمال شهر بشود که باز همان طاغوتیها از آن استفاده بکنند. برای این پایین شهریهها، برای این بیچاره‌ها^{۷۲}.

ایران هر حکومتی باشد احتیاج دارد به پول برای اینکه اداره مملکت باید بکند، و عمده‌اش پول نفت است. نفت را هر مشتری‌ای که پیدا بشود که خوب بخرد، به او می‌دهد پول می‌گیرد. به امریکا می‌دهد به جای اینکه ایشان پایگاه درست کرده است، نه ما پایگاه نمی‌خواهیم درست کنیم برای امریکا. ما پول می‌گیریم برای اینکه این ملت ضعیف را، این ملت بی‌چیز را نجات بدهیم از این وضعی که دارد: این زراعتی که از دست داده، این کشاورزی که از دستش رفته است، این صنعت مونثازی که برای خاطر مصلحت دیگران درست کرده است. فروش نفت برای زدودن فقر اگر یک حکومت صحیح پیش بیاید، نفت را می‌فروشد و پول می‌گیرد خرج می‌کند از برای منافع خود ملت؛ این فقرا را نجات می‌دهد^{۷۳}.

کلام امام خامنه‌ای:

امام طرف‌دار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد میکرد؛ اشرافیگری را با تلخی رد میکرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرف‌دار عدالت اجتماعی بود؛ طرف‌داری از مستضعفان شاید یکی از پر تکرارترین مطالبی است که امام بزرگوار ما در بیاناتشان گفتند؛ این یکی از خطوط روشن امام است؛ این یکی از اصول قطعی امام است، همه باید تلاش کنند که فقر را ریشه کن کنند؛ همه باید تلاش کنند که محرومان را از محرومیت بیرون بیاورند و تا آنجایی که در توان کشور است، به محرومان کمک کنند. از آن طرف به مسئولان کشور هشدار میداد درباره‌ی خوی کاخ‌نشینی - این نکته‌ای که در قرآن هم آمده است: «وَسَكَنُومُ فِي مَسْكِنِ الْأَدْنَى ظَلَمُوا» (۱۲) و همه را از خوی کاخ‌نشینی برحذر میداشت، تأکید مکرر میکرد بر اینکه به وفاداری طبقات ضعیف اعتماد کنید؛ این را امام مکرر میگفت که این کوخ‌نشینانند، این فقرايند، این محرومانند که این صحنه‌ها را با وجود محرومیتها پر کرده‌اند، اعتراض هم نمیکند، در میدانهای خطر هم حاضر میشوند؛ [اما] آن کسانی که برخوردارهای‌های بیشتری داشتند، در موارد مختلف اگر مشکلی پیش می‌آمد، اتفاقاً آنها بیشتر ابراز نارضایی میکردند.^{۷۴}

در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدفهای طراز اول است و پایبندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی پوچ است.^{۷۵}

^{۷۲} در جمع اعضای هیئت دولت آقای رجایی ۱۳۵۹/۶/۲۰ - صحیفه امام ج ۱۳ ص ۲۰۴

^{۷۳} در مورد تبلیغات شیطنت آمیز شاه ۱۳۵۷/۱۰/۱۷ - صحیفه امام، ج ۵، ص: ۳۶۲

^{۷۴} - بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) - ۱۴ خرداد ۹۴

^{۷۵} - پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) - ۱۰ خرداد ۶۹

مهمترین مساله دستگاه ما و نظام جمهوری اسلامی کوشش برای رفع فقر و محرومیت در جامعه و حمایت و کمک به طبقات مستضعف و محروم است. واقعا باید صحت برنامه ها را به این سنجید و دنبال این قضیه رفت و کارهای دیگر را در اولویتهای بعد قرار داد. کارهای مربوط به طبقات محروم و مستضعفان جامعه که تعدادشان هم زیاد است حقا و انصافا یک حرکت اساسی را می طلبد.^{۷۶}

مستندات قرآنی:

النساء، الجزء ۵، الصفحة: ۹۰، الآية: ۷۵

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ﴿۷۵﴾

چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستمیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یابری برای ما تعیین فرما! (۷۵)

القصاص، الجزء ۲۰، الصفحة: ۳۸۵، الآية: ۴

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٤﴾

فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برد و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین از مفسدان بود! (۴)

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! (۵)

وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿٦﴾

و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم؛ و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آنها [بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم.

۷۶ - بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیات وزیران به مناسبت گرامیداشت هفته ی دولت - ۳ شهریور ۷۰

تقریب: وقتی سنت الهی به این تعلق گرفته که به مستضعفین تمکن داده و آنها را به امامت برساند بر همه از جمله مسئولین است که خود را در این مسیر سنت الهی قرار دهند.

مستندات روایی:

نهج البلاغه، ص: ۳۵۹ نامه ۴۵

أَقْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونُ أَسْوَأَ لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ

نهج البلاغه؛ ص: ۳۷۷

اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ

نهج البلاغه؛ ص: ۴۶

الدَّلِيلُ عِنْدِي عَزِيزٌ حَتَّى آخُذَ الْحَقَّ لَهُ وَالْقَوِيُّ عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّى آخُذَ الْحَقَّ مِنْهُ

خستگی ناپذیر و دارای همت جهادی باشد.

کلام امام خمینی:

امروز شما باید که کمر بزنید و در رشد صنایع این کشور و در رشد تولید این کشور دامن به کمر بزنید و همت بگذارید و فعالیت بکنید. فعالیت شما امروز برای کشور اسلامی یک عبادت است. شما امروز همه تان با ایده اسلامی در حال عبادت هستید، چه در کارخانه‌ها و چه در مواردی که به صنعت مشغول هستید، و چه در کشاورزی هر کس هست و چه در سایر کارخانه‌ها که هست. وقتی انسان برای خلق خدا خدمت بکند و برای اینکه این خلق در طول تاریخ ستم دیدند، عقب نگه داشته شدند، نگذاشتند رشد معنوی بکنند، رشد مادی بکنند، وقتی با این ایده شما خدمت بکنید شما در خدمت اسلام هستید و شما مجاهد هستید در پشت جبهه‌ها.^{۷۷}

^{۷۷} - تقدیر از پیروزیهای رزمندگان - ۱ | آبان ۶۲

کلام امام خامنه ای:

رئیس جمهور مطلوب باید با کفایت، با ایمان، عدالت خواه و ضد فساد، دارای عملکرد انقلابی و جهادی، معتقد به توانمندی های داخلی، معتقد به جوانان به عنوان پیشران حرکت عمومی کشور و امیدوار به آینده باشد.^{۷۸}

مستندات قرآنی:

فصلت ، الجزء ۲۴، الصفحة: ۴۸۰، الآية: ۳۰

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾
به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!» (۳۰)

الأحقاف ، الجزء ۲۶، الصفحة: ۵۰۳، الآية: ۱۳

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾

کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۱۳)
تقریب: منظور از ربنا الله، یعنی ایمان به خدا و اهداف و قوانین خداوند پس کسی که ایمان داشته باشد و در تحقق قوانین خداوند و دین خداوند در تمام عرصه ها، استقامت داشته باشند، خوف و حزنی نخواهند داشت لذا این آیه ما را ترغیب می کند به استقامت داشتن. پس نماینده مردم باید در راستای تحقق دین در جامعه، استقامت داشته باشد و خسته نشود.

الجن ، الجزء ۲۹، الصفحة: ۵۷۳، الآية: ۱۶

وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا ﴿١٦﴾

و اینکه اگر آنها [جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می کنیم! (۱۶)

تقریب: این آیه هم ما را ترغیب می کند به استقامت داشتن بر طریقت اسلام. مرحوم علامه طباطبایی ذیل این آیه می فرماید: المراد بالطريقة طريقة الإسلام، والاستقامة عليها لزومها والثبات على ما تقتضيه من الإيمان بالله وآياته. و در ادامه می فرماید: و المعنى: و أنه لو استقاموا أي الجن و الإنس على طريقة الإسلام لله لرزقناهم رزقا كثيرا لئلا نمتحنهم في رزقهم فالآية في معنى قوله: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»: الأعراف ۹۶.

الشورى ، الجزء ۲۵، الصفحة: ۴۸۴، الآية: ۱۵

^{۷۸} - سخنرانی نوروزی - ۱ فروردین ۱۴۰۰

فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آن چنان که مأمور شده‌ای استقامت نما، و از هوی و هوسهای آنان پیروی مکن، و بگو: «به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده‌ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم؛ خداوند پروردگار ما و شماست؛ نتیجه اعمال ما از آن ما است و نتیجه اعمال شما از آن شما، خصومت شخصی در میان ما نیست؛ و خداوند ما و شما را در يك جا جمع می‌کند، و بازگشت (همه) به سوی اوست!» (۱۵)

تقریب: در این آیه هم خصوصیتی را برای فرا اصلح می‌توان استخراج کرد مانند استقامت بر چیزی که امر داده شده، تبعیت نکرده از هواهای نفسانی، ایمان به خداوند، امر به تحقق عدالت.

هود، الجزء ۱۲، الصفحة: ۲۳۴، الآية: ۱۱۲

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾

پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو بسوی خدا آمده‌اند (باید استقامت کنند)؛ و طغیان نکنید، که خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند! (۱۱۲)

طه، الجزء ۱۶، الصفحة: ۳۱۲، الآية: ۲

مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿٢﴾

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکني! (۲)

الشرح، الجزء ۳۰، الصفحة: ۵۹۶، الآية: ۷

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾

پس هنگامی که از کار مهتی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز، (۷)

مستندات روایی:

غرر الحکم ص ۶۱

و قال أمير المؤمنين عليه السلام:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَثَتِي عِلْمُهُ وَعِلْمُ النَّبِيِّينَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ مَثَلُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ: مِنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ وَ مَثَلُ الْفِتْيَةِ الَّذِينَ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ فَرَادَهُمْ هُدًى، فَالْسَّعِيدُ مِنْ اسْتِقَامٍ عَلَى أَمْرِنَا وَ تَوَلَّانَا وَ نَصَرْنَا وَ انتَظَرُ قَائِمَنَا وَ بَرٍّ مِنْ عَدَوَّنَا، وَ الشَّقِيُّ مِنْ أَبْغَضْنَا؛ وَ مَنْ أَحْبَبَنَا أَجْزَاهُ اللَّهُ عَلَى حَبْنَا الْجَنَّةَ، وَ مَنْ أَبْغَضَنَا أَخْزَاهُ اللَّهُ تَعَالَى فَأَدْخَلَهُ النَّارَ» ٧٩.

در بخشی از وصیت امیرالمؤمنین علی «ع» به فرزند خود امام حسن «ع» این گونه آمده است:

«اللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ، فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ رَجُلَانِ: إِمَامٌ هُدًى، وَ مُطِيعٌ لَهُ مُقْتَدٍ بِهِدَاهُ»
خدا را در نظر بگیرید. خدا را در نظر بگیرید. در بحث جهاد در راه خدا با اموال و جانهایتان، چرا که دو شخص در راه خدا مجاهده می کنند. امام هدایتگر و تبعیت کننده ای که به هدایت او اقتدا کرده است.

نهج البلاغه نامه ۵۳

لَيْسَ يَخْرُجُ الْوَالِي مِنْ حَقِيقَةِ مَا أَلْزَمَهُ اللَّهُ [تَعَالَى] مِنْ ذَلِكَ إِلَّا بِالْإِهْتِمَامِ وَ الْإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ.

والی از ادای آنچه خداوند بر عهده او قرار داده بر نیاید جز با کوشش و یاری خواستن از خداوند، و مهیا نمودن خود بر به کارگیری حق و استقامت بر آن، چه اینکه بر او آسان باشد یا سخت.

ساده زیست باشد و از اشرافی گری اجتناب کند و

متصل به مراکز ثروت و قدرت نباشد.

کلام امام خمینی:

از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مسئله ای است که به همه روحانیت و دست اندرکاران کشور مربوط می شود، و همیشه نگران آن هستم که مبدا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند، زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را پیا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواست، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده اند، عمارت درست کرده اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست، و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان. البته من این نکته را عرض کنم، یک دسته ای که در معرض خطر هستند باید خودشان را حفظ کنند، ولی همین ها هم باید مواظب

^{۷۹} ورد حدیث السفینة الوارد ضمن هذه الرواية بطرق كثيرة في أمهات مصادر العامة، لمزيد الاطلاع، انظر: فضائل الخمسة من الصحاح الستة: ۵۶-۵۹، باب في قول النبي صلى الله عليه وآله: «مثل أهل بيتي مثل سفينة نوح».

باشند که زاید بر میزان نباشد. شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید و جبهه‌تان پیش مردم بزرگ می‌شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اینکه زندگی شما ساده باشد، همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیر المؤمنین و ائمه ما زندگی‌شان ساده و عادی بود بلکه پایین‌تر از عادی. آنها هم که جمهوری اسلامی را بپا کردند، مردم عادی هستند، و کسانی که بالا بالاها نشسته‌اند، هیچ دخالتی در این مسائل نداشته و ندارند. این مردم بازار و کشاورز و کارگران کارخانه‌ها و طبقات ضعیف - به حسب دنیا و قوی به حسب آخرت - هستند که این توقع را دارند که اگر خدای نخواست، نفوس این مردم از ما منحرف بشود، ضرر آن برای ما تنها نیست، بلکه برای اسلام است. و ما باید حفظ کنیم آنهایی را که اسلام و جمهوری اسلامی را نگه داشته‌اند و بعد از این هم نگه خواهند داشت، و حفظ آن به این است که زندگی ما ساده و عادی باشد.^{۸۰}

کلام امام خامنه‌ای:

ساده‌زیستی - بخصوص در خود آقای رئیس‌جمهور - خوب و برجسته است و چیز باارزشی است؛ در مسئولین هم - کما بیش؛ یک جایی کمتر، یک جایی بیشتر - بحمدالله هست. ساده‌زیستی چیز بسیار باارزشی است. ما اگر بخواهیم تجمل و اشرافیگری و اسراف و زیاده‌روی را - که واقعاً بلای بزرگی است - از جامعه‌مان ریشه‌کن کنیم، با حرف و گفتن نمیشود؛ که از یک طرف بگوئیم و از طرف دیگر مردم نگاه کنند و ببینند عملمان جور دیگر است! باید عمل کنیم. عمل ما بایستی مؤید و دلیل و شاهد بر حرفهای ما باشد تا اینکه اثر بکند. این خوشبختانه هست. فاصله‌تان را با طبقات ضعیف کم کرده‌اید و کم نگه دارید و هر چه که ممکن است آن را کمتر کنید.^{۸۱}

از نقاط قوتی که به نظر من روی آن باید تکیه کرد، مسئله‌ی برجسته شدن ارزشهای انقلاب است. در این سالهایی که دولت نهم و دولت دهم بر سر کار بودند تا امروز، گفتمان انقلاب و ارزشهای انقلاب و چیزهایی که امام به آن توصیه میکردند و ما آنها را از انقلاب آموختیم، خوشبختانه کاملاً برجسته شده: مسئله‌ی ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی، افتخار به انقلابیگری. یک دوره‌ای بر ما گذشت که اسم انقلاب و انقلابیگری و اینها به انزوا افتاده بود؛ سعی میکردند به عنوان یک ارزش منفی یا ضد ارزش، از این چیزها یاد کنند؛ مقاله مینوشتند، حرف میزدند، گفته میشد. امروز خوشبختانه اینجور نیست، درست بعکس است؛ گرایش عمومی مردم و مسئولان کشور به حرکت انقلابی، جهتگیری انقلابی، ارزشهای انقلابی و مبانی انقلاب است. این را توجه داشته باشید که یکی از عوامل گرایش مردم به دولت، همینهاست؛ یعنی مردم به این ارزشها اهمیت میدهند. مسئله‌ی دعوت به عدالت، مسئله‌ی ساده‌زیستی، دور بودن مسئولان از تجمل؛ اینها خیلی چیزهای مهمی است.^{۸۲}

^{۸۰} در جمع اعضای مجلس خبرگان ۱۳۶۴/۴/۲۵ - صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۳۱۷

^{۸۱} - ۲ شهریور ۸۷

^{۸۲} - ۲ شهریور ۹۱

مستندات قرآنی:

طه ، الجزء ١٦ ، الصفحة: ٣٢١ ، الآية: ١٣١

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٣١﴾

و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، می‌فکن! اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست؛ تا آنان را در آن بیازماییم؛ و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است! (۱۳۱)

الإسراء، الجزء ١٥، الصفحة: ٢٨٣، الآية: ١٦

وَإِذَا رَدْنَا أَنْ هُتِلَكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا هَاتَا تَدْمِيرًا ﴿٦٦﴾

و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا، بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت درهم می‌کوبیم. (۱۶)

سبأ، الجزء ٢٢، الصفحة: ٤٣٢، الآية: ٣٤

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٤﴾

و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم‌دهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: «ما به آنچه فرستاده شده اید کافریم!» (۳۴)

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿٣٥﴾

و گفتند: «اموال و اولاد ما (از همه) بیشتر است (و این نشانهٔ علاقه خدا به ماست!)؛ و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!» (۳۵)

القصص ، الجزء ٢٠ ، الصفحة: ٣٩٤ ، الآية: ٧٦

إِنْ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُمُ الْكُنُوزَ مَا يَنْفَاتِحُ لَهَا أَهْلُ الْبُيُوتِ أَتَاهَا قَوْمُ مُوسَى سَائِلِينَ خَوَّافِينَ ۚ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُمُ الْكُنُوزَ مَا يَنْفَاتِحُ لَهَا أَهْلُ الْبُيُوتِ أَتَاهَا قَوْمُ مُوسَى سَائِلِينَ خَوَّافِينَ ۚ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُمُ الْكُنُوزَ مَا يَنْفَاتِحُ لَهَا أَهْلُ الْبُيُوتِ أَتَاهَا قَوْمُ مُوسَى سَائِلِينَ خَوَّافِينَ ۚ

قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد؛ ما آن قدر از گنجها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای يك گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد!» (۷۶)

القصص ، الجزء ۲۰ ، الصفحة: ۳۹۴ ، الآية: ۷۷

وَ اتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَتَّبِعِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾

و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد! (۷۷)

القصص ، الجزء ۲۰ ، الصفحة: ۳۹۵ ، الآية: ۷۸

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٧٨﴾

(قارون) گفت: «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام!» آیا او نمی‌دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد،) مجرمان از گناهانشان سؤال نمی‌شوند. (۷۸)

القصص ، الجزء ۲۰ ، الصفحة: ۳۹۵ ، الآية: ۷۹

فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٧٩﴾

(روزی قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!» (۷۹)

القصص ، الجزء ۲۰ ، الصفحة: ۳۹۵ ، الآية: ۸۰

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ تَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿٨٠﴾

اما کسانی که علم و دانش به آنها داده شده بود گفتند: «وای بر شما ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند بهتر است، اما جز صابران آن را دریافت نمی‌کنند.» (۸۰)

مستندات روایی:

نامه ۴۵ نهج البلاغه. نامه حضرت به عثمان حنیف الانصاری

أَمَّا بَعْدُ يَا ابْنَ حَنِيفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادِبِهِ! فَاسْرَعْتَ إِلَيْهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ! وَتُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجَفَانُ! وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ! مَجْفُوعًا وَغَنِيَهُمْ مَدْعُوٌّ فَاَنْظُرْ إِلَى مَا تَقْضِمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفُظْهُ! وَمَا آيَقَنْتَ بِطِيبِ [وَجْهِهِ] وَجْوهه فَنَلَّ مِنْهُ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ! وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ! أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَقَّةٍ وَسَدَادٍ! فَوَاللَّهِ مَا كُنْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرًا! وَلَا ادْخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا

امام علی «ع»: اما بعد، ای پسر حنیف، به من خبر رسیده که مردی از جوانان اهل بصره تو را به مهمانی خوانده و تو هم به آن مهمانی شتافته‌ای، با غذاهای رنگارنگ، و ظرفهایی پر از طعام که به سویت آورده می‌شده پذیرایت کرده‌اند؛ خیال نمی‌کردم مهمان شدن به سفره قومی را قبول کنی که محتاجشان را به جفا می‌رانند، و توانگرشان را به مهمانی می‌خوانند! به لقمه‌ای که بر آن دندان می‌گذاری دقت کن، لقمه‌ای را که حلال و حرامش بر تو روشن نیست بیرون افکن، و آنچه را می‌دانی از راه‌های حلال به دست آمده بخور.

معلومات باد که هر مأمومی را امامی است که به او اقتدا می‌کند، و از نور علمش بهره می‌گیرد.

آگاه باش امام شما از تمام دنیایش به دو جامه کهنه، و از خوراکش به دو قرص نان قناعت نموده.

معلوماتان باد که شما تن دادن به چنین روشی را قدرت ندارید، ولی مرا با ورع و کوشش در عبادت، و پاکدامنی و درستی یاری کنید.

به خدا قسم من از دنیای شما طلایی نیندوخته، و از غنائم فراوان آن ذخیره‌ای برنداشته، و عوض این جامه کهنه‌ام جامه کهنه دیگری آماده نکرده‌ام!

خطبه ۲۰۹ نهج البلاغه

و من کلام له ع بالبصرة وقد دخل على العلاء بن زياد الحارثي و هو من أصحابه - يعوده، فلما رأى سعة داره قال:

مَا كُنْتُ تَصْنَعُ [بِسَعَةِ] بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا - [أَمَّا] وَأَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتَ أَحْوَجَ وَبَلَى إِنْ شِئْتَ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ تَقْرِي فِيهَا الضَّيْفَ وَتَصِلُ فِيهَا الرَّحِمَ وَتُطْلِعُ مِنْهَا الْحُقُوقَ مَطَالِعَهَا فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ فَقَالَ لَهُ الْعَلَاءُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْكُو إِلَيْكَ أَخِي عَاصِمَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ وَمَا لَهُ قَالَ لَبَسَ الْعَبَاءَةَ [الْعَبَاءَ] وَتَحَلَّى [مِنْ] عَنِ الدُّنْيَا قَالَ عَلَىَّ بِهِ فَلَمَّا جَاءَ قَالَ يَا عُدَى نَفْسِي

لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَبِيثُ مَا رَحِمْتَ أَهْلَكَ وَوَلَدَكَ أَتَرَى اللَّهَ أَحَلَ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَهُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا أَنْتَ فِي خُشُونِهِ مَلْبَسِكَ وَجُشُونِهِ مَا كَلَّكَ قَالَ وَيَحْكُ إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أَيْمَنِهِ [الْحَقِّ] الْعَدْلَ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَبَيَّغَ بِالْفَقِيرِ فَقَرُّهُ

در بصره امام به خانه علاء پسر زیاد حارثی که از یاران او بود رفت تا حال وی را بپرسد، چون فراخی خانه او را دید فرمود: این خانه فراخ در دنیا به چه کارت آید که در آخرت نیازت به چنین خانه‌ای بیشتر شاید! آری و اگر خواهانی بدان به آخرت رسیدن هم توانی: در آن به پذیرایی مهمان خواهی نشست و با خویشاوندان خواهی پیوست، و حقوقی را که بر گردن داری بیرون توانی ساخت و به مستحقانش رسانی، و بدینسان به آخرت نیز توانی پرداخت.

[علاء گفت: «ای امیر مؤمنان! از برادرم عاصم بن زیاد به تو شکایت می‌کنم.» فرمود: «چرا؟» گفت: «جامه‌ای پشمین به تن کرده و از دنیا روی برگردانیده.» امام فرمود: «او را نزد من آرید» - چون نزد وی آمد بدو گفت: - [ای دشمنک خویش! شیطان سرگشته‌ات کرده و از راحت بدر برده. بر زن و فرزندان رحمت نمی‌آری، و چنین می‌پنداری که خدا آنچه را پاکیزه است، بر تو روا فرموده، اما ناخشنود است که از آن برداری؟ تو نزد خدا خوار مایه‌تر از آنی که می‌پنداری! [گفت: «ای امیر مؤمنان! و تو در این پوشاک زبر تن آزار باشی و خوراک دشوار خوار؟» فرمود: [وای بر تو! من نه چون توأم، که خدا بر پیشوایان دادگر واجب فرموده خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا مستمندی تنگدست را به هیجان نیارند و به طغیان و اندارند.

نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۶۰، ص ۱۵۰

آن حضرت در ادامه می‌فرماید: پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روی زمین غذا می‌خورد و همچون بندگان می‌نشست و به دست خود کفشش را پینه می‌زد و جامه خود را وصله می‌کرد و بر الاغ بی‌پالان سوار می‌شد و دیگری را در کنار خود سوار می‌کرد.

بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۹

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از سیره پادشاهان و نوع نشست و برخاست و رفت و آمد و تشریفات آنها سخت بیزار بود. مردی نزد پیامبر آمد تا با وی سخن گوید، اما چون پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را دید، دست پاچه شد و به لرزه افتاد. حضرت به او فرمود: راحت باش، من که پادشاه نیستم، من فرزند همان زنم که گوشت خشکیده می‌خورد.

**با مردم صمیمی باشد و خود را خدمتگزار مردم بداند
و دنبال تصاحب قدرت و اندوختن ثروت نباشد.**

کلام امام خمینی:

در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزونتر از آن کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابره‌نه‌ها

بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابره‌ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملاً به شبهات و القائات خاتمه می‌دهد، که بحمد الله در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است.^{۸۳}

شما به من بگویید که در کجای ممالک اسلامی و غیر اسلامی، این طور است که رئیس جمهور از همین مردم و در دامن همین مردم باشد و هر روز و در ماه مبارک، هر شب برود توی جمعیت‌های متفرق و مردم را ارشاد کند، بدون اینکه خوفی در دلش باشد.

ما می‌دیدیم که در زمان حکومت غاصب شاه مخلوع، اگر این آدم می‌خواست در یکی از خیابانهای تهران ظاهر بشود، قبل از اینکه او بخواهد بیرون برود، مأمورهای ساواک تمام خیابانها را و تمام خانه‌های اطراف خیابانها را خالی می‌کردند و مأمور می‌گذاشتند و محافظت می‌کردند؛ برای اینکه او از ملت نبود، او در مقابل ملت بود و الآن رئیس جمهور «۱» که در رأس واقع شده است، در هر مجلسی که او را دعوت کنند می‌رود و در هر شهری که از او تقاضا کنند، می‌رود و مردم را ارشاد می‌کند، بدون اینکه یک ذره خوف در دل او باشد؛ برای اینکه، ملت را از خودش می‌داند و ملت هم او را از خودش می‌داند. برادر هستند. رئیس جمهور با ادنی شخصی که در ایران زندگی می‌کند، برادر است و مردم با هم برادرند و پشتیبانی می‌کنند.^{۸۴}

حکومت اسلامی که ما می‌خواهیم یک همچو چیزی ما می‌خواهیم که آن کسی که در رأس است، آن هم با مردم رفیق باشد. و بنشیند و خودش را نگیرد؛ در بین مردم بنشیند با آنها صحبت بکند؛ هر کس حاجتی دارد به او بگوید، وقت داشته باشد با او صحبت بکند. آن هم که رئیس ارتش است و آن هم که رئیس شهربانی است و آن هم که رئیس ژاندارمری است، آن هم در بین مردم همان طور باشد. وارد بشود بین مردم، نه او از مردم وحشت کند؛ نه مردم از او وحشت بکنند. این باید دستور باشد برای همه حکومتها و ملتها. وقتی یک حکومت این طور شد، ملت دنبالش است؛ ملت حافظش است. همان طور که او حافظ ملت است، ملت هم حافظ او هستند. و ما می‌خواهیم یک همچو چیزی پیدا بشود که ملت حافظ دولت به همه جهات باشد؛ دولت هم حافظ منافع ملت به همه جهات باشد. اگر یک همچو چیزی شد، یک مملکت آرامی [پدید می‌آید] که هیچ کس هم نمی‌تواند در آن تصرف بکند.^{۸۵}

حکومتها باید خدمتگزار ملتها باشند؛ چنانچه در اسلام این سیره بود که حکومت در خدمت مردم بود و ارتش در خدمت مردم بود. حکومتها از مردم انشا می‌شدند و ارتش نیز از آنها. و اگر حکومتها و ملتها به سیره رسول اکرم و ائمه مسلمین عمل می‌کردند، آرامش در همه جای ارض بود؛ این اختلافات و خونریزها نبود.^{۸۶}

^{۸۳} پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام ۱۳۶۶/۵/۶ - صحیفه امام، ج ۲۰، ص: ۳۴۰

^{۸۴} در جمع نمایندگان کشورهای اسلامی ۵۹/۵/۲۱ - صحیفه امام ج ۱۳ ص ۹۴

^{۸۵} در جمع هیئت محاسبات وزارت دارایی ۵۸/۴/۱۰ - صحیفه امام، ج ۸، ص: ۳۵۱

^{۸۶} در جمع هیئتی از لیبی ۱۳۵۸/۲/۴ - صحیفه امام، ج ۷، ص: ۱۱۹

جوری عمل بکنید که مردم از شما انتزاع این را بکنند که شما می‌خواهید خدمت بکنید. وقتی مردم دیدند که شما در صدد خدمت به آنها هستید، طبیعی است که آنها هم کمک به شما می‌کنند، و این به این است که همه وزارتخانه‌ها، هر کسی که متصدی یک وزارتخانه است، وزارتخانه خودش را بنا بر این بگذارد که اصلاح کند به نفع مردم، به جوری که مردم وقتی که در آن وزارتخانه وارد می‌شوند با رضایت خاطر، با اطمینان خاطر بیرون بیایند. اگر این طور بشود، بلاشکال مردم حاضرند. مردم، مردم خوبی هستند. ما از مردم تشکر باید بکنیم، ما همه مرهون آنها هستیم. عمده این است که ما هم بتوانیم خدمت متقابل بکنیم^{۸۷}

آقا دولت مال مردم است؛ بودجه مملکت از جیب مردم است؛ شما نوکر مردم هستید؛ دولتها خدمتگزار مردمند. هی لفظاً نگویید من خدمتگزار، و عملاً تو سر مردم بزنی و این اربابهای بیچاره‌تان را پایمال کنی^{۸۸}. باید افراد متوجه این معنا باشند، کسانی که واقعاً دلشان برای اسلام می‌تپد و برای کشورشان، متوجه این باشند که پست، میزان نیست، مقام میزان نیست، مقام ریاست جمهوری، این میزان نیست. مقام نخست‌وزیری یا رئیس دولت بودن یا رئیس مجلس بودن، اینها چیزی نیستند، این مقامات تمام می‌شود؛ آنی که هست خدمت است. آدم متعهد در هر جا باشد، اگر دید خدمتش خوب است آن جا، بیشتر دلگرم است. ممکن است که یک نفر؛ مثلاً، فرض کنید که نخست وزیر بوده است، لکن اگر این نخست وزیر ببیند که در یک جایی کار بهتر می‌کند، آدم متعهدی است می‌رود آن جا. یک نفر در دادستانی مقام داشته است، وقتی دید که یک کسی از خودش بهتر می‌تواند کار کند برود آنجا، برایش فرق نکند؛ یعنی، هدفش این باشد که خدمت بکند، نه هدفش این باشد که مقام داشته باشد^{۸۹}. شما باید توجه به این معنا بکنید که ما را اینها آورده‌اند و وکیل کرده‌اند، آورده‌اند و وزیر کرده‌اند، رئیس جمهور کرده‌اند. اینها ولی نعمت ما هستند، و ما باید ولی نعمت خودمان را از آن قدردانی کنیم و خدمت کنیم^{۹۰}. ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم. و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم. خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم. بلکه ممکن است گاهی وقتها ما یک تقاضایی از آنها بکنیم؛ تقاضای متواضعانه، تقاضایی که خادم یک ملت از ملت می‌کند^{۹۱}.

^{۸۷} در جمع اعضای هیئت دولت ۱۳۶۴/۸/۹ - صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۴۰۸

^{۸۸} در جمع اقشار مردم ۱۳۴۳/۱/۲۶ - صحیفه امام ج ۱ ص ۲۹۷

^{۸۹} در جمع اعضای هیئت دولت ۱۳۶۴/۶/۱۲ - صحیفه امام ج ۱۹ ص ۳۶۵

^{۹۰} در جمع مسئولان و اعضای قوای مقننه و مجریه ۱۳۶۰/۱۱/۱۹ - صحیفه امام ج ۱۶ ص ۲۵

^{۹۱} در جمع فرستاده ی پاپ و بنی صدر ۱۳۵۸/۸/۱۹ - صحیفه امام ج ۱۱ ص ۳۴

اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد، باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد و مع الأسف در رژیم‌های شاهنشاهی، و بخصوص در رژیم اخیر، آن معنا عکس بود. یعنی دستگاه حاکمه، همه دستگاه حاکمه، در یک قطب واقع شده بود، و ملت هم در یک قطب. آن دستگاه حاکمه کوشش می‌کرد که با ارباب و با فشار و با آزار و شکنجه و حبس و امثال اینها با ملت رفتار کند. و ملت هم اگر زور نداشت کوشش می‌کرد که مالیات نپردازد؛ از زیر بار همه چیز در برود؛ هر چه بتواند کارشکنی کند برای دولت، و از این جهت می‌شکاف بین مردم و دولت حاصل می‌شد و دولت هم هیچ پشتیبان نداشت و دستگاه حاکمه یک امر به خیال خودش مستقل بود که هیچ ارتباطی با ملت نداشت. ملت هم به آن هیچ اعتماد نداشت، آن را دشمن خودش می‌دانست. ارتش وقتی می‌آمد توی مردم، مثل اینکه دشمن آمده است، همه جمعیت از آن فرار می‌کردند و پشت می‌کردند به آن و پاسبان وقتی که می‌آمد در بین مردم، مردم از او فرار می‌کردند؛ تنفر داشتند. و اینها اسباب این شد که نتواند حکومت باقی بماند، و با پایگاه نداشتن در پیش ملت ناچار باید کنار برود و رفت. این باید یک عبرتی باشد برای دولتها.

در رژیم اسلامی شاید در رأس برنامه همین تفاهم ما بین دولت و ملت باشد. یعنی نه دولت خودش را جدا می‌داند و بخواهد تحمیل بکند و مردم را تهدید بکند، ارباب بکند، اذیت بکند؛ و نه مردم در صدد این بودند که دولت را تضعیف بکنند یا فرار بکنند از مقررات دولتی^{۹۲}.

با ملت دوست باشند. ملت احساس کند که دولت از خود اوست؛ دولت خدمتگزار اوست. ملتها احساس کنند که ارتش از خود آنهاست. ارتش که در خیابان می‌آید برای آن گل بریزند؛ نه از آن فرار کنند! عمده در برنامه‌های حکومتی، در برنامه‌های دولتی، این معناست که محیط اخلاقی درست کنند. محیط برادری درست کنند. این در رأس همه برنامه‌هاست. اگر این برنامه درست شد، اگر دولت بخواهد کاری بکند، همه ملت با او همراهی می‌کنند. اگر دولت بخواهد برنامه‌ای را ... اجرا بکند، ملت در خدمت آن هست^{۹۳}.

کلام امام خامنه‌ای:

آنچه در این ساعت مایلم به ملت عزیزمان عرض کنم این است که این ظرفیت عظیم و مهم دست‌یافتنی است ولی شروطی دارد؛ یکی از مهم‌ترین شروط عبارت است از همکاری‌های صمیمانه میان ملت و دولت؛ اگر این همکاری صمیمانه از دو سو شکل بگیرد، یقیناً همه‌ی آنچه را که جزو آرزوهای ما است دست‌یافتنی است و آثار آن را مردم عزیزمان به چشم خواهند دید. دولت، کارگزار ملت است؛ و ملت، کارفرمای دولت است. هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی‌های ملت را بدرستی بپذیرد، هم

^{۹۲} در جمع وزیر و اعضای وزارت اقتصاد و دارایی ۵۸/۳/۳۰ صحیفه امام، ج ۸، ص: ۲۳۱

^{۹۳} در جمع وزرای امور خارجه ی ایران و ترکیه ۵۸/۳/۲۱-صحیفه امام ج ۸ ص ۸۷

ملت به دولت که کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه اعتماد کند. من در این زمینه هم حرفهایی دارم و توصیه‌هایی دارم که ان شاء الله در سخنرانی به آنها اشاره خواهم کرد. لذا به نظر من امسال را باید سال همکاری‌های گسترده‌ی دولت و ملت دانست؛ من این شعار را برای امسال انتخاب کردم: «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی». امیدواریم این شعار در عمل تحقق پیدا کند و هر دو کفه‌ی این شعار، یعنی ملت عزیزمان، ملت بزرگمان، ملت با همت و با شجاعت‌مان، ملت بصیر و دانایمان، و همچنین دولت خدمتگزار بتوانند به این شعار به معنای حقیقی کلمه عمل بکنند و آثار و نتایج آن را ببینند.^{۹۴}

مستندات قرآنی:

الفتح ، الجزء ۲۶ ، الصفحة: ۵۱۵ ، الآية: ۲۹

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

محمد(ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد(ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است. (۲۹)

لقمان ، الجزء ۲۱ ، الصفحة: ۴۱۲ ، الآية: ۱۸

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٨﴾

(پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد. (۱۸)

آل عمران ، الجزء ۴ ، الصفحة: ۷۱ ، الآية: ۱۵۹

^{۹۴} - پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴ - ۱ فروردین ۹۴

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾

به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. (۱۵۹)

الشوری، الجزء ۲۵، الصفحة: ۴۸۴، الآية: ۱۳

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ
وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾

آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و هر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می کند. (۱۳)

آل عمران، الجزء ۴، الصفحة: ۷۱، الآية: ۱۵۹

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾

به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. (۱۵۹)

هود، الجزء ۱۲، الصفحة: ۲۳۱، الآية: ۸۸

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أَرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ
إِلَّا الصَّلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿٨٨﴾

گفت: «ای قوم! به من بگوئید، هر گاه من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رزق (و موهبت) خوبی به من داده باشد، (آیا می‌توانم بر خلاف فرمان او رفتار کنم؟! من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم، خودم مرتکب شوم! من جز اصلاح-تا آنجا که توانایی دارم- نمی‌خواهم! و توفیق من، جز به خدا نیست! بر او توکل کردم؛ و به سوی او باز می‌گردم! (۸۸)

مستندات روایی:

نهج البلاغه، ص: ۳۶۷ نامه ۵۳

وَأَشْعَرُ قَلْبِكَ «۳» الرَّحْمَةُ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةُ لَهُمْ وَاللُّطْفُ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صَنَفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا «۴» نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلُّ «۵» وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعُلَّ وَتَوْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمَدِ وَالْخَطَاءِ فَأَعْطَهُمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ وَوَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ وَاللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَلَا كَ

نهج البلاغه، ص: ۳۷۸

اجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تَفْرُغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ وَتُقْعَدُ عَنْهُمْ جُنْدُكَ وَاعْوَانُكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَشُرَطِكَ حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَعَتِّعٍ «۳» فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوَى غَيْرَ مُتَتَعَتِّعٍ ثُمَّ احْتَمَلَ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ «۴» وَنَحَّ عَنْهُمْ الضِّيقَ وَالْأَنَفَ يَسْطُرُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ وَيُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ

نهج البلاغه؛ ص: ۳۶۹

وَإِنَّمَا عَمُودُ «۱» الدِّينِ وَجِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَالْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ فَلْيَكُنْ صَغُوكَ لَهُمْ وَمِيلُكَ مَعَهُمْ

تقریب: امیر مؤمنان (علیه السلام) پیوسته کارگزاران و کارکنان دستگاه اداری خود را به یاد حق و یاد معاد توجه می‌داد تا در اداره همه امور کاملاً انسانی عمل نمایند و دست تطاول نگشایند و به سرکشی و تندى گرفتار نیایند (ر.ک؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۴۳):

«إِيَّاكَ وَالْإِسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَأُ وَالتَّغَابِيَ عَمَّا تُعْنَى بِهِ مِمَّا قَدْ وَضَحَ لِلْعُيُونِ فَإِنَّهُ مَاخُودٌ مِنْكَ لِغَيْرِكَ وَعَمَّا قَلِيلٍ تَنْكَشِفُ عَنْكَ أَغْطِيَةُ الْأُمُورِ وَيَنْتَصِفُ مِنْكَ لِلْمَظْلُومِ أَمْلِكُ حَمِيَّةَ أَنْفِكَ وَسُورَةَ حَدِّكَ وَسَطْوَةَ يَدِكَ وَغَرْبَ لِسَانِكَ وَاحْتِرْسَ مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِكَفِّ الْبَادِرَةِ وَتَاخِيرِ السَّطْوَةِ حَتَّى يَسْكُنَ غَضَبُكَ فَتَمْلِكَ الْإِخْتِيَارَ وَلَنْ تَحْكُمَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى تُكْثِرَ هُمُومَكَ

بَذِكْرِ الْمَعَادِ إِلَى رَبِّكَ) «یعنی، مبدا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی، امتیازی خواهی، از اموری که بر همه روشن است، غفلت کنی؛ زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئول هستی و به زودی پرده از کارها یک سو رود و انتقام ستمدیده را از تو باز می گیرند. باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دست، تندی زبانت را در اختیار خود گیر و با پرهیز از شتابزدگی و فرو خوردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم فرو نشیند و اختیار نفس در دست تو باشد و تو بر نفس مسلط نخواهی شد، مگر با یاد فراوان قیامت و بازگشت به سوی خدا»

دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات مشرقین، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ ش، ص ۵۶۷، نامه علی (علیه السلام) به مالک اشتر.

رفتار امیر مؤمنان علی - علیه السلام - نیز همانند پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - بود و آن حضرت به مالک اشتر (وقتی که او را به عنوان استاندار مصر انتخاب کرد) می فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه، دوست و مهربان باش

نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص: ۳۶۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«أَيُّمَا رَاعٍ لَمْ يَرْحَمْ رَعِيَّتَهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ؛

هر مسئولی که به زیردست خود رحم نکند، خدا بهشت را بر او حرام می کند.»

(جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی)؛ ج ۲۴؛ ص ۵۷۸)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

«أَخَوَانُكُمُ اللَّهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ، فَمَنْ كَانَ أَخُوهُ تَحْتَ يَدِهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ وَلْيَكْسِهِ مِمَّا يَلْبَسُ وَلَا يُكَلِّفْهُ مَا يَغْلِبُهُ فَإِنْ كَلَّفَهُ مَا يَغْلِبُهُ فَلْيَعْنَهُ؛

خداوند بعضی از برادران شما را زیردست شما قرار داده است؛ هر کس برادر و همنوعش را زیردست دارد باید از آنچه خود می خورد به او بخوراند و از آنچه می پوشد به او هم بپوشاند و هیچ وقت کاری که خارج از قدرت اوست به او نسپارد و اگر کار دشواری را به او سپرد او را کمک کند.»

امام علی (ع) می فرماید:

محبت و لطف بر رعیت را در قلب خود جای ده و بر آنان درنده‌ای خونخوار مباش که خوردن آن‌ها را مغنم شماری.

نامه ۴۶ نهج البلاغه - نامه امیر المومنین به بعضی از کارگزارانشان

اعْتَرِمْ بِالشَّدَّةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ وَ اخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ اَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ آسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ وَ الْإِشَارَةِ وَ التَّحِيَّةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ إِنْ لَا يَيَّاسُ الضَّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ وَ السَّلَامِ

در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، و در جایی که جز با درستی کار انجام نگیرد، درستی کن، پر و بالت را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده روی و فروتن باش، و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش، تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند، و نا توانان از عدالت تو مأیوس نگردند. و السلام.

کافی ج ۸ ص ۳۵۳

امیر المومنین علیه السلام:

فَاعْظُمُ مِمَّا افْتَرَضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَ حَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ فَجَعَلَهَا نِظَامَ الْفَتْهِمْ وَ عِزًّا لِدِينِهِمْ وَ قَوَامًا لِسُنَنِ الْحَقِّ فِيهِمْ فَلْيَسْتَ تَصْلَحِ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاءِ وَ لَا تَصْلَحِ الْوَلَاءُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ آدَى إِلَيْهَا الْوَالِي كَذَلِكَ عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ فَقَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلَى أَذْلالِهَا السُّنَنُ فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ وَ طَابَ بِهِ الْعِيشُ وَ طَمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ يَسْتَمَطِّعُ الْأَعْدَاءُ وَ إِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَالْيَهُمْ وَ عَلَا الْوَالِي الرَّعِيَّةَ اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ وَ ظَهَرَتْ

مَطَامِعُ الْجَوْرِ وَ كَثُرَ الْإِدْغَالُ فِي الدِّينِ وَ تَرَكَتْ مَعَالِمُ السُّنَنِ فَعَمِلَ بِالْهَوَى وَ عَطَلَتْ الْأَثَارُ وَ كَثُرَتْ عَلَلُ النُّفُوسِ وَ لَا يُسْتَوْحَشُ لَجَسِيمٍ حَدَّ عَطَلٍ وَ لَا لِعَظِيمٍ بَاطِلٍ أَثَلُ فَهِنَالِكَ تَذَلُّ الْأَبْرَارُ وَ تَعِزُّ الْأَشْرَارُ وَ تَخْرَبُ الْبِلَادُ وَ تَعْظُمُ تَبَعَاتُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ الْعِبَادِ فَهَلُمَّ أَيُّهَا النَّاسُ إِلَى التَّعَاوُنِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْقِيَامِ بِعَدْلِهِ وَ الْوَفَاءِ بَعْدِهِ وَ الْإِنْصَافِ لَهُ فِي جَمِيعِ حَقِّهِ فَإِنَّهُ لَيْسَ الْعِبَادُ إِلَى شَيْءٍ أَحْوَجَ مِنْهُمْ إِلَى التَّنَاصُحِ فِي ذَلِكَ وَ حُسْنِ التَّعَاوُنِ عَلَيْهِ وَ لَيْسَ أَحَدٌ وَ إِنْ اشْتَدَّ عَلَى رِضَا اللَّهِ حِرْصُهُ وَ طَالَ فِي الْعَمَلِ اجْتِهَادُهُ بِيَالِغِ حَقِيقَةٍ مَا أَعْطَى اللَّهُ مِنَ الْحَقِّ أَهْلُهُ وَ لَكِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْعِبَادِ النَّصِيحَةُ لَهُ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ وَ التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ ثُمَّ لَيْسَ أَمْرٌ وَ إِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنَزِلَتُهُ وَ جَسُمَتْ فِي الْحَقِّ فَضِيلَتُهُ بِمُسْتَعْنٍ عَنْ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ حَقِّهِ وَ لَا لِمَرِيٍّ مَعَ ذَلِكَ خَسَاةٌ بِهِ الْأُمُورُ وَ اقْتَحَمَتِ الْعُيُونُ بِدُونِ مَا أَنْ يُعِينَ عَلَى ذَلِكَ وَ يُعَانَ عَلَيْهِ وَ أَهْلُ الْفَضِيلَةِ فِي الْحَالِ وَ أَهْلُ النُّعْمِ الْعِظَامِ أَكْثَرُ فِي ذَلِكَ حَاجَةً وَ كُلٌّ فِي الْحَاجَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شَرَّ سَوَاءٍ

بزرگترین این حقوق واجب خداوند تبارک و تعالی، حق والی و زمامدار است بر رعیت، و حق رعیت است بر والی، و این چیزی است که خدای عز و جل برای نفع دو طرف آن را مقرر ساخته و آن را مایه نظام الفت آنان، و وسیله عزت دیشان و پایداری ستهای حق در میان آنها قرار داده. پس رعیت صلاح نیابد مگر به صلاح یافتن والیان و زمامداران، و والیان نیز صلاح

نیابند جز با راستی و درستی رعیت، پس هر گاه رعیت، حق والی را به جا آورد و والی حق رعیت را پرداخت حق در میان ایشان استوار گردد، و روشهای دیانت میان آنها برپا شود، و نشانه‌های عدل و داد و سنتها و روشهای عدالت جاری شود و در نتیجه، روزگار بهبود یابد و زندگی خوش گردد و امید به بقا و پایداری آن دولت باشد و آرز دشمنان به نومیدی بدل گردد، در حالی که اگر رعیت بر والی و زمامدار خود چیرگی یابد و والی بر رعیت ستم ورزد، در این هنگام اختلاف کلمه پیدا شود و طمعهای ناحق رخ بنماید و تبهکاری در دین فرونی گیرد و عمل به مقررات کنار نهاده شود و احکام دین تعطیل می‌شود و امراض روحی رو به فراوانی نهد، و از تعطیل شدن حدود مهم، و از باطل بزرگی که در جامعه بنیان گرفته است هراسی به دل راه ندهند. و در این هنگام است که نیکان ذلیل شوند و انسانهای شرور ارجمندی یابند و شهرها به ویرانی کشیده شود و کیفرهای خداوند عزّ و جلّ بر بنده‌ها گران شود.

پس ای مردم! بشتابید و گرد آیید بر همکاری در فرمان بردن از خداوند عزّ و جلّ و پایداری در عدالت و وفاداری به پیمان او. همه حقوق او را عادلانه ادا کنید، زیرا بندگان خدا به چیزی محتاجتر نیستند از اینکه در این مهم، خیرخواه هم باشند و با هم به نیکی همیاری کنند، و کسی نیست که به هر اندازه هم در تحصیل خشنودی خدا آزمند باشد و در عمل زیاد سعی و کوشش کند بتواند بحقیقت آنچه خدا از حق به اهلش عطا کرده برسد، ولی از حقوق واجب خدای عزّ و جلّ بر بندگان این است که به مقدار وسع خود برای او خیرخواهی کنند و برای برپا داشتن حق در میان خود همیاری کنند. هیچ مردی نیست که اگر چه منزلت و مقامش در مورد حق و فضیلتش در نزد حق ارجمند باشد بی‌نیاز از این باشد که به او کمک شود بر انجام آنچه خداوند عزّ و جلّ او را مسئول آن ساخته و به دوش او افکنده است. از حق خود و هیچ کس نباشد که هر چه هم از امور برکنار و رانده باشد و در دیده‌ها بی‌قدر و منزلت، از او صرف نظر گردد که بر این امر یآوری کند و یاری شود، و آنها که در حال خود اهل فضیلت باشند و دارای نعمتهای بزرگند در این نیازمندی بیشتر واردند و همه مردم از خرد و کلان در نیاز به درگاه خداوند عزّ و جلّ یکسان و همانندند.

بحار الانوار ج ۷۴ ص ۱۵۱

قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

أَمَرْتُ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرْتُ بِتَبْلِغِ الرِّسَالَةِ.

من همان گونه که به ابلاغ رسالت مامور شده‌ام به مدارای با مردم نیز مامور شده‌ام.

نهج البلاغه نامه ۵۳

شِعْرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةُ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةُ لَهُمْ وَاللُّطْفُ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلَلُ وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَلُ وَيُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمَدِ وَالْخَطَا فَاَعْطِهِمْ مِنْ

عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ وَوَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ وَاللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَلَّاكَ وَقَدْ اسْتَكْفَاكَ أَمْرُهُمْ وَابْتَلَاكَ بِهِمْ

مهربانی و محبت و لطف به رعیت را شعار قلب خود قرار ده، بر رعیت همچون حیوان درنده مباش که خوردن آنان را غنیمت دانی، که رعیت بر دو گروهند: یا برادر دینی تواند، یا انسانهایی مانند تو، که خطاهایی از آنان سر می زند، علل گناهی بر آنان عارض می شود، و گناهانی از آنان به عمد یا اشتباه بروز می کند، پس همانگونه که علاقه داری خداوند بخشش و چشم پوشی را به تو عنایت نماید، رعیت را مورد عفو و چشم پوشی قرار بده، چرا که تو از نظر قدرت برتر از آنانی، و آن که بر تو ولایت دارد بالاتر از تو می باشد، و خداوند برتر از آن کسی که تو را والی مصر نموده، خداوند کفایت امور رعیت را از تو خواسته، و به خاطر آنان تو را در عرصه آزمایش قرار داده.

نامه ۵۳- نهج البلاغه

امیر المومنین علیه السلام:

لَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأَطَاعُ فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْعَالٌ فِي الْقَلْبِ وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ وَتَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ

فریاد مزین که من بر شما گمارده شده ام، فرمان می دهم باید اطاعت شوم؛ که این وضع موجب فساد دل، و کاهش و ضعف دین، و باعث نزدیک شدن زوال قدرت است.

از شیوه های تبلیغاتی صحیح استفاده نماید.

۱. رعایت مرقانون

کلام امام خمینی:

ما حق نداریم که چیزی که خود ملت تعیین کرده است ماها [در آن] دخالت بکنیم. ما هم تابع ملت هستیم. ملت آقایان را تعیین کرده است. آقایان هم آن قانون را نوشته اند. تصویب کرده اند. و آقایان هم اهل خبره هستند. و آن طوری که ملت می خواستند، اینها را تمام کردند.^{۹۵}

کلام امام خامنه ای:

رقابت این نیست که کسانی بیایند برای جلب نظر مردم، وعده های خلاف قانون اساسی، خلاف قوانین عادی بدهند؛ این ها نباید باشد.^{۹۶}

مستندات قرآنی:

^{۹۵} در جمع نمایندگان مجلس خبرگان ۱۳۵۸/۵/۲۴-صحیفه امام ج ۱۱ ص ۵۰

^{۹۶} ۱۹ دی ۹۰

المائدة ، الجزء ٦، الصفحة: ١١٦، الآية: ٤٨

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾

و این کتاب [قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می‌کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست؛ پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن! از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن! و از احکام الهی، روی مگردان! ما برای هر کدام از شما، آیین و طریقه روشنی قرار دادیم؛ و اگر خدا می‌خواست، همه شما را امت واحدی قرار می‌داد؛ ولی خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید؛ (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد). پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت جوید! بازگشت همه شما، به سوی خداست؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می‌کردید؛ به شما خبر خواهد داد. (٤٨)

النساء ، الجزء ٥، الصفحة: ٨٨، الآية: ٦٥

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند. (٦٥)

النساء ، الجزء ٥، الصفحة: ٩٥، الآية: ١٠٥

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِبِينَ خَصِيمًا ﴿١٠٥﴾

ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی! (١٠٥)

المائدة ، الجزء ٦، الصفحة: ١١٦، الآية: ٤٨

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾

و این کتاب [قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می‌کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست؛ پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن! از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن! و از احکام الهی، روی مگردان! ما برای هر کدام از شما، آیین و طریقه روشنی قرار دادیم؛ و اگر خدا می‌خواست، همه شما را امت واحدی قرار می‌داد؛ ولی خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید؛ (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد). پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت جوید! بازگشت همه شما، به سوی خداست؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می‌کردید؛ به شما خبر خواهد داد. (۴۸)

النساء ، الجزء ٥ ، الصفحة: ٨٨ ، الآية: ٦٥

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند. (۶۵)

مستندات روایی:

خطبه ۱۲۰ نهج البلاغه صبحی صالح

إِنَّ شَرَائِعَ الدِّينِ وَاحِدَةٌ وَ سَبْلُهُ قَاصِدَةٌ مَنْ أَخَذَ بِهَا لَحِقَ وَ غَنِمَ وَ مَنْ وَقَفَ عَنْهَا ضَلَّ

بدانید که قوانین دین یکی است، و راههای آن راست و روشن است، کسی که آن را پیش گیرد به حق رسد و غنیمت برد، و هر که از آن باز ایستد گمراه گردد و پشیمان شود.

مستدرک الوسائل ج ۱۸ ص ۳۷

عَوَالِي اللَّأَلِي، عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ:

يُوتَى بِوَالٍ نَقَصَ مِنَ الْحَدِّ سَوَاطٍ فَيَقُولُ رَبِّ رَحْمَةً لِّعِبَادِكَ فَيَقَالُ لَهُ أَنْتَ أَرْحَمُ بِهِمْ مِنِّي فَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ وَيُوتَى بِمَنْ زَادَ سَوَاطٍ فَيَقُولُ لِيَتَّبِعُهَا عَنْ مَعَاصِيكَ فَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ.

فرمودند: روز قیامت حاکمی را می آورند که هنگام اجرای حدود الهی، یک تازیانه کمتر از حد معین شده زده است. در مقام بازخواست، می گوید: خدایا به خاطر رحمت بر بنده تو این کار را کردم. به او جواب داده می شود که آیا تو نسبت به بندگان من مهربان تر از من هستی؟ سپس امر می کند وی را به آتش بیفکنند. شخص دیگری را می آورند که یک تازیانه زیاده تر زده است و در مقام بازخواست می گوید: خدایا، به خاطر بازداشتن از معاصی تو چنین کردم. دستور داده می شود وی را نیز به آتش بیفکنند

نهج البلاغه نامه ۵۳

أَمْلِكْ حَمِيَّةً أَنْفَكَ سَوْرَةً حَدِّكَ وَسَطْوَةً يَدِكَ وَغَرْبَ لِسَانِكَ وَاحْتِرْسْ مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِكَفِّ الْبَادِرَةِ وَتَأْخِيرِ السَّطْوَةِ حَتَّى يَسْكُنَ غَضَبُكَ فَتَمْلِكَ الْإِخْتِيَارَ وَلَنْ تَحْكُمَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى تُكْثِرَ هُمُومَكَ بِذِكْرِ الْمَعَادِ إِلَى رَبِّكَ-

باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دست، تندی زبانت را در اختیار خود گیر، و با پرهیز از شتابزدگی، و فرو خوردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم فرو نشیند و اختیار نفس در دست تو باشد. و تو بر نفس مسلط نخواهی شد مگر با یاد فراوان قیامت، و بازگشت به سوی خدا.

نَصْرُ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حَصِيرَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَرِيكَ قَالَ:

خَرَجَ حُجْرُ بْنُ عَدِيٍّ وَعَمْرُو بْنُ الْحَقِّ يُظْهِرَانِ الْبِرَاءَةَ وَاللَّعْنَ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِمَا عَلِيٌّ «أَنْ كُفَّا عَمَّا يَبْلُغُنِي عَنْكُمَا» فَأَتِيَاهُ فَقَالَا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَلَسْنَا مُحَقِّقِينَ؟ قَالَ: «بَلَى» قَالَا أَوْ لَيْسُوا مُبْطِلِينَ؟ قَالَ: «بَلَى» قَالَا: فَلِمَ مَعَتْنَا مِنْ شَتْمِهِمْ؟ قَالَ: «كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا لِعَانِينَ شَتَامِينَ تَشْتُمُونَ وَتَتَبَرَّءُونَ وَلَكِنْ لَوْ وَصَفْتُمْ مَسَاوِي أَعْمَالِهِمْ فَقُلْتُمْ مِنْ سِيرَتِهِمْ كَذَا وَكَذَا وَمِنْ عَمَلِهِمْ كَذَا وَكَذَا كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَابْلَغَ فِي الْعَذْرِ وَ[لَوْ] «۱» قُلْتُمْ مَكَانَ لَعْنِكُمْ إِيَّاهُمْ وَبَرَاءَتِكُمْ مِنْهُمْ- اللَّهُمَّ احْفَظْ دِمَاءَنَا وَدِمَاءَهُمْ وَأَصْلَحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَبَيْنَهُمْ وَاهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْهُمْ مِنْ جِهَلِهِ وَيَرْغَبُوا عَنِ الْغَى وَالْعُدْوَانِ مِنْ لَهْجِ بِهِ كَانَ هَذَا أَحَبَّ إِلَيَّ وَخَيْرًا لَكُمْ» فَقَالَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَقَبْلُ عِظَتِكَ وَتَتَادَبُ بِأَدَبِكَ وَقَالَ عَمْرُو بْنُ الْحَقِّ إِنِّي وَاللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَجَبْتُكَ وَلَا بَايَعْتُكَ عَلَى قَرَابَةِ بَيْنِي وَبَيْنِكَ وَلَا إِرَادَةَ مَالٍ تُؤْتِينِيهِ وَلَا التَّمَّاسِ سُلْطَانٍ يُرْفَعُ ذِكْرِي بِهِ وَلَكِنْ أَحْبَبْتُكَ لَخِصَالِ خَمْسٍ إِنَّكَ ابْنُ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِهِ وَزَوْجُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْأُمَمَةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَ وَأَبُو الذَّرِيَّةِ الَّتِي بَقِيَتْ فِينَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَأَعْظَمُ رَجُلٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ سَهْمًا فِي الْجِهَادِ فَلَوْ أَنِّي كَلَّفْتُ نَقْلَ الْجِبَالِ الرَّوَّاسِي وَنَزَحَ «۲» الْبُحُورِ الطَّوَامِي حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى يَوْمِي فِي أَمْرِ أَقْوَى بِهِ وَلِيَّكَ وَأَوْهِنُ بِهِ عَدُوَّكَ مَا رَأَيْتُ أَنِّي قَدْ أَدَيْتُ فِيهِ كُلَّ الَّذِي يَحِقُّ عَلَى مَنْ حَقَّكَ.

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى اللَّهِ نَوْرُ قَلْبِهِ بِالْتَّقَى وَاهْدِهِ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ لَيْتَ أَنَّ فِي جُنْدِي مِائَةَ مِثْلِكَ فَقَالَ حُجْرٌ إِذَا وَاللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَحَّ جُنْدُكَ وَقَلَّ فِيهِمْ مَنْ يَغْشُكَ.

ثُمَّ قَامَ حُجْرٌ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَحْنُ بَنُو الْحَرْبِ وَأَهْلُهَا الَّذِينَ نُلْقِيهَا وَنُنَجِّيهَا قَدْ ضَارَسَتْهَا وَضَارَسَتْهَا «۲» وَلَنَا أَعْوَانٌ ذُووُ صُلَاحٍ وَعَشِيرَةٌ ذَاتُ عَدَدٍ وَرَأَى مُجَرَّبٌ وَبَاسٌ مَحْمُودٌ وَآزَمَتْنَا مُنْقَادَةٌ لَكَ بِالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ فَإِنْ شَرَقَتْ شَرَقْنَا وَإِنْ غَرَبَتْ غَرَبْنَا وَمَا أَمَرْتَنَا بِهِ مِنْ أَمْرٍ فَعَلْنَاهُ فَقَالَ عَلِيٌّ: «أَكُلْ قَوْمَكَ يَرَى مِثْلَ رَأْيِكَ؟» قَالَ: مَا رَأَيْتُ مِنْهُمْ إِلَّا حَسَنًا وَهَذِهِ يَدِي عَنْهُمْ بِالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَبِحُسْنِ الْإِجَابَةِ فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ خَيْرًا.

نصر: عمر بن سعد، از عبد الرحمن، از حارث بن حصیره «۳»، از عبد الله بن شریک که گفت:

حجر بن عدی و عمرو بن حمق بیرون آمدند و به اظهار تنفر و لعنت بر شامیان پرداختند. علی به ایشان پیام فرستاد: از آنچه درباره شما گزارش می دهند دست بکشید و نزد من بیایید. (چون آن دو آمدند) گفتند: ای امیر مؤمنان، آیا ما حق نداریم؟ گفت: چرا. [گفتند: آیا آنان بر باطل نیستند؟ گفت: چرا]. گفتند: پس از چه رو ما را از دشنامگویی به آنان باز داشتی؟ گفت: «بر شما روا ندانستم که نفرینگر و دشنامگو باشید، و فحش دهید و اظهار نفرت کنید. ولی اگر کردارهای زشت آنان را توصیف می کردید و می گفتید:

رفتار آنان چنین و چنان و کردارشان چنین و چنان بوده، سخنی درست تر گفته و عذری رساتر آورده بودید و [اگر] «۱» به جای نفرین بر آنها و اظهار بیزاری خود از آنان (این گونه دعا می کردید) و می گفتید: بار خدایا خون ما و ایشان را مریز و میان ما و آنان سازشی به سازگاری آنها برقرار فرما و آنان را از گمراهیشان به راه هدایت باز آر تا پاره ای از آنها که حق را نمی شناسند بشناسند و آن که به گردنکشی و ستم پرداخته از پافشاری در آن دست کشد، این مرا خوشتر و برای خود شما نیکوتر می بود». عمرو بن حمق گفت: راستی را، ای امیر مؤمنان، به خدا من نه از آن رو تو را دوست دارم و نه به آن سبب با تو بیعت کرده ام که میان من و تو خویشاوندی است و یا قصد دریافت مالی دارم که تو به من دهی یا خواستار چیره دستی و تسلطی هستم که نامم بدان بر آید، بلکه از آن روست که من تو را به پنج ویژگی دوست دارم: این که تو پسر عموی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، و نخستین کسی هستی که به او ایمان آورده و همسر سرور بانوان امت، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله، و پدر خاندان پاکی هستی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در میان ما به جای نهاده و بزرگترین مرد مهاجران هستی که سهم عمده در جهاد، از آن توست. و روا بود من به جابه جا کردن کوههای بلند و استوار و بر کشیدن آب «۲» دریاها، سرشار و انباشته مکلف می شدم تا چنین (خجسته) روزیم می رسید که در کاری دوستان را تقویت کنم و دشمنان را زبون سازم، راستی را که من نتوانسته ام تمام و کمال، حق بزرگی را که تو بر گردن من داری، چنان که باید ادا کنم.

امیر مؤمنان (به دعا) گفت: بار الها، دل او را به نور تقوی روشن دار و وی

را به راه راست برگمار (و خطاب به او گفت) ای کاش در سپاه من صد تن چون تو می بودند. حجر گفت: ای امیر مؤمنان، بنابر این تو را به خدا، سپاه خود را پاکسازی کن و از شمار آنان که با تو نیرنگ می بازند بکاه.

سپس حجر برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان، ما فرزند جنگ و مرد پیکاریم، کسانی هستیم که سر در پی جنگ نهیم و از آن بهره گیریم. جنگ ما را آزموده و ما خود، جنگ را آزموده ایم. ما را همدستانی با شایستگیهای جنگی، و قبیله ای پر شمار و اندیشه ای آزموده (و فکری سنجیده و) و تحملی ستوده است. زمام، به فرمانبرداری از تو و شنوایی فرمان تو سپرده است.

اگر به خاورمان کشانی رو به خاور آریم و اگر به باخترمان خوانی جانب باختر شویم و هر فرمان که تو فرمایی همچنان کنیم. علی گفت: «آیا رأی تمام افراد قوم تو چون رأی توست؟» گفت: «من از ایشان جز نیک ندیده‌ام، و اینک این دو دست من است که از جانب ایشان به شنوایی فرمان و اطاعت از تو و نیک پاسخی به تو فرامی‌آرم و در دست تو می‌نهم» علی به او گفت: خیر باشد.

ب. اهانت نکردن

کلام امام خمینی:

ما می‌خواهیم نگذاریم که به شما اهانت بشود، دولت می‌خواهد نگذارد به شما اهانت بشود.^{۹۷}

کلام امام خامنه‌ای:

نامزدهای انتخاباتی به یکدیگر اهانت نکنند؛ خب، جنابعالی نامزد هستید، معتقدید که آدم صالحی هستید، آدم برجسته‌ای هستید؛ بسیار خوب، از خودتان هر چه می‌خواهید تعریف کنید بکنید اما به رقیبتان اهانت نکنید، به رقیبتان تهمت نزنید، از رقیبتان غیبت هم نکنید؛ تهمت و افترا یعنی نسبتی بدهید که واقعیت ندارد، [اما] غیبت یعنی نسبتی بدهید که واقعیت دارد؛ غیبت هم نباید بکنید. بنابراین این هم یک وظیفه است و یک معیار است برای سلامت انتخابات. نمایندگان بروند آنچه را در وسعتشان، در قدرتشان، در صلاحیتشان هست، برای مردم بیان کنند؛ مردم هم نگاه میکنند، خوششان می‌آید رأی میدهند، خوششان نمی‌آید رأی نمیدهند؛ این میشود [انتخابات] سالم.

وعده‌های غیر عملی ندهند؛ بعضی از نامزدها، وعده‌هایی به مردم میدهند که خودشان هم میدانند از دست آنها ساخته نیست؛ شما که نمیتوانی این وعده را عملی کنی، چرا به مردم وعده میدهی؟ چرا مردم را امیدوار میکنید به چیزی که میدانید نخواهد شد؟ گاهی وعده‌های غیر قانونی میدهند! [میگویند] فلان عمل را انجام میدهیم درحالی که میدانند آن عمل خلاف قانون است؛ یا خلاف قانون اساسی است، یا خلاف قانون عادی است؛ وعده‌های این‌جوری هم ندهند؛ شعارهای غیر قانونی ندهند. با مردم صادقانه باید برخورد کرد؛ همه‌ی ملت ما این جور هستند که صداقت را احساس میکنند، درک میکنند؛ وقتی ما غیر صادقانه برخورد کردیم، ممکن است کسانی یک کلمه‌ای و لحظه‌ای به اشتباه دچار بشوند لکن بعد حقیقت معلوم خواهد شد؛ باید صادقانه با مردم رفتار کرد، صادقانه باید با مردم حرف زد. این جزو آداب حتمی انتخابات سالم است.^{۹۸}

مستندات قرآنی:

الحجرات، الجزء ۲۶، الصفحة: ۵۱۷، الآية: ۱۲

^{۹۷} - حسینیه جماران - ۸ آبان ۶۳

^{۹۸} - ۳۰ دی ۹۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها پرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ يك از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است! (۱۲)

الحجرات ، الجزء ۲۶، الصفحة: ۵۱۶، الآية: ۱۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند! (۱۱)

الهمزة ، الجزء ۳۰، الصفحة: ۶۰۱، الآية: ۱

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١﴾

وای بر هر عیبجوی مسخره‌کننده‌ای! (۱)

مستندات روایی:

(الكافي : ۳/۳۶۰/۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ .

به مردم ناسزا مگویید که با این کار در میان آنها دشمن پیدا می کنید .

ت. برخورد صادقانه با مردم

کلام امام خامنه‌ای:

نامزدها وعده‌های نشدنی ندهند. من به نامزدهای گوناگون عرض میکنم جوری حرف بزنید که اگر در خرداد سال آینده نوار امروز شما را جلوی خودتان گذاشتند یا پخش کردند، شرمنده نشوید؛ جوری وعده بدهید که اگر چنانچه آن وعده را بعداً به رخ شما کشیدند، مجبور نباشید تقصیر را گردن این و آن بگذارید که نگذاشتند، نشد. کاری را که میتوانید انجام دهید، وعده بدهید.^{۹۹}

مستندات قرآنی:

الف ، الجزء ۲۸ ، الصفحة: ۵۵۱ ، الآية: ۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! (۲)

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾

نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید! (۳)

الجاحية ، الجزء ۲۵ ، الصفحة: ۴۹۹ ، الآية: ۷

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٧﴾

وای بر هر دروغگوی گنهکار... (۷)

المطففين ، الجزء ۳۰ ، الصفحة: ۵۸۸ ، الآية: ۲۹

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾

بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می‌خندیدند، (۲۹)

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿٣٠﴾

و هنگامی که از کنارشان می‌گذشتند آنان را با اشاره تمسخر می‌کردند، (۳۰)

مستندات روایی:

الأمالی، شیخ طوسی، ص ۳۰۱

يَا دَاوُدُ، إِنَّ خِصَالَ الْمَكَارِمِ بَعْضُهَا مُقَيَّدٌ بِبَعْضٍ، يَقْسِمُهَا اللَّهُ حَيْثُ يَشَاءُ، تَكُونُ فِي الرَّجُلِ، وَلَا تَكُونُ فِي ابْنِهِ، وَتَكُونُ فِي الْعَبْدِ، وَلَا تَكُونُ فِي سَيِّدِهِ: صِدْقُ الْحَدِيثِ، وَصِدْقُ النَّاسِ، وَإِعْطَاءُ السَّائِلِ، وَالْمُكَافَأَةُ بِالصَّنَائِعِ، وَآدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ، وَالتَّوَدُّدُ إِلَى الْجَارِ وَالصَّاحِبِ، وَقِرَى الضَّيْفِ، وَرَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ.

امام صادق (علیه السلام) به داود بن سرحان میفرماید: ای داود! برخی از مکارم اخلاق به برخی دیگر وابسته است و با هم ارتباط دارد که اینها را خدا تقسیم میکند؛ گاهی این صفات در مردی وجود دارد و در پسرش نیست یا گاهی در برده‌ای وجود دارد و در اربابش نیست. از جمله‌ی آنها است: راستگویی و صداقت با مردم در عمل، و بخشیدن به فقیری که درخواستی دارد و نیکی کردن در مقابل خوبی‌های دیگران. اداء امانت، صله‌ی رحم، ابراز محبت به همسایه، پذیرایی از مهمان و بالاتر از همه‌ی اینها حیا است

نهج البلاغه، خطبه ۵۶

فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكُتُبَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ حَتَّى اسْتَقَرَّ الْإِسْلَامُ مُلْقِيًا جِرَانَهُ وَمَتَّبِعًا أَوْطَانَهُ

د. خود داری از اسراف و پرداخت رشوه‌های تبلیغاتی

کلام امام خمینی:

باید تمام ادارات از نخست‌وزیری تا کوچکترین اداره از تجمل‌پرستی و اسراف و کاغذبازی بپرهیزند و کار مردم را سریعاً انجام دهند.^{۱۰۰}

کلام امام خامنه‌ای:

در این تبلیغات، خرج و اسراف هم نشود. بنده گمان میکنم اگر کسی برای خدا از اسراف در تبلیغات و کارهای ناباب اجتناب کرد، خدای متعال به او کمک خواهد کرد و او را در مقصودی که دارد، موفق خواهد گرداند.^{۱۰۱}

مستندات قرآنی:

الشعراء، الجزء ۱۹، الصفحة: ۳۷۳، الآية: ۱۵۱

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٥١﴾

و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید! (۱۵۱)

^{۱۰۰} - ۹ اسفند ۵۷ چهارده توصیه درباره انقلاب

^{۱۰۱} - ۲۴ بهمن ۸۲

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾

همانها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند! (۱۵۲)

یونس، الجزء ۱۱، الصفحة: ۲۱۸، الآية: ۸۳

فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلِيهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٨٣﴾

(در آغاز)، هیچ کس به موسی ایمان نیاورد، مگر گروهی از فرزندان قوم او؛ (آن هم) با ترس از فرعون و اطرافیانش، مبدا آنها را شکنجه کنند؛ زیرا فرعون، برتری جویی در زمین داشت؛ و از اسرافکاران بود! (۸۳)

تقریب: هر چند که واژه رشوه یا اختلاس در قرآن نیامده است، اما با توجه به مفهوم آنها می‌توان واژگانی را در قرآن یافت که به این امر اشاره دارد. به عنوان نمونه در قرآن واژه هایی چون «سحت» و «باطل» در جملاتی به کار رفته که بیانگر همین مفهوم رشوه و اختلاس و دیگر سوء استفاده های مالی صاحبان قدرت از قدرت خویش در عرصه اجتماعی و اقتصادی است:

المائدة، الجزء ۶، الصفحة: ۱۱۵، الآية: ۴۲

سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِّلْسُحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٤٢﴾

آنها بسیار به سخنان تو گوش می‌دهند تا آن را تکذیب کنند؛ مال حرام فراوان می‌خورند؛ پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) آنها را به حال خود واگذار! و اگر از آنان صرف نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی‌رسانند؛ و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را دوست دارد! (۴۲)

المائدة، الجزء ۶، الصفحة: ۱۱۸، الآية: ۶۳

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿٦٣﴾

چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آنها را از سخنان گناه‌آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی‌کنند؟! چه زشت است عملی که انجام می‌دادند! (۶۳)

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

(١٨٨)

و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید (این کار، گناه است)! (١٨٨)

مستندات روایی:

الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج ٥ ؛ ص ٥٥٩

١٤- عَنْهُ عَنْ بَعْضِ الْعِرَاقِيِّينَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ص رَجُلًا يَنْظُرُ إِلَى فَرْجِ امْرَأَةٍ لَا تَحِلُّ لَهُ وَ رَجُلًا خَانَ أَخَاهُ فِي امْرَأَتِهِ وَ رَجُلًا يَحْتَاجُ النَّاسَ إِلَى نَفْعِهِ فَسَأَلَهُمُ الرِّشْوَةَ. ١٠٢

خطبه ٢٢٤: از سخنان آن حضرت است در بیزاری از ظلم

وَاللَّهِ لَأَنَّ آيَتَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسَهَّدًا أَوْ أُجِرَ فِي الْأَعْلَالِ مُصَفَّدًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَ غَاصِبًا لَشَيْءٍ مِنَ الْحَطَامِ وَ كَيْفَ أَظْلَمُ أَحَدًا لِنَفْسٍ يُسْرِعُ إِلَى الْبَلَى قُفُولُهَا وَ يَطُولُ فِي الشَّرِّ حُلُولُهَا وَ اللَّهُ لَقَدْ رَأَيْتُ عَقِيلًا وَقَدْ أَمْلَقَ حَتَّى اسْتَمَاحَنِي مِنْ بُرْكَمٍ صَاعًا وَ رَأَيْتُ صَبِيَانَهُ شُعْتَ الشُّعُورِ غَيْرَ الْأَلْوَانِ مِنْ فَقْرِهِمْ كَأَنَّمَا سُوِّدَتْ وَجُوهُهُمْ بِالْعَظْمِ وَ عَاوَدَنِي مُوَكَّدًا وَ كَرَّرَ عَلَى الْقَوْلِ مُرَدَّدًا فَأَصْغَيْتُ إِلَيْهِ سَمْعِي فَظَنَّ أَنِّي أَبِيعُهُ دِينِي وَ أَتَّبِعُ قِيَادَهُ مُفَارِقًا طَرِيقَتِي فَأَحْمَيْتُ لَهُ حَدِيدَةً ثُمَّ أَدْنَيْتُهَا مِنْ جِسْمِهِ لِيَعْتَبَرَ بِهَا فَضَجَّ ضَجِيجَ ذِي دَنْفٍ مِنَ الْهَمِّ وَ كَادَ أَنْ يَحْتَرِقَ مِنْ مَيْسَمِهَا فَقُلْتُ لَهُ تَكَلَّتْكَ الثَّوَاكِلُ يَا عَقِيلُ أَتَنْتُ مِنْ حَدِيدَةٍ أَحْمَاهَا إِنْسَانُهَا لِلْعَبَةِ وَ تَجَرَّنِي إِلَى نَارِ سَجَرِهَا جَبَّارُهَا لِعُزْبِهِ أَتَنْتُ مِنَ الْأَذَى وَ لَا أَتْنُ مِنْ لَظْيٍ وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ طَارِقُ طَرَفَنَا بِمَلْفُوفَةٍ فِي وَعَائِهَا وَ مَعْجُونَةٍ شَنَّتْهَا كَأَنَّمَا عُجْنَتْ بِرَيْقِ حَيَّةٍ أَوْ قَيْهًا فَقُلْتُ أَمْ صَلَّةٌ أَمْ زَكَاةٌ أَمْ صَدَقَةٌ فَذَلِكَ مُحَرَّمٌ عَلَيْنَا أَهْلُ الْبَيْتِ فَقَالَ لَا ذَا وَ لَا ذَاكَ وَ لَكِنَّهَا هَدِيَّةٌ فَقُلْتُ هَبْلَتَكَ الْهَبُولُ أَعَنْ دِينَ اللَّهِ أَتَيْتَنِي لَتُخَدَعَنِي أَمْ مُحْتَبِطُ أَنْتَ أَمْ دُوْ جَنَّةٌ أَمْ تَهْجُرُ وَ اللَّهُ لَوْ أُعْطِيتُ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلاكَهَا عَلَى أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمَلَةٍ أَسْلَبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتَهُ وَ إِنْ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرْقَةٍ فِي فَمٍ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا مَا لِعَلِيٍّ وَ لِنَعِيمٍ يَفْنَى وَ لَذَّةٍ لَا تَبْقَى نَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلَلِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ.

ترجمه:

به خدا قسم اگر شب را به بیداری به روی خار سعدان به روز آرم، و با قرار داشتن غلها و بندها به بدنم روی زمین کشیده شوم، پیش من محبوبتر است از اینکه خدا و رسولش را در قیامت ملاقات کنم در حالی که به بعضی از مردم ستم نموده، و چیزی از مال بی ارزش دنیا غصب کرده باشم. چگونه به کسی ستم کنم برای وجودی که به سرعت به سوی کهنگی و پوسیدگی پیش می‌رود، و اقامتش در زیر توده خاک طولانی می‌شود. به خدا قسم عقیل را در اوج فقر دیدم که یک من گندم از بیت المال شما را از من درخواست داشت، و کودکش را از پریشانی فقر با موهای غبار آلود و رنگهای تیره دیده که گویی صورتشان را با نیل سیاه کرده بودند، عقیل به درخواستش اصرار، و سخنش را تکرار می‌کرد، من به گفتارش توجه می‌کردم، و او خیال می‌کرد که دینم را به او فروخته، و از راه و روشم دست برداشته و به خواسته‌اش تن می‌دهم، در این اثنا آهن پاره‌ای را گداخته و به بدن او نزدیک کردم تا مایه عبرتش شود، ناگهان چون ناله بیمار از حرارت آن آهن پاره ناله زد، و نزدیک بود از آن آهن گداخته بسوزد، به او گفتم: مادران داغدار بر تو بگریند ای عقیل، آیا تو در برابر آهن پاره‌ای که انسانی آن را به شوخی و بازی بر افروخته ناله می‌زنی، ولی مرا به جانب آتشی که خداوند قهار به جهت خشم خود افروخته می‌کشانی آیا تو از این درد اندک ناله بزنی، و من از آتش سوزنده جهنم ناله نزنم. از سرگذشت عقیل عجیب‌تر برنامه شخصی است که به تاریکی شب با ارمغانی در ظرف بسته، و حلوانی که آن را خوش نداشتم و به آن بد بین بودم به طوری که انگار می‌کردی آن را با آب دهان یا استفراغ مار ساخته‌اند نزد من آمد، به او گفتم: این صله است یا زکات یا صدقه اینها که بر ما اهل بیت حرام است. گفت: نه این است و نه آن، بلکه هدیه است. گفتم: مادرت به عزایت بنشیند، آمده‌ای از راه دین خدا فریبم دهی یا دستگاه فکر و اندیشه‌ات به هم خورده، یا دیوانه‌ای و یا بیهوده گویی. به خدا قسم اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمانهای آنهاست به من بدهند تا خداوند را با ربودن پوست جوی از دهان مورچه‌ای معصیت کنم به چنین کاری دست نمی‌زنم و بی‌شک دنیای شما نزد من از برگی که در دهان ملخی است و آن را می‌جود خوارتر است. علی را با نعمتی که از دست می‌رود و لذتی که باقی نمی‌ماند چکار از خواب عقل، و زشتی لغزش به خدا پناه می‌بریم، و از او یاری می‌طلبیم.

(نهج البلاغه، نامه ۲۱)

«دع الاسراف مقتصدا، و اذكر في اليوم غدا، و امسك من المال بقدر ضرورتك، و قدم الفضل ليوم حاجتك».

نهج البلاغه صبحی صالح / ۴۹

إِلَى أَنْ قَامَ ثَالِثُ الْقَوْمِ نَافِجاً حَضْنِيهِ بَيْنَ نَثِيلِهِ وَ مُعْتَلِفِهِ وَ قَامَ مَعَهُ بَنُو أَبِيهِ يَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ - [خَضُمَ] خِضْمَةً الْإِبِلِ نَبْتَةُ الرَّبِيعِ
إِلَى أَنْ ائْتَكَّتْ عَلَيْهِ قَتْلُهُ وَ أَجْهَزَ عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَ كَبَتْ بِهِ بَطْنَتُهُ

تا آن که سومی به خلافت رسید، دو پهلوی از پرخوری باد کرده، همواره بین آشپزخانه و دستشویی سرگردان بود، و خویشاوندان پدری او از بنی امیه به پاخواستند و همراه او بیت المال را خوردند و بر باد دادند، چون شتر گرسنه‌ای که بجان گیاه بهاری بیفتد، عثمان آنقدر اسراف کرد که ریسمان بافته او باز شد و اعمال او مردم را برانگیخت، و شکم بارگی او نابودش ساخت.

با مسئولان دیگر وحدت را حفظ کنند و با هم خوب باشند.

کلام امام خمینی:

امروز تبلیغات علیه من و شما نیست، تبلیغات علیه اسلام است. اگر ما با اسلام کاری نداشتیم کسی با ما بد نبود. امروز امریکا و شوروی را که آن قدر در دنیا فساد می‌کنند کسی محکوم نمی‌کند، ولی تمام محکومیتها مال ماست. در دنیا تنها ایران است که مورد سؤال است؛ ولی اگر ما وحدت خودمان را حفظ کنیم و همصدا و همجهت باشیم از هیچ چیز نباید بترسیم. مهم این است که با هم خوب باشید و تصمیم داشته باشیم که مستقل و آزاد حرکت کنیم و مطمئن باشید که می‌توانید. ترس آن موقعی است که رؤسا با هم اختلاف داشته باشند و مردم در صحنه نباشند، که بحمد الله امروز، هم مردم در صحنه هستند، هم همه دست‌اندرکاران با هم خوب هستند^{۱۰۳}. اختلاف نداشته باشید در امور. اختلاف همیشه ناشی از جهات نفسانی است. اگر همه انبیا الآن در اینجا جمع بشوند، اختلاف ندارند. برای آنکه، آن جهات نفسانی را ندارند.

آن وقت که یک طرف جهت نفسانی دارد و یا هر دو طرف جهت نفسانی دارند، آن وقت اختلافات پیدا می‌شود. کوشش کنید که آن جهات نفسانی بازی‌تان ندهد که منشأ مناقشه و اختلاف شود. و در روزنامه‌ها این اختلافات منعکس شود و یا در جاهای دیگر صحبت شود. یک مملکتی که گرفتار است در مقابل اجانب و در معرض خطر است و باید با همت خود مردم این مملکت مستقر شود و اساسش درست شود، اگر اشخاص بخواهند با تفرقه و تشتت این مملکت را از باطن پوسیده کنند، قهراً به چنگ دیگران خواهد افتاد^{۱۰۴}.

کلام امام خامنه‌ای:

^{۱۰۳} -در جمع فقهای شورای نگهبان ۱۳۶۲/۲/۲۸ - صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۴۴۱

^{۱۰۴} -در جمع جامعه قضات ۱۳۶۷/۱۲/۳ - صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۲۱۴

مسئولین جمهوری اسلامی اگر صد تا هم با هم اختلاف داشته باشند، در ایستادگی در مقابل دشمن، در حفظ استقلال این کشور، همه با هم یک کلام و یک دست‌اند. این را دشمنان بدانند؛ خیال نکنند که میتوانند بین ملت انشقاق بیندازند.^{۱۰۵}

مستندات قرآنی:

المائدة، الجزء ۶، الصفحة: ۱۰۶، الآية: ۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوا عَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی‌نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صید کردن برای شما مانعی ندارد. و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است! (۲)

الأنفال، الجزء ۱۰، الصفحة: ۱۸۳، الآية: ۴۶

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾
(فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است! (۴۶)

مستندات روایی:

از مستندات مربوط به بحث وحدت می توان در اینجا هم استفاده کرد.

وحدت

کلام امام خمینی:

^{۱۰۵} - بیانات در دیدار جمعی از مردم در سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) - ۱۵ تیر ۸۸

اختلاف نداشته باشید در امور. اختلاف همیشه ناشی از جهات نفسانی است. اگر همه انبیا الآن در اینجا جمع بشوند، اختلاف ندارند. برای آنکه، آن جهات نفسانی را ندارند.

آن وقت که یک طرف جهت نفسانی دارد و یا هر دو طرف جهت نفسانی دارند، آن وقت اختلافات پیدا می شود. کوشش کنید که آن جهات نفسانی بازی تان ندهد که منشأ مناقشه و اختلاف شود. و در روزنامه ها این اختلافات منعکس شود و یا در جاهای دیگر صحبت شود. یک مملکتی که گرفتار است در مقابل اجانب و در معرض خطر است و باید با همت خود مردم این مملکت مستقر شود و اساسش درست شود، اگر اشخاص بخواهند با تفرقه و تشتت این مملکت را از باطن پوسیده کنند، قهراً به چنگ دیگران خواهد افتاد^{۱۰۶}.

ما برادری خودمان را به برادران اهل سنت اعلام می کنیم. دشمنان اسلامند که می خواهند ما را با برادرهای خودمان مختلف کنند. دشمنهای اسلام یا گول خورده های از آنها هستند که در این وقت مخالفت ما بین دو دسته را اعلام می کنند. ما اعلام می کنیم وحدت کلمه مسلمین را. اگر مسلمین وحدت کلمه داشتند، امکان نداشت اجانب بر آنها تسلط پیدا بکنند. این تفرقه در بین مسلمین است که باعث شده است که اجانب بر ما تسلط پیدا بکنند. این تفرقه مسلمین است که از اول با دست اشخاص جاهل تحقق پیدا کرد، و الآن هم ما گرفتار هستیم. واجب است بر همه مسلمین که با هم باشند. یک زمان حساسی است؛ ما بین حیات و موت مردد هستیم. ما الآن مملکتمان یا باید تا ابد زیر یوغ استعمار و استبداد باشد، یا باید الآن از این یوغ خارج بشود. اگر وحدت کلمه را حفظ نکنید، تا آخر باید مبتلا باشید^{۱۰۷}.

اگر ان شاء الله آن وحدت بین مسلمین و دولتهای کشورهای اسلامی که خداوند تعالی و رسول عظیم الشانش خواسته اند و امر به آن و اهتمام در آن فرموده اند حاصل شود، دولتهای کشورهای اسلامی با پشتیبانی ملتها می توانند یک ارتش مشترک دفاعی بیش از صد میلیونی تعلیم دیده ذخیره و یک ارتش ده ها میلیونی زیر پرچم داشته باشند، که بزرگترین قدرت را در جهان به دست آورند. و اکنون که این حاصل نیست، دولتهای اسلامی منطقه و حواشی آن می توانند یک ارتش ذخیره ده ها میلیونی و یک ارتش بیش از ده میلیونی تحت پرچم برای دفاع از کشورهای اسلامی داشته باشند، که این نیز فوق قدرتهاست. و امید است دولتهای منطقه، با قطع نظر از زبان و نژاد و مذهب، فقط تحت پرچم اسلام در این امر فکر کنند و طرح آن را بریزند؛ و از ننگ خضوع در برابر ابرقدرتها نجات یابند، و شیرینی استقلال و آزادی را بچشند. و برای به دست آوردن چنین قدرتی لازم است هر یک از دولت ها با تفاهم با ملت خود برای دفاع از کشورشان یک چنین طرح حیات بخشی را در دست مطالعه قرار دهند؛ و از کشور اسلامی ایران در این امر که مدافع کشورهای خود و برادران اسلامی خویش است الهام بگیرند^{۱۰۸}.

^{۱۰۶} در جمع جامعه قضات ۱۳۶۷/۱۲/۳ - صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۲۱۴

^{۱۰۷} در جمع طلاب و کارکنان شرکت نفت ۱۳۵۷/۱۱/۱۷ - صحیفه امام، ص ۸۳

^{۱۰۸} - پیام به مسلمانان ایران و جهان ۱۳۶۲/۶/۱۲ - صحیفه امام ج ۱۸ ص ۹۴

آقایان وزرا، من به شما و به نمایندگان محترم نصیحت می‌کنم که سیاستهای یکدیگر را تضعیف و یا تخریب نکنید؛ که اگر وحدت روش و حرکت در نظام نوپای اسلامی صدمه ببیند، نتایجی که دنیای استکبار از این برخوردها می‌گیرد بسیار شکننده است. کاری نکنیم که دنیا فکر کند نظام اسلامی ایران با این اختلاف سلیقه‌ها و با این ابراز اختلافها هیچ گاه راه ثبات را نخواهد پیمود^{۱۰۹}.

از تضعیف وحدت ملی جلوگیری کند:

بین خودتان برادر باشید، حفظ کنید این برادری را، با حفظ برادری شما به اینجا رسیدید و با حفظ برادری باید جلو بروید. اگر خدای نخواستہ خللی حاصل بشود در این برادری، چه در خود تهران، چه در خارج تهران، هر جا باشد، چه بین روحانیون، چه بین مردم، چه بین جناحهایی که هستند، اگر - خدای نخواستہ - یک وقت یک خللی واقع بشود شکست همراه اوست. شما فکر این را بکنید که حافظ اسلامید، نه حافظ خود. شما باید حفظ اسلام را بکنید، آن هم نه در زمان خود، همان طوری که انبیاء عظام دنبال این بودند که بعد از خودشان تا آخر حافظ باشند، تکلیف است برای همه ما که ما این جمهوری که به اینجا رسیده است تا آخر حفظ کنیم. تا آخر حفظ کردن این است که هر روز محکم کنیم برادری خودمان را، سر اغراض جزئی که زود می‌گذرد، لطمه‌ای خدای نخواستہ به اسلام وارد نکنیم، لطمه‌ای به جمهوری اسلام وارد نکنیم. اشکال اگر هست به من و دیگران، اشکال را باید گفت، لکن نباید تضعیف کرد دولت را، نباید تضعیف کرد قوه مقننه را، قوه قضاییه را، روحانیت را، اینها جرم است، اینها گناه نابخشودنی است. شما توجه باید بکنید، ملت ما توجه بکنند که یک ملت با هم، هیچ قوه‌ای بر آنها غلبه نخواهد کرد. هیچ قوه‌ای نمی‌تواند بر یک ملتی که همراه هم هستند و با هم هستند، هیچ قدرتی نمی‌تواند با او مقابله کند و لہذا، شیاطین در پی این هستند که از این راه پیش بروند که بین جناحها اختلافی ایجاد کنند، اعتنا نکنید به این شیاطین، در شهرها اعتنا نکنند آقایان به شیاطینی که می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند.^{۱۱۰}

اختلاف نداشته باشید در امور. اختلاف همیشه ناشی از جهات نفسانی است. اگر همه انبیا الآن در اینجا جمع بشوند، اختلاف ندارند. برای آنکه، آن جهات نفسانی را ندارند. آن وقت که یک طرف جهت نفسانی دارد و یا هر دو طرف جهت نفسانی دارند، آن وقت اختلافات پیدا می‌شود. کوشش کنید که آن جهات نفسانی بازی‌تان ندهد که منشأ مناقشه و اختلاف شود. و در روزنامه‌ها این اختلافات منعکس شود و یا در جاهای دیگر صحبت شود. یک مملکتی که گرفتار است در مقابل اجانب و در معرض خطر است و باید با همت خود مردم این مملکت مستقر

^{۱۰۹} پیام به نخست وزیر و هیئت دولت ۶۷/۳/۲۲ - صحیفه امام ج ۲۱ ص ۶۵

^{۱۱۰} - در جمع مسئولان نظام ۱۳۶۵/۳/۱۹ - صحیفه امام ج ۲ ص ۵۶

شود و اساسش درست شود، اگر اشخاص بخواهند با تفرقه و تشتت این مملکت را از باطن پوسیده کنند، قهراً به جنگ دیگران خواهد افتاد.^{۱۱۱}

کلام امام خامنه ای:

ما در جمهوری اسلامی این هفته را، یعنی از دوازدهم تا هفدهم [ربیع الاول] را، به عنوان هفته ی وحدت نامگذاری کرده ایم. این یک نامگذاری محض نیست، یک حرکت سیاسی و تاکتیکی هم نیست؛ این یک اعتقاد و ایمان قلبی است. جمهوری اسلامی به معنای واقعی کلمه معتقد به لزوم اتحاد امت اسلامی است. این [کار] سابقه هم دارد؛ یعنی مخصوص زمان ما و دوران جمهوری اسلامی نیست. مرجع بزرگی مثل مرحوم آیت الله بروجردی که مرجع کلّ دنیای شیعه در زمان جوانی ما بود، طرف دار جدّی وحدت اسلامی بودند، طرف دار جدّی تقریب مذاهب اسلامی بودند؛ با بزرگان علمای دنیای اسلام و اهل سنت مراوده داشتند، گفتگو داشتند؛ این یک اعتقاد است، یک اعتقاد قلبی و عمیق است. بعضی ها تصوّر میکنند یا وانمود میکنند که این یک تاکتیک سیاسی است؛ نه، این جور نیست؛ این یک ایمان قلبی است؛ معتقدیم به این و معتقدیم که خدای متعال این را از ما خواسته است.^{۱۱۲}

یکی از اساسی ترین کارها حفظ اتحاد و وحدت کلمه است. اتحاد ملت مراقب باشند به خاطر اختلاف نظرهای کوچک و اختلاف سلیقه های کوچک، در مقابل هم قرار نگیرند. بدانند که قدرت این ملت در اتحاد است؛ اتحاد اتحاد مردم، اتحاد گروه های اجتماعی گوناگون، اتحاد اقوام مختلفی که در کشور زندگی میکنند، اتحاد مسئولین کشور با مردم، مردم با مسئولین کشور؛ این است که به این کشور اقتدار میبخشد و تا حالا اقتدار بخشیده و بحمدالله این اقتدار هست؛ این [اقتدار] را حفظ کنند.^{۱۱۳}

ما در دنیای اسلام بایستی در همه ی علوم، همه ی علوم تمدّن ساز -از علوم عقلی تا مجموعه ی علوم انسانی و اجتماعی، تا علوم طبیعی- حرکت جدّی ای را برای پیشرفت آغاز کنیم، و میتوانیم. یک روزی دنیای اسلام در قله ی تمدّن بشری قرار داشته است؛ چرا آن نباید تکرار بشود، چرا نباید ما امروز هم کاری کنیم که در یک زمان مناسبی - تا چهل سال دیگر، تا پنجاه سال دیگر- امت اسلامی در قله ی تمدّن انسانی قرار بگیرد؟ چه اشکالی دارد؟ باید حرکت کنیم. این کار حکومتها و کار نخبگان است؛ هم حکومت های اسلامی موظّفند، هم نخبگان دنیای اسلام موظّفند؛ علما، روشنفکران، نویسندگان، شاعران، هنرمندان در دنیای اسلام باید یک حرکت عظیم فکری و یک خواست عمومی به وجود بیاورند برای پیشرفت علمی و رسیدن به قله ی علم و دانش، و این کار، امروز ممکن است.^{۱۱۴}

امروز دنیای اسلام به این اتحاد و این همدلی بشدتّ نیازمند است. امروز پیکر دنیای اسلام زخم خورده است؛ امروز دشمنان اسلام توانسته اند با ایجاد جنگ و خلاف در بین خود مسلمین، آنها را فُشل کنند، آنها را مشغول به خود

^{۱۱۱} - در جمع جامعه قضات ۱۳۶۷/۱۲/۳ - صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۲۱۴

^{۱۱۲} - بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی - ۲۴ آبان ۹۹

^{۱۱۳} - بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان - ۱۱ اردیبهشت ۹۸

^{۱۱۴} - بیانات در دیدار شرکت کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی» - ۲۲ اردیبهشت ۹۷

کنند و دشمنان آنها را در حاشیه‌ی امن نگه دارند. در منطقه‌ی غرب آسیا، رژیم غاصب صهیونیست در امنیت به سر برد، [ولی] مسلمانها به جان هم بیفتند! این حقیقت و واقعیتی است که امروز وجود دارد؛ و این کار، کار دشمنان اسلام است؛ کار آمریکا است، کار صهیونیسم بین‌المللی است، و کار ادامه‌های آنها و همکاران آنها در این منطقه است. با کمال تأسف باید قبول کنیم که در درون خود امت اسلامی و دولتهای اسلامی، کسانی هستند که همان کاری را که آمریکا میخواهد و صهیونیست میخواهد، انجام میدهند؛ مخارجش را عهده‌دار میشوند، مقدماتش را فراهم میکنند، ابزار آنها میشوند؛ برای چه؟ برای جراحت وارد کردن بر پیکر امت اسلامی. در یک چنین شرایطی اتحاد امت اسلامی اوجب واجبات است؛ باید دور هم جمع بشویم.^{۱۱۵}

مستندات قرآنی:

طه، الجزء ۱۶، الصفحة: ۳۱۸، الآية: ۹۲

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿٩٢﴾

(موسی) گفت: «ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند... (۹۲)

أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾

از من پیروی نکردی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟! (۹۳)

قَالَ يَا ابْنَ أُمِّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿٩٤﴾

(هارون) گفت: «ای فرزند مادرم! [ای برادر!] ریش و سر مرا مگیر! من ترسیدم بگویم تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نبستی!» (۹۴)

آل عمران، الجزء ۴، الصفحة: ۶۳، الآية: ۱۰۳

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ
بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾

و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید!

^{۱۱۵} - بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس «محبان اهل بیت (ع) و مسئله تکفیری‌ها» - ۲ آذر ۹۶

و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید. (۱۰۳)

الأنعام ، الجزء ۸ ، الصفحة: ۱۵۰ ، الآية: ۱۵۹

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا أَلَسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِيَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٥٩﴾

کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به دسته‌های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه‌ای با آنها نداری! سر و کار آنها تنها با خداست؛ سپس خدا آنها را از آنچه انجام می‌دادند، با خبر می‌کند. (۱۵۹)

الشورى ، الجزء ۲۵ ، الصفحة: ۴۸۴ ، الآية: ۱۳

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾

آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و هر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می‌کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند. (۱۳)

آل عمران ، الجزء ۳ ، الصفحة: ۵۸ ، الآية: ۶۴

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾

بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را-غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد.» هر گاه (از این دعوت)، سرباز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم!» (۶۴)

البقرة ، الجزء ۲ ، الصفحة: ۳۳ ، الآية: ۲۱۳

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾

مردم (در آغاز) يك دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند؛ تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آنهایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (اما افراد بی‌ایمان، هم چنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند. (۲۱۳)

تقریب:

قرآن کریم حفظ وحدت و پیشگیری از هرگونه تفرقه را فلسفه تشریع دین و بعثت پیامبران معرفی کرده، می‌فرماید: «مردم امتی یگانه بودند، سپس خداوند پیامبران را مژده رسان و بیم دهنده برانگیخت و به همراه آنان، کتاب را به حق نازل کرد تا میان مردم در آن چه که اختلاف داشتند داوری کند.

الأنفال ، الجزء ١٠، الصفحة: ١٨٣، الآية: ٤٦

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾
(فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است! (۴۶)

تقریب:

قرآن کریم اختلاف و تفرقه را عامل ضعف مسلمین و از بین رفتن عظمت و شوکت مسلمین دانسته و هشدار می‌دهد.

الحجرات ، الجزء ٢٦، الصفحة: ٥١٦، الآية: ١٠

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٠﴾

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید!
(۱۰)

البقرة، الجزء ۲، الصفحة: ۳۲، الآية: ۲۰۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٠٨﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآیید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست (۲۰۸)

آل عمران، الجزء ۴، الصفحة: ۶۳، الآية: ۱۰۳

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾

و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید. (۱۰۳)

مستندات روایی:

نهج البلاغه للصبحی صالح ص ۱۸۴: ۱۲۷

و من کلام له ع و فيه يبين بعض أحكام الدين و يكشف للخوارج الشبهة و ينقض حكم الحكمين:

فَإِنْ أَيْتَمَ إِلَّا أَنْ تَزْعُمُوا أَنِّي أَخْطَأْتُ وَضَلَلْتُ فَلَمْ تُضَلِّلُونِ عَامَّةً أُمَّةً مُحَمَّدٌ ص بَضَلَالِي وَتَأْخُذُونَهُمْ بِخَطِيئِي وَتُكْفِرُونَهُمْ بِذُنُوبِي سَيُوفِكُمْ عَلَى عَوَاتِقِكُمْ تَضَعُونَهَا مَوَاضِعَ الْبُرِّ وَالسُّقْمِ وَتَخْلُطُونَ مَنْ أَذْنَبَ بِمَنْ لَمْ يَذْنِبْ وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص رَجَمَ الزَّانِيَ الْمُحْصَنَ ثُمَّ صَلَّى عَلَيْهِ ثُمَّ وَرِثَهُ أَهْلُهُ وَقَتْلَ الْقَاتِلِ وَوَرِثَ مِيرَاثَهُ أَهْلُهُ وَقَطَعَ [يَدَ] السَّارِقِ وَجَلَدَ الزَّانِيَ غَيْرَ الْمُحْصَنِ ثُمَّ قَسَمَ عَلَيْهِمَا مِنَ الْفَيْءِ وَنَكَحَا الْمُسْلِمَاتِ فَأَخَذَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ص بِذُنُوبِهِمْ وَأَقَامَ حَقَّ اللَّهِ فِيهِمْ وَلَمْ يَمْنَعْهُمْ سَهْمَهُمْ مِنَ الْإِسْلَامِ وَلَمْ يُخْرِجْ أَسْمَاءَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَهْلِهِ ثُمَّ أَنْتُمْ شَرَارُ النَّاسِ وَمَنْ رَمَى بِهِ الشَّيْطَانُ مَرَامِيَهُ وَضَرَبَ بِهِ تِيهَهُ وَسَيَّهَلَكَ فِي صَنْفَانٍ مُحَبَّبٍ مُقَرَّبٍ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَمُبْغِضٍ مُقَرَّبٍ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَخَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ النَّمَطِ الْأَوْسَطِ فَالْزَمُوهُ

وَالزُّمُو السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ

نهج البلاغة (للصباحي صالح)، ص: ۱۸۵

أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَأَقْتُلُوهُ وَلَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ فَإِنَّمَا حُكِّمَ ۱۱۳ الْحُكَمَانِ لِيُحْيَا مَا أَحْيَا الْقُرْآنُ وَيُمِيتَا مَا أَمَاتَ الْقُرْآنُ وَإِحْيَاؤُهُ الْاجْتِمَاعُ عَلَيْهِ وَإِمَاتَتُهُ الْإِفْتِرَاقُ عَنْهُ فَإِنْ جَرْنَا الْقُرْآنَ إِلَيْهِمْ اتَّبَعْنَاهُمْ وَإِنْ جَرَّهُمْ إِلَيْنَا اتَّبَعُونَا فَلَمْ آتَ لَّا أَبَا لَكُمْ بُجْرًا وَلَا خَتَلْتُكُمْ إِنْ أَمَرَكُمْ وَلَا كَبَسْتُهُ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا اجْتَمَعَ رَأْيُ مَلَائِكُمْ عَلَى اخْتِيَارِ رَجُلَيْنِ أَخَذْنَا عَلَيْهِمَا أَلَّا يَتَعَدَّيَا الْقُرْآنَ فَتَاهَا عَنْهُ وَتَرَكَمَا الْحَقَّ وَهُمَا يُبْصِرَانِهِ وَكَانَ الْجَوْرُ هَوَاهُمَا فَمَضِيَا عَلَيْهِ وَقَدْ سَبَقَ اسْتِثْنَاؤُنَا عَلَيْهِمَا فِي الْحُكُومَةِ بِالْعَدْلِ وَالصَّمَدِ لِلْحَقِّ سُوءَ رَأْيِهِمَا وَجَوْرَ حُكْمِهِمَا

أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص: ۴۴۰

باب ما جعل الله تعالى بين المؤمنين من الإخاء و الحقوق

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ إِذَا ضَرَبَ [عَلَى] رَجُلٌ مِنْهُمْ عِرْقَ سَهْرٍ الْآخَرُونَ لَأَنَّ أَرْوَاحَهُمْ وَاحِدَةٌ. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ الْأَرْوَاحَ جُنُودَ مُجَنَّدَةٍ تَلْتَقِي فَتَشَامُ كَمَا تَشَامُ الْخَيْلُ فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا اثْتَلَفَ وَمَا تَنَافَرَ مِنْهَا اخْتَلَفَ وَلَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا دَخَلَ مَسْجِدًا فِيهِ أَنَاسٌ كَثِيرٌ لَيْسَ فِيهِمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَاحِدٌ إِلَّا مَالَتْ نَفْسُهُ إِلَى ذَلِكَ الْمُؤْمِنِ حَتَّى يَجْلِسَ إِلَيْهِ. وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْتَرِيحُ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْتَرِيحُ الطَّيْرُ إِلَى شَكْلِهِ. وَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي إِثَارِهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ كَمِثْلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ ثُمَّ قَالَ لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ.

نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول صلى الله عليه وآله)، ص: ۳۹۶

التَّحَدَّثُ بِنَعَمِ اللَّهِ شُكْرٌ وَتَرْكُهُ كُفْرٌ وَمَنْ لَا يَشْكُرُ الْقَلِيلَ لَا يَشْكُرُ الْكَثِيرَ وَمَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ لَا يَشْكُرُ اللَّهَ وَالْجَمَاعَةُ خَيْرٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ

نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول صلى الله عليه وآله)، ص: ۲۱۱

استووا ولا تختلفوا فتختلف قلوبكم.

(نهج البلاغه، نامه ۴۷)

قال الامام على (عليه السلام): و عليكم بالتواصل و التبادل و اياكم و التدابر و التقاطع. امام على (عليه السلام) در وصيت به حسنين (عليهما السلام) می فرماید: و بر شما باد به ارتباط و بذل و بخشش و دوری گزیدن از جدائی و پشت کردن به یکدیگر.

(الكافي، جلد ۲، ص ۳۴۵)

قال الباقر (عليه السلام): يا معشر المؤمنين تألفوا و تعاطفوا. امام محمد باقر (عليه السلام) فرمود: هان ای گروه مؤمنان، مانوس و متحد باشید و به هم مهربانی کنید.

(نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

قال الامام علي (عليه السلام): «فی ذم أهل الرأي» وإلههم واحد و نبیهم واحد و کتابهم واحد فأمرهم الله سبحانه بالاختلاف فأطاعوه أم نهامهم عنه فعصوه؟

امام علی (علیه السلام) فرمود: خدا یکی، پیامبر یکی، و کتاب یکی است. آیا آنها را خداوند به اختلاف و دو دستگی فرمان داده و او را اطاعت می کنند؟ یا آنها را از اختلاف نهی کرده و فرمانش را سرپیچی می کنند؟

(کشف الغمّة، جلد ۲، ص ۱۰۹)

قالت فاطمة الزهراء (عليها السلام): و طاعتنا نظاما للملّة و امامتنا لما للفرقة و الجهاد عز الاسلام.

فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمود: پیروی از ما «اهل بیت» نظام امت، و رهبری ما عامل وحدت، و جهاد مایه عزت و سربلندی اسلام است.

(نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶)

قال الإمام علي (عليه السلام): و مكان القيم بالامر مكان النظام من الخرز يجمعه و يضمه فإذا انقطع النظام تفرق الخرز و ذهب ثم لم يجتمع بحذافيه أبدا.

امام علی (علیه السلام) فرمود: جایگاه رهبر و سرپرست در اجتماع، جایگاه رشته ای است که دانه ها را بهم پیوند داده و جمع می کند، و آنگاه که آن رشته بگسلد، دانه ها پراکنده گشته و هرگز تمام آنها جمع نخواهند شد.

(کافی، جلد ۱، ص ۲۰۰)

قال الإمام الرضا (عليه السلام): إن الإمامة زمام الدين و نظام المسلمين و صلاح الدنيا و عز المؤمنين، ان الإمامة أس الإسلام النامي و فرعه السامي

امام رضا (علیه السلام) فرمود: امامت، زمام دین و مایه نظام و تشکیلات مسلمانان و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است. رهبری، پایه بالنده اسلام و شاخه بلند آن است.

(کافی، جلد ۱، ص ۴۰۴)

قال النبي (صلى الله عليه و آله و سلم): المؤمنون إخوة تتكافؤ دماؤهم و هم يد على من سواهم.

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مؤمنان با هم برادرند و خونشان برابر است و در برابر دشمن متحد و یکپارچه اند.

(نهج الفصاحه، حدیث ۳۱۰۳)

قال النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): المؤمن للمؤمن کالبنيان المرصوص یشد بعضه بعضا.
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنای استواری است که اجزای آن، یکدیگر را استحکام می بخشند.

(بحار الانوار، جلد ۷۱، ص ۳۹۳)

قال النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): خیر المؤمنین من کان مألّفه للمؤمنین و لا خیر فیمن لایألف و لا یؤلف.
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: بهترین مؤمنان، کسی است که محور الفت مؤمنان باشد، کسی که انس نگیرد و با دیگران مانوس نشود خیری ندارد.

(نهج البلاغه، وصیت ۱۱)

قال الامام علی (علیه السلام): ایاکم و التفرق فإذا نزلتم فانزلوا جميعا و إذا ارتحلتم فارتحلوا جميعا.
امام علی (علیه السلام) فرمود: از تفرقه و جدایی پرهیزید، سپس هرگاه در جائی فرود آمدید، همگی فرود آئید و هرگاه کوچ کردید، با هم کوچ کنید.

(کنز العمال، حدیث ۸۹۴)

قال النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): لا تختلفوا، فإن من کان قبلكم اختلفوا فهلکوا.
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اختلاف نکنید، آنان که قبل از شما بودند اختلاف کردند و هلاک شدند.

(کافی، جلد ۱، ص ۴۰۵)

قال الإمام الصادق (علیه السلام): من فارق جماعة المسلمين و نکث صفقة الامام جاء إلى الله أجذم.
امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس از جماعت مسلمین جدا شود و عهد و پیمان خود را با رهبر بشکند، دست بریده محشور خواهد شد.

(نهج البلاغه حکمت ۲۱۵)

قال الإمام علی (علیه السلام): الخلاف یهدم الرأى.
امام علی (علیه السلام) فرمود: اختلاف، بنیاد «اندیشه درست» را درهم می ریزد.

از متخصصین متعهد مسلمان استفاده کند.

کلام امام خمینی:

لازم است از نیروهای متعهد و متخصص مسلمان، جهت خودکفایی و استقلال هر چه بیشتر استفاده شود. به این معنا که ما بایستی استقلال فکری داشته باشیم و بحمد الله مقدار زیادی حاصل شده و باورمان بشود که خودمان می‌توانیم بسازیم. آنهایی که الآن در دنیا فعالیت و اختراع می‌کنند، همه هم‌نوع و انسان هستند.^{۱۱۶}

مقام خطیر است و خطر بزرگ، به خدا باید پناه برد و از او استمداد کرد. همه دست‌اندرکاران - بویژه رئیس جمهور - باید از چالوسان دغلباز و زبان‌بازان حيله‌گر بر حذر باشند و مشاوران خود را از اشخاص سابقه‌دار که تعهدشان قبل از انقلاب مشهود بوده است، انتخاب کنند. بسا که منحرفان و منافقان، خود را با ظاهری آراسته به تقوا جا بزنند و با دست ما به اسلام و کشور اسلامی صدمه زنند.^{۱۱۷}

کلام امام خامنه‌ای:

سرمایه‌های ما افزایش پیدا کرده است؛ زیرا مهمترین سرمایه یک کشور و یک نظام، نیروی انسانی است. امروز ما صدها برابرِ اوایل انقلاب، انسانهای متخصص و متعهد و کارآمد در بخشها و نقاط مختلف کشورمان داریم که اینها محصول دوران انقلابند؛ انسانهای باایمانی که حاضرند همه وجود و توان علمی و انسانی خود را برای کشور و انقلاب و مردم نثار کنند. اوّل انقلاب، نیروهایی که در بخشهای مختلف دارای تخصص باشند، بسیار محدود بودند؛ اما امروز در دانشگاهها و حوزه‌های علمیه و نیروهای نظامی و در بخشهای مختلف مدیریت کشوری ما، انسانهای فراوانی از این قبیل هستند. این افزایش سرمایه است. امروز نسل جوان ما چند برابر نسل جوان این کشور در اوّل انقلاب است. این یک سرمایه است و باید به چشم افزایش سرمایه به آن نگاه شود. البته سرمایه وسیله‌ای است که کارآمدان و مدیران لایق و قابل‌میتوانند به سود مردم و کشور از آن استفاده کنند. سرمایه، شرط لازم است؛ اما شرط کافی نیست.^{۱۱۸}

مستندات قرآنی:

تعهد:

الأعراف، الجزء ۹، الصفحة: ۱۶۵، الآية: ۱۲۸

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾

^{۱۱۶} در جمع مسئولان وزارت راه و ترابری ۱۳۶۱/۲/۹ - صحیفه امام ج ۱۶ ص ۲۳۱

^{۱۱۷} - تنفیذ حکم ریاست جمهوری - ۱۳ شهریور ۶۴

^{۱۱۸} - بیانات در دیدار مردم اصفهان - ۸ آبان ۸۰

موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جوید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد، واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!» (۱۲۸)

یوسف ، الجزء ۱۳ ، الصفحة: ۲۴۶ ، الآية: ۹۰

قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

﴿۹۰﴾

گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟!» گفت: «(آری)، من یوسفم، و این برادر من است! خداوند بر ما منت گذارد؛ هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می‌شود؛) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!» (۹۰)

تخصص و تعهد:

القصص ، الجزء ۲۰ ، الصفحة: ۳۸۸ ، الآية: ۲۶

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾

یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است)!» (۲۶)

النمل ، الجزء ۱۹ ، الصفحة: ۳۸۰ ، الآية: ۳۹

قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿٣٩﴾

عفریتی از جن گفت: «من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از آنکه از مجلس برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم!» (۳۹)

یوسف ، الجزء ۱۳ ، الصفحة: ۲۴۲ ، الآية: ۵۵

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴿٥٥﴾

(یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!» (۵۵)

البقرة ، الجزء ۲ ، الصفحة: ۴۰ ، الآية: ۲۴۷

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُبْتَ
سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

﴿٢٤٧﴾

و پیامبرشان به آنها گفت: «خداوند(*طالوت*) را برای زمامداری شما مبعوث(و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و(قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ و(از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است.» (۲۴۷)

تقریب: از تأمل در تفاسیر چنین برمی‌آید که یکی از شایستگی‌های افراد برای رهبری، اصطفاء و گزینش الهی بوده است و خداوند کسانی را برمی‌گزیند که پاکدل باشند. طالوت فردی شایسته و از صفای باطن و ملکات اخلاقی برخوردار بوده است. همچنین بیان شده که نداشتن امکانات فراوان مالی مایه نداشتن قدرت فرماندهی نمی‌تواند باشد؛ زیرا فرمانده باید همراه تقوای الهی، دو ویژگی تخصص علمی و توان بدنی را داشته باشد و خداوند هر دو را به طالوت مرحمت کرده بود. پس فرمانده باید دارای گوهری طاهر، استعداد ممتاز، برگزیده خدا و متعهد باشد و در مسائل علمی نیز فردی متخصص و کارآمد و آگاه به مسائل جنگ و در هدایت عملیات نیز از نیروی بدنی مناسبی برخوردار و از همه زیردستان نیرومندتر باشد (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۶۴۰). بنابراین، تفسیر نیز دلالت بر این دارد که تخصص به تنهایی مفید فایده نخواهد بود. در عصر حاضر، علوم از نظر تخصصی شدن به شاخه‌های متعددی تقسیم گردیده که در هر زمینه‌ای از چندین تخصص تشکیل یافته است و به جرأت می‌توان علوم کلی و عمومی را برای فهم، درک و شناخت هر یک از تخصص‌های زیرمجموعه علوم به کار بست.

مستندات روایی:

غرر الحکم و درر الکلم ؛ ص ۲۸۴

إذا ملک الأراذل هلك الأفاضل.

نامه امیر المومنین به مالک اشتر – نامه ۵۳

ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عَمَالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ [اخْتِياراً] اخْتِباراً وَ لَا تُؤْلِهِمْ مُحَابَاةً وَ أَثَرَةً فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعْبِ الْجَوْرِ وَ الْخِيَانَةِ وَ تَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرُّبَةِ وَ الْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْيُبُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ الْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقاً وَ أَصَحُّ أَعْرَاضاً وَ أَقْلُ فِي الْمَطَامِعِ [إِشْرَافاً] إِشْرَاقاً وَ أَبْلَغُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْراً.

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۲۸، ص: ۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع إِلَى حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ سَلَامٌ عَلَيْكَ فَإِنِّي وَلَيْتَكَ مَا كُنْتُ تَلِيهِ لِمَنْ كَانَ قَبْلُ مِنْ حَرْفِ الْمَدَائِنِ وَ قَدْ جَعَلْتُ إِلَيْكَ أَعْمَالَ الْخَرَاجِ وَ الرُّسْتَقِ وَ جَبَايَةَ أَهْلِ الذِّمَّةِ فَاجْمَعْ إِلَيْكَ ثِقَاتِكَ وَ مَنْ أَحَبَّتْ مِمَّنْ تَرْضَى دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ وَ اسْتَعِنْ بِهِمْ عَلَى أَعْمَالِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ أَعَزُّ لَكَ وَ لَوَلِيَّكَ وَ أَكْبَتُ لِعَدُوِّكَ

نهج البلاغه / ن ۵۳

«وَأَكْثَرُ مُدَارَسَةِ الْعُلَمَاءِ وَ مُنَاقَشَةِ الْحُكَمَاءِ فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ بِلَادِكَ وَ إِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ»

یعنی، « فراوان با دانشمندان گفتگو کن و فراوان با حکیمان بحث کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت » (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۷۳).

تقریب: «یک نکته شگفت انگیز در جملات مورد تفسیر این است که امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام) می فرماید با دو گروه ارتباط دائمی داشته باش:

۱- گروه دانشمندان که واقعیت ها را از دیدگاه علمی محض می نگرند و آنها را با اصول و قواعدی مستند به تجربیات و مشاهدات توصیف و مورد تصرف و تغیر برای نیازهای مادی و معنوی قرار می دهند.

۲- گروه حکما که همان واقعیت ها را با کلی نگری و دریافت وحدت های عالی تر در هستی مورد کاوش، تحقیق و تفسیر قرار می دهند.

بنابراین، برای آگاهی و اطلاع از مردم جامعه، چنان که هستند و چنان که باید باشند، از هر دو نوع معرفت دانشی (علمی) و حکمی، به ویژه بدان روی که سر و کار تو با انسان هاست و مدیریت آنان را پذیرفته ای، ضرورت قطعی دارد» (جعفری تبریزی، ۱۳۸۶: ۲۰۸).

معلوم می شود که مدیران جامعه باید بر علوم عقلی و توانایی های ذهنی و فکری والایی دست یافته باشند و از تخصص های مختلف افراد جامعه بهره مند گردند تا تصمیم های بدون نقص و درخور توجهی اتخاذ نمایند. مطلب دوم اینکه هر مدیر عالمی باید با کاربردی کردن علم خود و علوم متخصصان دیگر در اجرایی کردن آنچه که بدان دست می یابد و صواب تشخیص می دهد، توانا باشد.

دارای مدیریت و کفایت

کلام امام خامنه ای:

رئیس جمهور مطلوب باید با کفایت، با ایمان، عدالت خواه و ضد فساد، دارای عملکرد انقلابی و جهادی، معتقد به توانمندی های داخلی، معتقد به جوانان به عنوان پیشران حرکت عمومی کشور و امیدوار به آینده باشد.^{۱۱۹}

مستندات قرآنی:

البقرة، الجزء ۲، الصفحة: ۴۰، الآية: ۲۴۷

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

﴿۲۴۷﴾

و پیامبران به آنها گفت: «خداوند (*طالوت*) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ و (از لیاقت افراد برای منصب ها) آگاه است.» (۲۴۷)

تقریب: این آیه در رابطه با طالوت است که قرار است ملکی گذاشته شود و قوم وی شروع به اشکال گیری میکنند به اینکه چرا او باید رئیس باشد که نه مال و منالی دارد و نه پست و مقامی و نه از اشراف زاده است. فکر این دسته اینه که اگر قراره فردی مسئول بشه یا باید پول داشته باشه یا پست و مقامی، نبی ایشان از طریق خداوند می رساند که این دو ملاک نیست بلکه «و زاده بسطه فی العلم و الجسم» یعنی کسی که قراره مسئول بشه باید این دو رکن رو داشته باشه.

الزمر، الجزء ۲۳، الصفحة: ۴۵۹، الآية: ۹

أَمَّنْ هُوَ قَانِثٌ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾

(آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می شوند!» (۹)

يوسف، الجزء ۱۳، الصفحة: ۲۴۲، الآية: ۵۴

^{۱۱۹} - سخنرانی نوروزی - ۱ فروردین ۱۴۰۰

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ اَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ﴿٥٤﴾

پادشاه گفت: «او [یوسف] را نزد من آورید، تا وی را مخصوص خود گردانم!» هنگامی که (یوسف نزد وی آمد و) با او صحبت کرد، (پادشاه به عقل و درایت او پی برد؛ و) گفت: «تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و مورد اعتماد هستی!» (۵۴)

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمُ ﴿٥٥﴾

(یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزان سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!» (۵۵)

القصص، الجزء ٢٠، الصفحة: ٣٨٨، الآية: ٢٦

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾

یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است)!» (۲۶)

مستندات روایی:

(المحاسن / ۱ / ۹۳) (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / ۲۰۶)

عَنْ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ الْجَوْهَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنِ الْعَزْمِيِّ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ: مَنْ أَمَّ قَوْمًا وَفِيهِمْ أَعْلَمُ مِنْهُ أَوْ أَفْقَهُ مِنْهُ لَمْ يَزَلْ أَمْرُهُمْ فِي سَفَالٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(نهج البلاغه صبحی صالح / ۲۴۷)

امام علی علیه السلام

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ»

(کافی / ۱ / ۴۰۷)

امام باقر عليه السلام از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

«لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ مُجْزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبُهُ وَحُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ»

(نهج البلاغه صبحی صالح / ۱۸۹)

حضرت علی علیه السلام

«وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَالْدِّمَاءِ وَالْمَغَانِمِ وَالْأَحْكَامِ وَإِمَامَةُ الْمُسْلِمِينَ الْبَحِيلُ فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَتُهُ وَلَا الْجَاهِلُ فَيُضِلُّهُمْ بِجَهْلِهِ وَلَا الْجَانِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَائِهِ وَلَا الْخَائِفُ لِلدُّوَلِ فَيَتَّخِذَ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ وَلَا الْمُرْشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحُقُوقِ وَيَقِفَ بِهَا دُونَ الْمَقَاطِعِ وَلَا الْمُعْطَلُ لِلسُّنَّةِ فَيَهْلِكَ الْأُمَّةُ

(وسائل / ۸ / ۳۴۷)

قَالَ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص

إِمَامُ الْقَوْمِ وَإِفْذِهِمْ فَقَدْ مَوَّأَفْضَلَكُمْ.

(خصال / ۱ / ۲۰۰)

مُحَمَّدُ الْعَطَّارُ، عَنِ الْأَشْعَرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمَغِيرَةِ النَّضْرِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِمَا يُعْرِفُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ: بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ، وَالْعِلْمِ، وَالْوَصِيَّةِ

عدالتخواه و ضد فساد

کلام امام خمینی:

سرلوحه هدفان اسلام و احكام عدالت پرور آن باشد.^{۱۲۰}

كلام امام خامنه ای:

رئیس جمهور مطلوب باید با کفایت، با ایمان، عدالت خواه و ضد فساد، دارای عملکرد انقلابی و جهادی، معتقد به توانمندی های داخلی، معتقد به جوانان به عنوان پیشران حرکت عمومی کشور و امیدوار به آینده باشد.^{۱۲۱}

نظامی که پیغمبر ساخت، شاخصهای گوناگونی دارد که در بین آنها هفت شاخص از همه مهمتر و برجسته تر است: ... شاخص دوم، قسط و عدل است. اساس کار بر عدالت و قسط و رساندن هر حقی به حقدار - بدون هیچ ملاحظه - است.^{۱۲۲}

مستندات قرآنی:

المائدة، الجزء ۶، الصفحة: ۱۰۸، الآية: ۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترك عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می دهید، با خبر است! (۸)

النساء، الجزء ۵، الصفحة: ۱۰۰، الآية: ۱۳۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٣٥﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (چرا که) اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است

^{۱۲۰} - اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا - ۲۴ بهمن ۵۶

^{۱۲۱} - سخنرانی نوروزی - ۱ فروردین ۱۴۰۰

^{۱۲۲} - بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران - ۲۸ اردیبهشت ۸۰

که از آنان حمایت کند. بنا بر این، از هوی و هوس پیروی نکنید؛ که از حق، منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (۱۳۵)

المائدة ، الجزء ٦، الصفحة: ١١٥، الآية: ٤٢

سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِّلْسُحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٤٢﴾

آنها بسیار به سخنان تو گوش می‌دهند تا آن را تکذیب کنند؛ مال حرام فراوان می‌خورند؛ پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) آنها را به حال خود واگذار! و اگر از آنان صرف نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی‌رسانند؛ و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را دوست دارد! (۴۲)

ص ، الجزء ٢٣، الصفحة: ٤٥٤، الآية: ٢٢

إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصِمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٢﴾

در آن هنگام که (بی مقدمه) بر او وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد؛ گفتند: «نترس، دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده؛ اکنون در میان ما بحق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن!» (۲۲)

تقریب: علامه طباطبائی در ذیل این آیه می‌فرماید: فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ... - "کلمه "شطط" به معنای جور است و معنای جمله این است که: ای داوود بین ما حکمی کن که به حق باشد، و در حکم کردنت جور مکن. و ما را به راه وسط و طریق عدل راه بنما.

الجزء ٢٣، الصفحة: ٤٥٤، الآية: ٢٦

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛ کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند! (۲۶)

تقریب:

النساء، الجزء ۵، الصفحة: ۸۷، الآية: ۵۸

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٥٨﴾

خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزهای خوبی به شما می دهد! خداوند، شنوا و بیناست. (۵۸)

مستندات روایی:

نامه ۴۶ نهج البلاغه - نامه امیر المومنین به بعضی از کارگزارانشان

اعْتَزِمُ بِالشَّدَةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ وَاخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَالْأُنْ جَانِبَكَ وَأَسِ! بَيْنَهُمْ فِي الْحَظَةِ وَالنَّظَرَةِ وَالْإِشَارَةِ وَالتَّحِيَّةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ وَلَا يَتَأَسَّ الصُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ وَالسَّلَام

در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن، پر و بالت را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده روی و فروتن باش، و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش، تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند، و نا توانان از عدالت تو مأیوس نگردند. و السلام.

غرر الحکم ص ۱۰۲

الإمام علی «ع»:

العدل جنة الدول.

عدل سپر دولتهاست.

نامه ۵۳ نهج البلاغه

أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَأَعَمُّهَا فِي الْعَدْلِ وَأَجْمَعُهَا [لِرِضَا] لِرِضَى الرَّعِيَّةِ فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يُجْهِفُ
بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَإِنَّ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يُغْتَرُّ مَعَ [رِضَا] رِضَى الْعَامَّةِ

باید محبوبترین امور نزد تو میانه‌ترینش در حق، و همگانی‌ترینش در عدالت، و جامع‌ترینش در خشنودی رعیت باشد، چرا که خشم عموم خشنودی خواص را بی‌نتیجه می‌کند، و خشم خواص در برابر خشنودی عموم بی‌اثر است.

امیدوار

کلام امام خمینی:

به خودمان امیدوار باشیم. تکیه به ارادهٔ خودمان نکنیم. تبع اراده دیگران نباشیم. لکن همه با هم مجتمعاً این اراده را بکنیم تا کار انجام بگیرد. آنهایی که در ارتش هستند، در قوای مسلح هستند، با هم هماهنگ باشند، و با هم بخواهند که ارتششان قوی باشد، و ارتششان قوای مسلحه‌شان را خودشان اداره کنند. و می‌توانند و می‌بینید که توانستند و می‌توانند. و آنهایی که در کارخانه‌ها هستند و در کارگاه‌ها هستند و در امور صنعتی هستند، خودشان بگویند ما خودمان می‌کنیم و می‌توانیم.

امید در خودتان ایجاد کنید. نویسنده‌های ما، گویندگان ما همه‌شان دنبال این باشند که به این ملت امید بدهند. مأیوس نکنند ملت را. بگویند توانا هستیم. نگویند ناتوان هستیم. بگویند خودمان می‌توانیم و واقع همین طور است، می‌توانیم. اراده باید بکنیم. نویسنده‌های ما بهترین خدمتشان امروز این است که این ملتی که ایستاده در مقابل شرق و غرب و نمی‌خواهد تحت نظام شرق یا نظام غرب باشد، امید به آنها بدهند که می‌توانید تا آخر وابسته به شرق و غرب نباشید. اگر این نویسنده‌ها، این گوینده‌ها به جای اینکه به هم اشکال تراشی بکنند، به جای اینکه به جان هم بریزند، با هم امید در ملت ایجاد کنند. اطمینان در ملت ایجاد کنند. استقلال روحی در ملت ایجاد کنند. اگر این خدمت را این رسانه‌های گروهی، این مطبوعات، این نویسندگان، این گویندگان، این اطمینان را در ملت ایجاد کنند ما تا آخر پیروز هستیم. و حیف است که یک ملتی که ایستاده و خون جوانان خودش را داده و همه چیزش را فدای اسلام و استقلال کشورش کرده ماها که گوینده هستیم، نویسنده هستیم،

آنهايي که در مطبوعات چيز مي نويسند، در راديو و تلويزيون صحبت مي کنند، حيف است که اينها توجه به اين معنا نداشته باشند که بايد اين ملت را اميدوار کرد، و بايد مطمئن کرد ملت را^{۱۲۳}.

کلام امام خامنه اي:

رئيس جمهور مطلوب بايد با کفايت، با ايمان، عدالت خواه و ضد فساد، داراي عملکرد انقلابي و جهادي، معتقد به توانمندی هاي داخلي، معتقد به جوانان به عنوان پيشران حرکت عمومي کشور و اميدوار به آينده باشد.^{۱۲۴}

مستندات قرآني:

البقرة، الجزء ۱، الصفحة: ۸، الآية: ۵۳

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾

و(نيز به خاطر آوريد) هنگامی را که به موسی، کتاب و وسیله تشخیص (حق از باطل) را دادیم؛ تا هدايت شوید.
(۵۳)

البقرة، الجزء ۲، الصفحة: ۲۳، الآية: ۱۵۰

وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَآتِيَنَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٠﴾

و از هر جا خارج شدی، روی خود را به جانب مسجد الحرام کن! و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنید! تا مردم، جز ظالمان (که دست از لجاجت بر نمی دارند)، دلیلی بر ضد شما نداشته باشند؛ (زیرا از نشانه های پیامبر، که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او، به سوی دو قبله، نماز می خواند.) از آنها نترسید! و (تنها) از من بترسید! (این تغییر قبله، به خاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدايت شوید! (۱۵۰)

البقرة، الجزء ۲، الصفحة: ۲۹، الآية: ۱۸۹

۱۲۳ - اغفال جهان سوم در جهت استثمار آنها و لزوم بيداری و تلاش برای رهایی از وابستگی ها - ۲۹ دی ۵۹

۱۲۴ - سخنرانی نوروزی - ۱ فروردین ۱۴۰۰

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَ
 اتُّوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٨٩﴾

در باره «هلالهای ماه» از تو سؤال می کنند؛ بگو: «آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است». و (آن چنان که در جاهلیت مرسوم بود که به هنگام حج، که جامه احرام می پوشیدند، از در خانه وارد نمی شدند، و از نقب پشت خانه وارد می شدند، نکنید!) کار نیک، آن نیست که از پشت خانه ها وارد شوید؛ بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید! و از در خانه ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید!

(۱۸۹)

تقریب: امید به آینده و استقلال روحی و تکیه به اراده خودمان و امید به این که ما می توانیم
 لعل یعنی شاید یعنی این که امید داشته باشید که این گونه می شود. البته لعل، همیشه در مقام امید، استعمال نمی شود اما یکی
 از مواضع استعمالش در جایی است که امید وجود دارد

مستندات روایی:

الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث)، ص: ۲۸۵
 وَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ، عَنْ دُرُسْتٍ، عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ، عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ، عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ
 قَوْلِ اللَّهِ:
 وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِذَا زَنَى الْعَبْدُ خَرَجَ مِنْهُ رُوحُ الْإِيمَانِ» قَالَ:
 فَقَالَ: أَلَمْ تَرِ إِلَى شَيْئَيْنِ يَحْتَلِجَانِ فِي قَلْبِكَ: شَيْءٌ يَأْمُرُ بِالْخَيْرِ هُوَ مَلَكُ يَرْحُ الْقُلُوبَ، وَالَّذِي يَأْمُرُهُ بِالشَّرِّ هُوَ
 الشَّيْطَانُ يَنْفُثُ فِي أُذُنِ الْقَلْبِ قَالَ: ثُمَّ قَالَ:
 لِلْمَلَكِ لَمْ، وَ لِلشَّيْطَانِ لَمْ، فَمِنْ لَمْ الْمَلِكِ إِعَادُ بِالْخَيْرِ وَ تَصَدِيقُ بِالْحَقِّ وَ رَجَاءُ الثَّوَابِ، وَ مِنْ لَمْ الشَّيْطَانِ
 تَكْذِيبُ بِالْحَقِّ وَ قُنُوطٌ مِنَ الْخَيْرِ وَ إِعَادُ بِالشَّرِّ.

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۲۱

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ مَوَالِيهِ فَجَرَى ذِكْرُ الْعُقْلِ وَالْجُهْلِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع اَعْرِفُوا الْعُقْلَ وَ
 جُنْدَهُ وَالْجُهْلَ وَجُنْدَهُ تَهْتَدُوا قَالَتْ سَمَاعَةُ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ لَا نَعْرِفُ إِلَّا مَا عَرَفْتَنَا فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ عَزَّ
 وَجَلَّ خَلَقَ الْعُقْلَ وَهُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ فَقَالَ لَهُ أَذْبِرْ فَأَذْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ
 فَأَقْبَلَ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقْتُكَ خَلْقًا عَظِيمًا وَكَرَّمْتُكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي قَالَ ثُمَّ خَلَقَ الْجُهْلَ مِنَ الْبَحْرِ الْأُجَاجِ
 ظُلُمَانِيًّا فَقَالَ لَهُ أَذْبِرْ فَأَذْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَلَمْ يَقْبَلْ فَقَالَ لَهُ اسْتَكَبَرْتَ فَلَعَنَهُ ثُمَّ جَعَلَ لِلْعُقْلِ خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ جُنْدًا
 فَلَمَّا رَأَى الْجُهْلُ مَا أَكْرَمَ اللَّهُ بِهِ الْعُقْلَ وَمَا أَعْطَاهُ أَضْمَرَ لَهُ الْعِدَاوَةَ فَقَالَ الْجُهْلُ يَا رَبِّ هَذَا خَلْقٌ مِثْلِي خَلَقْتَهُ وَ
 كَرَّمْتَهُ وَقَوَّيْتَهُ وَأَنَا ضِدُّهُ وَلَا قُوَّةَ لِي بِهِ فَأَعْطَنِي مِنَ الْجُنْدِ مِثْلَ مَا أُعْطِيْتَهُ فَقَالَ نَعَمْ فَإِنْ عَصَيْتَ بَعْدَ ذَلِكَ أَخْرَجْتُكَ
 وَجُنْدَكَ مِنْ رَحْمَتِي قَالَ قَدْ رَضِيتُ فَأَعْطَاهُ خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ جُنْدًا فَكَانَ بِمَا أُعْطِيَ الْعُقْلَ مِنَ الْخَمْسَةِ وَالسَّبْعِينَ
 الْجُنْدِ الْمُخَيَّرُ وَهُوَ زِيرُ الْعُقْلِ وَجَعَلَ ضِدَّ الشَّرِّ وَهُوَ زِيرُ الْجُهْلِ وَالْإِيمَانُ وَضِدُّ الْكُفْرِ وَالْتَّصَدِيقُ وَضِدُّ
 الْجُبُودِ وَالرَّجَاءُ وَضِدُّ الْقُنُوطِ وَالْعَدْلُ وَضِدُّ الْجُبُورِ وَالرِّضَا وَضِدُّ السُّخْطِ وَالشُّكْرُ وَضِدُّ الْكُفْرَانِ وَالطَّمَعُ
 وَضِدُّ الْيَأْسِ وَالتَّوَكُّلُ وَضِدُّ الْحِرْصِ وَالرَّأْفَةُ وَضِدُّهَا الْقَسْوَةُ وَالرَّحْمَةُ وَضِدُّهَا الْغَضَبُ وَالْعِلْمُ وَضِدُّ الْجُهْلِ وَ
 الْفَهْمُ وَضِدُّ الْحُمُقِ وَالْعَقَّةُ وَضِدُّهَا التَّهْتُكُ وَالزُّهْدُ وَضِدُّهَا الرِّعْبَةُ وَالرِّفْقُ وَضِدُّهَا الْخُرْقُ وَالرَّهْبَةُ وَضِدُّهَا الْجُرْأَةُ وَ
 التَّوَاضُعُ وَضِدُّهَا الْكِبَرُ وَالتَّوَدُّةُ وَضِدُّهَا التَّسَرُّعُ وَالْحِلْمُ وَضِدُّهَا السَّفَهَةُ

وَالصَّمْتُ وَضِدُّهُ الْهَذَرُ وَالْإِسْتِسْلَامُ وَضِدُّهُ الْإِسْتِكْبَارُ وَالتَّسْلِيمُ وَضِدُّهُ الشَّكُّ وَالصَّبْرُ وَضِدُّهُ الْجَزَعُ وَ
 الصَّفْحُ وَضِدُّهُ الْإِنْتِقَامُ وَالْغِنَى وَضِدُّهُ الْفَقْرُ وَالتَّذَكُّرُ وَضِدُّهُ السَّهْوُ وَالْحِفْظُ وَضِدُّهُ النِّسْيَانُ وَالتَّعَطُّفُ وَضِدُّهُ
 الْقَطِيعَةُ وَالْقُنُوعُ وَضِدُّهُ الْحِرْصُ وَالْمُؤَاسَاةُ وَضِدُّهَا الْمُنْعُ وَالْمُودَّةُ وَضِدُّهَا الْعِدَاوَةُ وَالْوَفَاءُ وَضِدُّهُ الْغَدْرُ وَالطَّاعَةُ
 وَضِدُّهَا الْمَعْصِيَةُ وَالْخُضُوعُ وَضِدُّهُ التَّطَاوُلُ وَالسَّلَامَةُ وَضِدُّهَا الْبُلَاءُ وَالْحُبُّ وَضِدُّهُ الْبُغْضُ وَالصَّدَقُ وَضِدُّهُ
 الْكُذِبُ وَالْحَقُّ وَضِدُّهُ الْبَاطِلُ وَالْأَمَانَةُ وَضِدُّهَا الْخِيَانَةُ وَالْإِخْلَاصُ وَضِدُّهُ السُّوْبُ وَالسَّهَامَةُ وَضِدُّهَا
 الْبُلَادَةُ وَالْفَهْمُ وَضِدُّهُ الْغَبَاوَةُ وَالْمَعْرِفَةُ وَضِدُّهَا الْإِنْكَارُ وَالْمُدَارَاةُ وَضِدُّهَا الْمَكَاشِفَةُ وَسَلَامَةُ الْغَيْبِ وَضِدُّهَا

الْمَأْكِرَةَ وَالْكُتْمَانَ وَضِدَّ الْإِفْشَاءَ وَالصَّلَاةَ وَضِدَّهَا الْإِضَاعَةُ وَالصَّوْمَ وَضِدَّهَا الْإِفْطَارُ وَالْجِهَادَ وَضِدَّهَا
النُّكُولَ وَالْحُجَّ وَضِدَّهَا بِنْدَ الْمِيثَاقِ وَصَوْنُ الْحَدِيثِ وَضِدَّهَا التَّمِيمَةُ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَضِدَّهَا الْعُقُوقُ وَالْحَقِيقَةُ وَضِدَّهَا
الرِّيَاءَ وَالْمَعْرُوفَ وَضِدَّهَا الْمُنْكَرَ وَالسُّتْرَ وَضِدَّهَا التَّبَرُّجَ وَالتَّعَيُّةَ وَضِدَّهَا الْإِذَاعَةَ وَالْإِنْصَافَ وَضِدَّهَا الْحَمِيَّةَ وَ
التَّهَيُّةَ وَضِدَّهَا الْبُغْيَ وَالنِّظَافَةَ وَضِدَّهَا الْقُدْرَ وَالْحَيَاءَ وَضِدَّهَا الْمَجْلَعَ وَالْقُصْدَ وَضِدَّهَا الْعُدْوَانَ وَالرَّاحَةَ وَضِدَّهَا
التَّعَبَ وَالسُّهُولَةَ وَضِدَّهَا الصُّعُوبَةَ وَالْبَرَكَهَ وَضِدَّهَا الْمَحَقَّ وَالْعَافِيَةَ وَضِدَّهَا الْبَلَاءَ وَالْقَوَامَ وَضِدَّهَا الْمَكَاتِرَةَ وَ
الْحِكْمَةَ وَضِدَّهَا الْهُوَاءَ وَالْوَقَارَ وَضِدَّهَا الْحِقَّةَ وَالسَّعَادَةَ وَضِدَّهَا الشَّقَاوَةَ وَالتَّوْبَةَ وَضِدَّهَا الْإِصْرَارَ وَالِاسْتِغْفَارَ
وَضِدَّهَا الْإِعْرَارَ وَالْمُحَافَظَةَ وَضِدَّهَا التَّهَافُونَ وَالِدُّعَاءَ وَضِدَّهَا الْإِسْتِنْكَافَ وَالنَّشَاطَ وَضِدَّهَا الْكَسَلَ وَالْفَرَحَ
وَضِدَّهَا الْحُزْنَ وَالْأَلْفَةَ وَضِدَّهَا الْفُرْقَةَ وَالسَّخَاءَ وَضِدَّهَا الْبُخْلَ فَلَا تَجْتَمِعُ هَذِهِ الْخِصَالُ كُلُّهَا مِنْ أَجْنَادِ الْعُقْلِ إِلَّا فِي
نَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ أَوْ مُؤْمِنٍ قَدْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَأَمَّا سَائِرُ ذَلِكَ مِنْ مَوَالِينَا فَإِنْ أَحَدُهُمْ لَا يَخْلُو مِنْ أَنْ
يَكُونَ فِيهِ بَعْضُ هَذِهِ الْجُنُودِ حَتَّى يَسْتَكْمَلَ وَيَتَّقَى مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ فِي الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مَعَ
الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَإِنَّمَا يَدْرِكُ ذَلِكَ بِمَعْرِفَةِ الْعُقْلِ وَجُنُودِهِ وَبُجَانِبَةِ الْجَهْلِ وَجُنُودِهِ وَفَقْنَا اللَّهَ وَإِيَّاكُمْ
لِطَاعَتِهِ وَمَرْضَاتِهِ.

نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص: ١٣٩

وَقَالَ: وَسَمِعْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الْغِنَى قَلَّةُ تَمَنِّيكَ، وَالرِّضَا بِمَا يَكْفِيكَ، وَالْفَقْرُ
شَرُّ النَّفْسِ وَشِدَّةُ الْقُنُوطِ، وَالدَّقَّةُ اتِّبَاعُ الْيُسْرِ، وَالنَّظَرُ فِي الْحَقِيرِ.

تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان)، ج ٣، ص: ١٢٥

٢٦٨-٤٠- وَرَوَى إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ
عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ مِثْلَ ذَلِكَ وَزَادَ فِيهِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَحَبِّ مَا دُعِيتَ بِهِ وَ

أَرْضِي مَا رَضِيتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ ص أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلَ وَدَاعِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَدَاعِ
خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا وَدَاعِ آخِرِ عِبَادَتِكَ فِيهِ وَلَا آخِرَ صَوْمِي لَكَ وَارْزُقْنِي الْعُودَ فِيهِ ثُمَّ الْعُودَ فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا
وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَوَقِّفْنِي لِلَّيْلَةِ الْقُدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا رَبَّ لَيْلَةِ الْقُدْرِ وَاجْعَلْهَا خَيْرًا
مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ يَا رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْمَجَالِ وَالْجَارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِيَّ يَا مُصَوِّرِيَّ يَا حَنَّانُ يَا
مَنَّانُ يَا اللَّهَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا قَيُّوْمُ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ
وَالْأَلَاءُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَشِّرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا
لَا يَشُوْبُهُ شَكٌّ وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَنْ تُؤْتِيَنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَأَنْ تَقِيَنِي عَذَابَ النَّارِ اللَّهُمَّ
اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ يَا قُدُّوسُ يَا قُدُّوسُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ
يَا رَحِيمُ يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ أَعُوذُ بِكَ يَا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الْوَتَرُ الْمُتَكَبِّرُ الْمُتَعَالِي وَأَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ مَا
دَعَوْتُكَ بِهِ وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي تَمَلَأُ أَرْكَانَكَ كُلَّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ
فَضْلِكَ الْعَظِيمِ وَتَقَبَّلْ مِنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ وَصِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَفَرَضَهُ وَنَوَافِلَهُ وَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاعْفُ عَنِّي وَلَا
تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ وَعَبَدْتُكَ فِيهِ وَلَا تَجْعَلَ وَدَاعِي إِيَّاهُ وَدَاعِ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا اللَّهُمَّ أَوْجِبْ
لِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَخَشْيَتِكَ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَدًا مِمَّنْ عِنْدَكَ فِيهِ اللَّهُمَّ فَلَا تَجْعَلَنِي أَحْسَرَ
مَنْ سَأَلَكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَعْتَقْتَهُ فِي هَذَا الشَّهْرِ مِنَ النَّارِ وَغَفَرْتَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَوْجَبْتَ لَهُ
أَفْضَلَ مَا رَجَاكَ وَأَمَلَهُ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعُودَ فِي صِيَامِهِ لَكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ كَتَبْتَهُ
فِي هَذَا الشَّهْرِ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمُبَرُورِ حُجَّتْهُمْ الْمُغْفُورِ لَهُمْ ذُنُوبُهُمُ الْمُتَقَبَّلِ عَمَلُهُمْ آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي فِيهِ ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا خَطِيئَةً إِلَّا مَحَوْتَهَا وَلَا عَثْرَةً إِلَّا أَقْلَتَهَا وَلَا دَيْنًا إِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً إِلَّا
أَغْنَيْتَهَا وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ وَلَا فَاقَةً إِلَّا سَدَدْتَهَا وَلَا غُرْبَانًا إِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا دَاءً إِلَّا أَذْهَبْتَهُ وَلَا

حَاجَةٌ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا قَضَيْتَهَا عَلَيَّ أَفْضَلَ أَمْلِي وَرَجَائِي فِيكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا
بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تُذِلَّنَا بَعْدَ إِذْ أَعَزَّنَا وَلَا تَضْعُنَا بَعْدَ إِذْ رَفَعْتَنَا وَلَا تُهِنَّنَا بَعْدَ إِذْ أَكْرَمْتَنَا وَلَا تُفَقِّرْنَا بَعْدَ إِذْ أَغْنَيْتَنَا
وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ إِذْ أَعْطَيْتَنَا وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ إِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تُغَيِّرْ شَيْئًا مِنْ نِعَمِكَ عَلَيْنَا وَإِحْسَانِكَ إِلَيْنَا لَشَيْءٍ كَانَ مِنْ
ذُنُوبِنَا وَلَا لِمَا هُوَ كَائِنْ مِنْهَا فَإِنَّ فِي كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ وَفَضْلِكَ سَعَةً لِعُفْرَةِ ذُنُوبِنَا فَاعْفِرْ لَنَا وَتَجَاوَزْ عَنَّا وَلَا تُعَاقِبْنَا عَلَيْهَا يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَكْرَمْنِي فِي مَجْلِسِي هَذَا كَرَامَةً لَا تُهِنُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَأَعِزَّنِي عِزًّا لَا تُذِلُّنِي بَعْدَهُ أَبَدًا وَ
عَافِنِي عَافِيَةً لَا تَبْتَلِيَنِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَارْفَعْنِي رِفْعَةً لَا تَضْعُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَشَرَّ
كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ قَرِيبٍ أَوْ بَعِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ وَشَرَّ كُلِّ ذَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ أَوْ رِييَةٍ أَوْ حُجُودٍ أَوْ قُنُوطٍ أَوْ تَرَحٍّ أَوْ مَرَحٍ أَوْ بَطَرٍ أَوْ فَرَحٍ أَوْ خِيَلَاءٍ أَوْ رِيَاءٍ أَوْ
سُمْعَةٍ أَوْ شِقَاقٍ أَوْ نِفَاقٍ أَوْ كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ أَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ وَلِيَّا لَكَ فَاسْأَلْكَ أَنْ تَحْوَهُ مِنْ قَلْبِي وَ
تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ إِيْمَانًا بِكَ وَرِضًا بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلًا مِنْكَ وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ
وَطُمَآنِينَةً إِلَيْكَ وَتَوْبَةً نَصُوحًا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ بَلَّغْتَنَاهُ وَإِلَّا فَأَخْرَاجَلْنَا إِلَى قَابِلٍ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ
عَافِيَةٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَسَلَّمْ كَثِيرًا طَيِّبًا وَرَحْمَةً اللَّهُ وَ
بَرَكَاتُهُ.

تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج ٣، ص: ١٢٦

الْمَحْتُومِ وَفِيمَا تَفَرَّقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ فِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يَبْدُلُ وَلَا يَغَيِّرُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ
حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمُبْرُورِ حُجَّاهُ الْمُشْكُورِ سَعِيمُ الْمُغْفُورِ ذَنْبُهُمُ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ
تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسَأَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا وَأَرْغُبُ إِلَيْكَ وَلَمْ
يُرْغَبْ إِلَيَّ مِثْلَكَ أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ أَسْأَلُكَ بِأَعْظَمِ الْمَسَائِلِ كُلِّهَا وَأَفْضَلِهَا وَ
أَنْجَحِهَا الَّتِي يَنْبَغِي لِلْعِبَادِ أَنْ يُسْأَلَوكَ بِهَا يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ وَبِأَسْمَائِكَ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَعْلَمْ بِأَسْمَائِكَ

الْحُسْنَى وَأَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَنِعْمَتِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى وَبِأَكْرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَأَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَأَشْرَفَهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَ
 أَقْرَبَهَا مِنْكَ وَسِيلَةً وَأَجْزَلَهَا مِنْكَ ثَوَابًا وَأَسْرَعَهَا لَدَيْكَ إِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَكُونِ الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الْأَكْبَرِ
 الْأَجَلِّ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتُسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ وَحَقُّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تُحِبَّ سَائِلَكَ وَ
 أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةٌ عَرْشِكَ وَ
 مَلَائِكَةُ سَمَاوَاتِكَ وَسُكَّانُ أَرْضِكَ مِنْ نَبِيِّ أَوْ صَدِيقٍ أَوْ شَهِيدٍ وَبِحَقِّ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ الْفَرِيقَيْنِ مِنْكَ الْمُتَعَوِّذِينَ
 بِكَ وَبِحَقِّ مُجَاوِرِي بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجًا وَمُعْتَمِرِينَ وَمُقَدِّسِينَ وَالْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَكَ
 فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ قَدْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدُّهُ
 دُعَاءَ مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ سَادًا وَلَا لِضَعْفِهِ مُعَوِّلًا وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ غَيْرِ
 مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَكْفٍ خَائِفًا بِإِسَافٍ قَرِيبٍ مُسْتَجِيرًا بِكَ أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَجَبْرُوتِكَ وَسُلْطَانِكَ وَ
 بُلُوكِكَ وَبِيَهَائِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَبِالْأَيْكَةِ وَحُسْنِكَ وَجَمَالِكَ وَبِقُوَّتِكَ عَلَى مَا أَرَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ أَدْعُوكَ
 يَا رَبِّ خَوْفًا وَطَمَعًا وَرَهْبَةً وَرَغْبَةً وَتَحْشَعًا وَتَمَلُّقًا وَتَضَرُّعًا وَإِلْحَاحًا وَإِلْحَافًا خَاضِعًا لَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا
 شَرِيكَ لَكَ يَا قُدُّوسُ

طرح اجرایی

یک روزنگار با عنوان (قاضی = شما) در وسط صفحه
یک بخش گوشه راست برای نوشتن عنوان معیار اصلح به همراه توضیح یکی از امامین انقلاب.
گوشه سمت چپ برای مستند معیار بیان شده
گوشه سمت راست پایین سوابق مربوط به فرد اصلح برای ما که مربوط به عنوان ارائه شده باشد
گوشه سمت چپ سوابق ارائه شده در مورد شخصی که در جبهه مقابل قرار دارد که این هم باید متناسب با معیار ارائه شده باشد.

پل های ارتباطی:

۰۹۳۷۵۸۹۸۷۱۹ - ۰۹۳۰۴۱۰۹۵۸۷